





رهیافت، راهنمای فتاوا

نسخه ۱ تیر ۱۳۹۲

تهیه و تدوین: اداره‌ی پاسخگویی به سؤالات دینی
تنظیم و تولید: اداره‌ی تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی
طراح جلد: آسمان گرافیک

چاپ: اول، ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، صحن جمهوری اسلامی،

اداره‌ی پاسخگویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰، دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲

رایانامه: epasokh@aqrazavi.org



راهنمای فتاوا

به انضمام استفتائات جدید

رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

ویژه استادان

پاسخگویی به سوالات شرعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیامبر خدا ﷺ:

«أَجُودُكُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عِلِمٌ عِلْمًا فَنَشَرَ عِلْمَهُ.»^۱
(=بخشنده‌ترین شما پس از من، کسی است که
دانشی بیاموزد؛ آنگاه دانش خود را بپراکند).
استاد گرامی، سلام

آنچه پیش رو دارید، تلاشی است در جهت ارتقای
علمی و یکسان‌سازی پاسخ‌های استادان محترم
اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی آستان قدس
رضوی. این کتاب را پس از تدوین، با اشراف
استادان محترم هیئت علمی بررسی کرده و پس
از تأیید، در این قالب در اختیار شما قرار داده‌ایم.
این مجموعه کتاب‌ها را در چهار دسته موضوعی،
تدوین و ارائه می‌کنیم: رهیافت احکام، رهیافت
اعتقادی، رهیافت تربیتی و رهیافت ترکیبی (مركب
از هر سه موضوع).

مجموعه پیش رو با عنوان راهنمای فتاوا در قالب
رهیافت احکام تقدیم حضور می‌شود.

بی شک بررسی دقیق و نگاه نقادانه شما فرهیخته
گران قدر، ما را در جهت بهبود کیفی این مجموعه
یاری خواهد کرد.

جبهه خضوع به درگاه قدسی احدیت می‌ساییم
که توفیق خدمت در بارگاه سراسر نور و ملکوتی
حضرت رضا علیه‌السلام را ارزانی‌مان فرمود. امید
است بتوانیم به پاس این افتخار و با استعانت از
محضر آن امام همام علیه‌السلام به مصداق روایت
نورانی فوق، جرعه‌ای از علم و معرفت حقیقی را
نوشیده، و به تشنگان راستین آن بنوشانیم.

گروه علمی ادارهٔ پاسخ‌گویی به سؤالات دینی





فصل اول
راهنمای فتاوا





تقلید

۱. از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل باشد و نیز بنا بر احتیاط واجب باید از مجتهدی تقلید کرد که حریص به دنیا نباشد و از مجتهدین زمان خود اعلم باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۳، م ۳ و توضیح المسائل، م ۲)

در صورت تعدّد فقهای جامع شرایط و اختلاف آنان در فتوا، بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید از اعلم تقلید نماید مگر آن که احراز شود فتوای وی مخالف احتیاط و فتوای غیر اعلم موافق احتیاط است. [که در این صورت تقلید از اعلم، واجب نیست].

(اجوبة الاستفتائات، س ۲۰)

۲. اعلم کسی است که قواعد و مدارك مسأله را بهتر بشناسد و بر نظائر آن مسأله و اخبار اطلاع بیشتر داشته باشد و همچنین اخبار را بهتر بفهمد. و به طور خلاصه، آن کس که در استنباط احکام استادتر باشد.

(العروة الوثقی، ج ۱، الاجتهاد والتقلید، م ۱۷)

ملاك اعلمیّت این است که آن مرجع نسبت به سایر مراجع قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی



داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعیه را از أدله استنباط کند و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است، آگاه‌تر باشد.

(اجوبه الاستفتائات، ص ۱۶)

۳. مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:

اول: آن که خود انسان یقین کند، مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

دوم: آن که دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته‌ی آنان مخالفت ننمایند.

سوم: آن که عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته‌ی آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن و یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

(توضیح المسائل، م ۳)

برای شناختن مجتهد حائز شرایط، باید خود مکلف اطمینان پیدا کند، چه از راه شهرت فراگیر مردم و چه از راه تجربه‌ی شخصی و چه از راه دیگر. و یا باید دو نفر خبره‌ی عادل به این مطلب شهادت دهند، هرچند موجب اطمینان نشود.

(استفتا، ۳)

۴. تقلید میّت ابتداءً جایز نیست ...

(تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۵، م ۱۳ و توضیح المسائل، م ۹)

آیت‌الله العظمیٰ
خامنه‌ای در تقلید ابتدایی، احتیاط در تقلید از مجتهد
زنده و اعلم نباید ترك شود.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۲۲)



طهارت

۵. آب کُر به حسب کیلوی متعارف بنا بر اقرب
۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم می‌باشد.

(توضیح المسائل، م ۱۶)

آیت‌الله العظمیٰ
خامنه‌ای تقریباً ۳۸۴ لیتر می‌باشد.

(استفتا، ۲)

۶. غیر مسلمان از هر دین و مذهبی که باشد
محکوم به نجاست است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۰۶، العاشر و استفتاءات،

ج ۱، ص ۱۰۲، س ۲۶۷)

آیت‌الله العظمیٰ
خامنه‌ای نجاست ذاتی اهل کتاب معلوم نیست، به
نظر ما آنان، محکوم به طهارت ذاتی هستند. اهل
کتاب عبارتند از: یهود، نصارا، زرتشتی‌ها، صابئین.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۳۱۳ و ۳۱۶)

۷. فضله پرندگان حرام گوشت، نجس است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۰۲، م ۱ و توضیح

المسائل، م ۸۵)

آیت‌الله العظمیٰ
خامنه‌ای فضله پرندگان حرام گوشت نجس نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۲۷۹)

۸. خونی که در تخم مرغ می باشد نجس نیست، ولی به احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کنند، و اگر خون را باز زده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.

(تحریر الوسيله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۰۴، الخامس و توضیح

المسائل، م ۹۸)

آیت الله العظمی
خامنهای خون در تخم مرغ محکوم به طهارت است ولی خوردن آن حرام است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۶۹)

۹. گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود پاک است، و همچنین است اگر یکی از این ها در دست مسلمان باشد. ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، نجس می باشد.

(توضیح المسائل، م ۹۵)

آیت الله العظمی
خامنهای گوشت و چرم و سایر اجزای حیوانات که در محیط های اسلامی فروخته می شود پاک است و همچنین هرگاه این چیزها در اختیار مسلمان باشد محکوم به پاک بودن است. اما در صورتی که این چیزها از کشورهای غیر مسلمان تهیه شود اگر احتمال دهد که آن حیوان ذبح اسلامی شده است، پاک است و اگر یقین دارد که ذبح اسلامی نشده محکوم به نجاست است.

(استفتا، ۱۲)

۱۰. شراب و هر چیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۰۶، الثامن و توضیح

المسائل، م ۱۱۱)

آیت‌الله العظمیٰ خامنه‌ای مشروبات مست کننده، بنا بر احتیاط نجس است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۰۱)

۱۱. چیزی که با برخورد نجاست نجس شده است اگر با چیز پاکی تماس پیدا کند آن را نیز نجس می‌کند و تا سه واسطه همچنان نجس کننده است ولی بیش از آن نجس کننده نیست.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی کیفیة التنجس بها [النجاسات]،

ص ۱۱۱، م ۹)

آیت‌الله العظمیٰ خامنه‌ای چیزی که با عین نجس، تماس یافته و نجس شده است، اگر باز با چیزی که پاک است تماس بیابد و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاک را نجس می‌کند، و باز این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس، نجس شده است اگر با چیز پاکی برخورد نماید بنا بر احتیاط واجب آن را نجس می‌کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود، نجس نمی‌کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۸۳)

۱۲. نجاست هر چیز از سه راه ثابت می‌شود:

اول: آن که خود انسان یقین کند چیزی نجس است و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است،



لازم نیست از آن اجتناب نماید، بنابراین غذا خوردن در قهوه‌خانه و مهمان‌خانه‌هایی که مردمان لاابالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی‌کنند در آنها غذا می‌خورند اگر انسان یقین نداشته باشد غذایی را که برای او آورده‌اند نجس است، اشکال ندارد.

دوم: آن که کسی که چیزی در اختیار او است بگوید آن چیز نجس است، مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کَلَفَت بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار او است نجس می‌باشد.

سوم: آن که دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است، و نیز اگر يك نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است، بنا بر احتیاط واجب، باید از آن چیز اجتناب کرد.

(توضیح المسائل، م ۱۲۱)

آیت‌الله العظمی خاتمی‌تأقی تا وقتی انسان یقین به نجس بودن چیزی پیدا نکند، لازم نیست آن را نجس به حساب بیاورد. ولی اگر کسی که آن چیز در اختیار اوست خبر بدهد که آن نجس است یا دو شخص عادل به نجاست آن گواهی بدهند، آن چیز محکوم به نجاست است.

(استفتا، ۱۱)

۱۳. کیفیت تطهیر با آب قلیل: چنانچه چیزی - غیر از ظرف - با بول نجس شده باشد، باید دو بار شسته شود و احتیاط واجب آن است که این دو بار شستن غیر از شستن برای برطرف نمودن بول باشد. و چیزی که با غیر بول نجس شده چنانچه ظرف نباشد، بعد از برطرف کردن نجاست، يك بار شستن آن کفایت می کند و نباید به آن شستنی که نجاست را برطرف می کند اکتفا نمود، البته اگر آب بعد از برطرف کردن نجاست، همچنان به صورت مستمر جریان داشته باشد کفایت می کند؛ و در تطهیر با آب قلیل، جدا شدن غساله (آبی که با آن شسته شده است) از آن چیز نجس، معتبر است.

(تحریر الوسیلة، ج ۱، فصل فی المطهرات، ص ۱۱۴، أولها)

چیزی که بر اثر تماس با بول نجس شده است هرگاه پس از برطرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب قلیل روی آن ریخته شود، پاك می شود و چیزی که با نجاسات دیگر تماس یافته و نجس شده است، پس از برطرف شدن عین نجاست اگر يك مرتبه شسته شود پاك می شود.

(استفتا، ۲۱)

۱۴. ظرفی که به ولوغ (ریختن آب دهان) سگ در آب یا چیز روانی که در آن می باشد نجس شده باید اول، با خاکی که بنا بر احتیاط واجب پاك است، خاک مال شود و سپس دو بار با آب قلیل شسته شود و یا با آب کرو یا جاری بنا بر احتیاط واجب دو

بار شسته شود. و اگر به غیر از ولوغ ولی با برخورد دهان سگ با آن مثل آن که سگ آن را لیسیده نجس شود، نیز بنا بر احتیاط واجب همین حکم را دارد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المظہرات، ص ۱۱۴، أولها)

ظرفی را که سگ در آن آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول با خاکمال شستشو کرد و سپس با آب شست. و اگر با آب قلیل شسته می شود باید پس از خاکمال، دو مرتبه شسته شود.

(استفتا، ۲۴)

۱۵. ظرفی را که خوک از آن چیز روانی بخورد، با آب قلیل باید هفت مرتبه شست، و در گُر و جاری نیز هفت مرتبه باید شست به احتیاط واجب، و لازم نیست آن را خاکمال کنند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که خاکمال شود و نیز لیسیدن خوک ملحق است به آب خوردن به احتیاط واجب.

(توضیح المسائل، م ۱۵۲)

ظرفی که در آن خوک، غذای روان یا آب بخورد، باید هفت مرتبه شسته شود ولی خاکمال آن لازم نیست.

(استفتا، ۲۵)

۱۶... [کف پا و ته کفش] اگر به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد، پاك شدنش به واسطه راه رفتن اشکال دارد. برای پاك شدن کف پا و ته کفش، بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، اگرچه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

(توضیح المسائل، م ۱۸۳ و م ۱۸۵)

۲۱

فتاوی

راهنمای فتاوا

کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او با نجاستی تماس یافته و نجس شده است، هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاك راه برود، کف پا یا ته کفشی که نجس شده است پاك می شود، مشروط به این که عین نجاست زائل شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۰)

۱۷. آفتاب، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده، و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده اند و جزء ساختمان حساب می شود با شش شرط پاك می کند:

اول: آن که چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود، پس اگر خشك باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب خشك کند.
دوم: آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از خشک شدن به آفتاب آن را برطرف کنند.



سوم: آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند این ها بتابد و چیز نجس را خشك کند، آن چیز پاك نمی شود، ولی اگر ابر به قدری نازك باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد.

چهارم: آن که آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشك کند پس اگر مثلاً چیز نجس بواسطه باد و آفتاب خشك شود پاك نمی گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشك شدن چیز نجس كمك کرده، اشکال ندارد.

پنجم: آن که آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، يك مرتبه خشك کند، پس اگر يك مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشك کند، و دفعه دیگر زیر آن را خشك نماید، فقط روی آن پاك می شود و زیر آن نجس می ماند. ششم: آن که ما بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد با داخل آن، هوا یا جسم پاك دیگری فاصله نباشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المطهرات، ص ۱۱۷، ثالثها و

توضیح المسائل، م ۱۹۱)

آیت الله العظمی
خامنه‌ای
آفتاب، زمین و ساختمان را پاك می کند، همچنین هر چیزی را که جزء ساختمان محسوب شود مانند در و پنجره و دیوار و ستون و امثال آن و نیز درخت و گیاه را. شرط پاك شدن اشیای نامبرده به وسیله آفتاب آن است که عین نجاست در آن

نباشد، و تر باشد، و آفتاب به آن بتابد و به وسیله‌ی
آفتاب خشك شود.

(استفتا، ۲۷ و ۲۸)

۲۳

فتاوی

راهنمای فتاوا

۱۸. پاك كنده دهم، غایب شدن مسلمان است
که موجب طهارت خود انسان و لباس و فرش و
ظرف و هر چیز دیگری است که در اختیار او می باشد
که با آن ها معامله پاك بودن می شود مگر علم به
بقای نجاست داشته باشیم و بعید نیست که هیچ
شرط دیگری معتبر نباشد بنابراین حکم به طهارت
جاری است چه آن فرد آگاه به نجاست بوده یا
نبوده، اعتقاد به نجاست آن شیء نجس داشته یا
نداشته باشد، لایبالی در دین باشد یا نباشد. لکن
در هر صورت احتیاط پسندیده است.

(تحریر الوسيله، ج ۱، فصل فی المپهّرات، ص ۱۱۹، عاشرها)

هرگاه یقین داشته که بدن یا لباس یا
یکی از چیزهای شخص مسلمانی نجس است
و آن مسلمان را مدتی نبیند و سپس ببیند که او
با آن چیزی که نجس بوده است رفتار چیز پاك را
می کند، آن چیز محکوم به پاکی است مشروط به
این که صاحب آن چیز از نجاست قبلی و از احکام
طهارت و نجاست باخبر باشد.

(استفتا، ۳۲)

آیت الله العظمی
خامنه‌ای



۱۹. مخرج بول با غیر آب پاك نمی شود، و مردها اگر بعد از برطرف شدن بول يك مرتبه بشویند کافی است، ولی زن ها و همچنین کسانی که بولشان از غیر مجرای طبیعی می آید، احتیاط واجب آن است که دو مرتبه بشویند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵، فصل فی الاستنجاء، م ۱ و توضیح المسائل،

م ۶۶)

برای طهارت مخرج بول با آب قلیل دو بار شستن بنا بر احتیاط لازم است.

آیت الله العظمی
خامنه‌ای

(اجوبة الاستفتائات، س ۹۰)

۲۰. هرگاه با سنگ و کلوخ و مانند این ها غائط را از مخرج برطرف کنند، اگرچه پاك شدنش محل تأمل است ولی نماز خواندن مانعی ندارد و چنانچه چیزی هم به آن برسد نجس نمی شود، و ذره های کوچک و لزوجت محل، اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۶۵ و ۶۸)

مخرج مدفوع را به دو گونه می شود تطهیر کرد: ... دوّم آن که با سه قطعه سنگ یا پارچه پاك و امثال آن، نجاست را پاك نماید و اگر با سه قطعه، نجاست زائل نشد با قطعات دیگری آن را کاملاً پاك کنند.

آیت الله العظمی
خامنه‌ای

(اجوبة الاستفتائات، س ۹۹)



وضو

۲۱. [در وضو] بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشت‌ها تا برآمدگی روی پا مسح کند و احتیاط مستحب است تا مفصل ساق را مسح کند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الوضوء، ص ۲۰، م ۱۵ و توضیح المسائل،

م ۲۵۲)

باید مسح پا را تا مفصل ساق بکشند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۶ و ۱۱۱)

۲۲. باید صورت را بنا بر احتیاط واجب از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است و دست‌ها را باید از مرفق به طرف سرانگشتان بشوید.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الوضوء، ص ۱۷، م ۲ و توضیح المسائل،

م ۲۴۳)

صورت و دست‌ها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

(استفتا، ۴۶)

۲۳. در وضو، شستن صورت و دست‌ها، مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می‌باشد، و اگر با يك مِثَّتْ آب تمام عضو

شسته شود و به قصد وضو بریزد يك مرتبه حساب می شود چه قصد بکند يك مرتبه را یا قصد نکند.

(توضیح المسائل، م ۲۴۸)

شستن صورت و دست ها در وضو بار اول واجب و بار دوم جایز و بیش از آن غیر مشروع است. تعیین کننده بار اول یا دوم یا بیشتر، قصد وضو گیرنده است، یعنی می تواند به قصد بار اول شستن، چند مرتبه آب به روی صورت بریزد.

(استفتا، ۴۷ و اجوبة الاستفتائات، س ۱۰۲)

۲۴. بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح کند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الوضوء، ص ۱۹، م ۱۴ و توضیح المسائل،

م ۲۴۹)

مسح سر و پاها، باید با رطوبتی که از آب وضو در دست ها مانده، کشیده شود، و احتیاط آن است که مسح سر با دست راست کشیده شود، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

(استفتا، ۴۸)

۲۵. اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمی تواند دست را با آب خارج، تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فی واجبات الوضوء، ص ۲۰، م ۱۷)

آیت‌الله العظمیٰ خامنه‌ای اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب تَر کند، بلکه باید دست را با رطوبتی که در ریش یا ابرو هست مرطوب کند و مسح کند.

(استفتا، ۵۲)

۲۶. اگر زخم یا دُمَل یا شکستگی در صورت و دست‌ها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد اگر اطراف آن را بشوید کافی است ولی چنانچه کشیدن دست تَر بر آن ضرر ندارد بهتر آن است که دست تَر بر آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تَر را روی پارچه هم بکشد و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی‌شود آب کشید باید اطراف زخم را به‌طوری که در وضو گفته شد از بالا به پایین بشوید و بنا بر احتیاط مستحب پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تَر روی آن بکشد و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست شستن اطراف زخم کافی است و در هر صورت تیمّم لازم نیست.

(توضیح المسائل، م ۳۲۵)

آیت‌الله العظمیٰ خامنه‌ای اگر در اعضای وضو زخم یا شکستگی باشد و روی آن باز باشد و آب برای آن مضر نباشد، باید آن را بشوید و اگر شستن برای آن مضر است باید اطراف آن را بشوید و احتیاط آن است که اگر کشیدن دست تَر بر آن ضرر ندارد، دست تَر روی آن بکشد.

(استفتا، ۷۹)



۲۷. اگر زخم یا دُمَل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاهاست و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و بنا بر احتیاط مستحب تیمّم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید به جای وضو تیمّم کند و بهتر است يك وضوی بدون مسح هم بگیرد.

(توضیح المسائل، م ۳۲۶)

اگر محل مسح زخم است و نمی تواند روی آن دست تر بکشد باید به جای وضو تیمّم کند ولی در صورتی که می تواند پارچه ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط آن است که علاوه بر تیمّم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

(اجوبة الاستفتائات، س ۱۳۶)

۲۸. به کار بردن ظرف طلا و نقره در خوردن و آشامیدن و دیگر موارد از قبیل وضو گرفتن، غسل نمودن و غیر این ها حرام است. ولی نگهداشتن و استعمال آن ها در زینت اطاق حرام نمی باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱ القول فی الاوانی، ص ۱۲۰، م ۲، و توضیح المسائل،

م ۲۲۶)

خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا یا نقره ساخته شده، حرام است لیکن نگهداشتن آن یا استفاده های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن - حرام نیست.

(استفتا، ۴۰)



غُسل

۲۹. هرگاه به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای نماز غسل کند، اگرچه بعد از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته غسل او صحیح است.

(توضیح المسائل، م ۳۸۷)

کسی که در تنگی وقت نماز، غسل می کند اگر غسل را به این نیت بکند که از جنابت خارج شود. نه به نیت خصوص این نماز. نماز او صحیح است اگرچه پس از غسل بفهمد که وقت برای نماز نداشته است.

(استفتا، ۹۹)

۳۰. از جمله کارهایی که بر جنب حرام است، خواندن سوره‌هایی از قرآن است که سجده واجب دارد، یعنی سوره ۳۲ (الم تنزیل)، سوره ۴۱ (حم سجده)، سوره ۵۳ (والنجم) و سوره ۹۶ (اقرء)؛ و اگر يك حرف از این چهار سوره را هم بخواند حرام است، حتی گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» به قصد خواندن یکی از این چهار سوره، حرام است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الجنب، ص ۳۴، الخامس و

توضیح المسائل، م ۳۵۵)



آیت‌الله العظمیٰ خامنه‌ای از جمله کارهایی که بر جنب حرام است، خواندن خصوص آیات سجده این سوره‌ها است، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد. یعنی آیه ۱۵ از سوره ۳۲، آیه ۳۷ از سوره ۴۱، آیه ۶۲ از سوره ۵۳ و آیه ۱۹ از سوره ۹۶.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۱۹۹)

۳۱. اگر از بدن زنده قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آن که قسمت جدا شده را غسل دهند، انسان آن را مَسّ نماید، باید غسل مَسّ میت کند. ولی اگر قسمتی که جدا شده استخوان نداشته باشد برای مَسّ آن غسل واجب نیست، و از بدن مرده‌ای که غسلش نداده‌اند اگر چیزی جدا شود که در حال اتصال، مَسّ آن موجب غسل می‌شد، بعد از انفصال نیز، مَسّ آن موجب غسل است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غسل مس المیت، ص ۵۷، م ۴ و توضیح

المسائل، م ۵۲۸)

آیت‌الله العظمیٰ خامنه‌ای دست زدن به عضوی که از بدن مرده جدا شده - پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن - در حکم دست زدن به بدن مرده است؛ ولی دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است، غسل ندارد.

(استفتا، ۱۰۳)

۳۲. زن های سیّده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند و زن هایی که سیّده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند.

(توضیح المسائل، م ۴۳۵)

آیت الله العظمی خاмене‌ای
تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان می توانند در این مسأله به مجتهد جامع الشرایط دیگر مراجعه نمایند.

(اجوبة الاستفتائات، س ۲۱۶)



تیمم

۳۳. در تیمم چهار چیز واجب است: اول: نیت. دوم: زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است. سوم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید، تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دست ها روی ابروها هم کشیده شود. چهارم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ. تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی کیفیت التیمم، ص ۹۷، م ۱ و توضیح

المسائل، م ۷۰۰ و ۷۰۱)



آیت الله العظمی
خامنه‌ای

تیمم بدین ترتیب است: نیت می‌کند و سپس کف هر دو دست را بر چیزی که تیمم به آن درست است می‌زند و آنگاه کف هر دو دست را به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی می‌کشد و بالاخره کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست و کف دست راست را بر تمام پشت دست چپ می‌کشد. و احتیاط واجب آن است که پس از این، بار دیگر دست‌های خود را بر زمین بزند و کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ بکشد، این ترتیب در تیمم بدل از وضو و غسل یکسان است.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۲۰۹)

۳۴. اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند این‌هاست تیمم نماید و اگر غبار در لای لباس و فرش باشد تیمم به آن صحیح نیست مگر آن‌که اول دست بزند تا روی آن غبار آلود شود بعد تیمم کند و چنانچه گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کند، و اگر گل هم پیدا نشود، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند و بنا بر احتیاط بعداً قضای آن را به جا آورد.

(توضیح المسائل، م ۶۸۶)

آیت الله العظمی
خامنه‌ای

اگر چیزهایی که گفته شد پیدا نشود باید به گرد و غباری که بر روی فرش و لباس و امثال آن نشسته است تیمم کند و اگر آن نیز پیدا نشود ولی

گل تَر در دسترس باشد باید به آن تیمم کند و در صورتی که به هیچ يك از این ها [چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است] دسترسی نباشد ـ مانند کسی که در هواپیما و امثال آن است ـ بنا بر احتیاط باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

(استفتا، ۱۳۳)

۳۳

فتاوی

راهنمای فتاوا

۳۵. تیمم بر سنگ گچ و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگ ها صحیح است ولی تیمم بر جواهر، مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می باشد و احتیاط واجب آن است که با بودن خاك یا چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است، به گچ و آهك پخته هم تیمم نکند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فیما یتیمم به، ص ۹۵، م ۱ و توضیح

المسائل، م ۶۸۵)

تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود مانند سنگ گچ و سنگ آهك، صحیح است؛ و بعید نیست تیمم بر گچ و آهك پخته و آجر و امثال آن ها هم صحیح باشد. [یعنی می شود بر این ها تیمم کرد].

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۱۰)

سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک اشکال ندارد، اگرچه احوط ترك تیمم بر سیمان و موزائیک است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۸۹)

۳۶. در تیمّم باید پیشانی و کف دست‌ها و پشت دست‌ها پاک باشد و اگر کف دست نجس است و نتواند آن را آب بکشد، باید با همان کف دست نجس تیمّم کند.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فیما يعتبر فی التیمم، ص ۹۸، م ۱ و توضیح المسائل، م ۷۲۴)

احتیاط آن است که در صورت امکان، پیشانی و پشت دست‌ها پاک باشد و اگر نتواند محل تیمّم را تطهیر کند، بدون آن تیمّم کند، هرچند بعید نیست که طهارت در هر صورت شرط نباشد.
 (اجوبة الاستفتاءات، س ۲۱۱)

۳۷. اگر بدل از غسل تیمّم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد، و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمّم نماید.

(تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی احکام التیمّم، ص ۱۰۱، م ۵ و توضیح المسائل، م ۷۲۴)

کسی که تیمّم بدل از غسل کرد اگر حدث اصغر از او سرزند؛ مثلاً بول کند، برای نمازهای بعد در صورتی که هنوز نمی‌تواند غسل کند، بنا بر احتیاط واجب باید بار دیگر تیمّم بدل از غسل کند و وضو هم بگیرد.

(استفتا، ۱۴۷)

۳۸. اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمّم هم ممکن نباشد نماز ساقط است، ولی احتیاط مستحب آن است که نماز را در وقت بدون طهارت بخواند و بنا بر احتیاط واجب قضای آن را نیز به جا آورد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فیما یتیمّم به، ص ۹۷، م ۷)

اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمّم هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط باید نماز را در وقت، بدون وضو و تیمّم بخواند و سپس با وضو یا تیمّم قضا کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۲۱۲)

۳۹. اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر، تیمّم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمّم او باطل است. و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

(توضیح المسائل، م ۶۷۲)

اگر کسی به تصور این که آب برای او ضرر دارد، تیمّم کند و پیش از آن که با این تیمّم نماز بخواند بفهمد که ضرر ندارد، تیمّم او باطل است و اگر بعد از آن که با این تیمّم نماز خواند فهمید که آب ضرر نداشته است بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را به جا آورد.

(استفتا، ۱۲۹)

احکام اموات

۴۰. مسلمانی را که محتضر است؛ یعنی در حال جان دادن می باشد - مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک - باید به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی احکام الاموات، ص ۵۸، م ۲ و توضیح المسائل، م ۵۳۳)

شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقها این عمل را برخورد محتضر در صورتی که قادر باشد - و بر دیگران واجب دانسته اند و احتیاط در انجام آن ترك نشود.

(اجوبة الاستفتائات، س ۲۵۳)

۴۱. غسل و کفن و نماز و دفن مسلمانان دوازده امامی بر هر مکلفی واجب است و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده اند و بنا بر احتیاط واجب حکم مسلمانی هم که دوازده امامی نیست همین طور است.

(توضیح المسائل، م ۵۴۲)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان، بر هر
مکلفی واجب است، و هنگامی که بعضی آن
را انجام دادند از دیگران ساقط می‌شود و اگر
هیچ کس به این وظیفه عمل نکند همه معصیت
کرده‌اند.

(استفتا، ۱۰۶)

۴۲. کسی که میّت را غسل می‌دهد، باید مسلمان
دوازده امامی و عاقل باشد و مسائل غسل را هم
بداند و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد.

(توضیح المسائل، م ۵۵۵)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
کسی که میّت را غسل می‌دهد، باید
مسلمان دوازده امامی و بالغ و عاقل باشد و مسائل
غسل را بداند.

(استفتا، ۱۱۰)

۴۳. میّت مسلمان را باید با سه پارچه که آن‌ها را
لنگ و پیراهن و سرتاسری می‌گویند کفن نمایند.
لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند و بهتر
آن است که از سینه تا روی پا برسد و بنا بر احتیاط
واجب پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام
بدن را بپوشاند، و درازای سرتاسری باید به قدری
باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد، و پهنای
آن باید به اندازه‌ای باشد که يك طرف آن روی طرف
دیگر بیاید.

(توضیح المسائل، م ۵۷۰ و ۵۷۱)

میت مسلمان را باید با سه قطعه پارچه کفن کنند، اول لنگ که به کمر و پای او پیچیده می‌شود، دوم پیراهن که از سر شانه تا ساق پا را از جلو و پشت می‌پوشاند و سوم پوشش سرتاسری که باید از بالای سر تا پایین پا را بپوشاند به طوری که بستن دو سر آن میسر باشد و پهنای آن به قدری باشد که دو طرف آن روی هم گذاشته شود.

(استفتا، ۱۱۷)



نماز (قبله)

۴۴. اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای ندارد یا با این که کوشش کرده، گمانش به طرفی نمی‌رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید چهار نماز به چهار طرف بخواند و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه‌ای که وقت دارد، نماز بخواند. مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد باید یک نماز به هر طرفی که می‌خواهد بخواند. و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آن‌ها رو به قبله بوده یا اگر از قبله کج بوده، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است.

(توضیح المسائل، م ۷۸۴)

کسی که هیچ راهی برای یافتن جهت قبله ندارد و گمانش هم به هیچ طرف نمی‌رود، بنا بر



احتیاط باید به چهار طرف نماز بخواند و اگر برای چهار نماز وقت ندارد، به هر اندازه که وقت دارد نماز بخواند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۶۸)

وقت نماز

۴۵. س: رأی مبارك که درباره موضوع فجر صادق در شبهای مهتابی بر این است که قدری تأمل شود تا سپیده فجر بر مهتاب غلبه نماید، آیا باز فتوای شریفه بر این منوال است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چند دقیقه قابل تأمل است و شبهای مهتابی چند شب در ماه می باشد؟

ج: میزان، شبهایی است که روشنایی ماه بر طلوع فجر غالب است و باید برای نماز صبر کند تا روشنایی طلوع فجر احراز شود.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۱۳۱، س ۱۹)

س: با توجه به این که امروزه با فراوانی ساعت، یقین به طلوع فجر ممکن است، آیا باید در شبهای مهتابی برای خواندن نماز صبح، به مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه صبر کرد؟

ج: فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر، وقت فریضه صبح و وجوب امساك برای روزه گرفتن نیست، هرچند احتیاط در این زمینه خوب است.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۵۴)

مقتضی است مؤمنین محترم
(ایدهم الله تعالی) جهت رعایت احتیاط در مورد
امساك روزه و وقت نماز صبح هم‌زمان با شروع اذان
صبح از رسانه‌ها برای روزه امساك نمایند و حدود
پنج الی شش دقیقه بعد از اذان شروع به ادای
فریضه صبح نمایند.

(اجوبة الاستفتائات، س ۳۶۲)



۴۶. نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و
مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اول
ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز
ظهر بگذرد، و وقت مخصوص نماز عصر موقعی
است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب
مانده باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فی اعداد الفرائض ومواقیت الیومیة ونوافلها،

ص ۱۲۴، م ۶ و توضیح المسائل، م ۷۳۱)

آخر وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است.

(استفتا، ۱۵۳ و اجوبة الاستفتائات، س ۳۴۶)

۴۷. وقتی انسان می‌تواند مشغول نماز شود، که
یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل
به داخل شدن وقت خبر دهند. ولی اذان مؤذن
هرچند عادل [از روی حسّ] و وقت شناس باشد، بنا
بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فی اعداد الفرائض ومواقیت الیومیة ونوافلها،

ص ۱۲۷، م ۱۶ و توضیح المسائل، م ۷۴۲)

برای ورود در نماز باید انسان یقین و یا اطمینان کند که وقت داخل شده است و یا دو مرد عادل خبر دهند که وقت داخل شده است و یا مؤذن مورد وثوق و وقت شناس، اذان بگوید.

(استفتا، ۱۶۱، واجوبۃ الاستفتائات، س ۳۵۹)

۴۸. اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترك باشد باید نیت را به نماز ظهر برگرداند؛ یعنی نیت کند که آنچه تا حال خوانده‌ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می‌خوانم همه نماز ظهر باشد و بعد از آن که نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عصر را بخواند و احتیاط آن است که دوباره نماز [ظهر و] عصر را هم بعد از آن بخواند و این احتیاط خیلی خوب است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فی اعداد الفرائض و مواقیط الیومیة و نوافلها،

ص ۱۲۵، م ۸ و توضیح المسائل، م ۷۳۲)

اگر به خیال این که نماز ظهر را خوانده است به نیت نماز عصر مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که قبلاً نماز ظهر را نخوانده است، در صورتی که در وقت مشترك نماز ظهر و عصر است، باید بلافاصله نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن، نماز عصر را به جا آورد. و اگر این اتفاق در وقت مخصوص به نماز ظهر افتاده باشد، احتیاط واجب آن است که نیت را به نماز ظهر



برگرداند و نماز را تمام کند ولی بعداً هر دو نماز (ظهر و عصر) را به ترتیب به جای آورد. و همین تکلیف در مورد نماز مغرب و عشا نیز هست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۳۶۴)

لباس نمازگزار

۴۹. اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است. ولی اگر خودش آن لباس را غصب کرده باشد و بعداً فراموش کرده و با آن نماز خوانده، به احتیاط واجب باید آن نماز را اعاده کند.

(توضیح المسائل، م ۸۱۷)

اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

(استفتا، ۱۸۱)

۵۰. اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

(توضیح المسائل، م ۸۲۰)

اگر با عین مالی که خمس یا زکات آن را نداده است، لباس بخرد نماز خواندن در آن لباس باطل است.

(استفتا، ۱۸۲)

آیت الله العظمی
خامنه‌ای

۵۱. کسی که نمی‌داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است و مقصر در ندانستن حکم مسأله باشد اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می‌باشد.

(توضیح المسائل، م ۸۰۰)

کسی که نمی‌داند نماز با بدن و لباس نجس، باطل است اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نماز باطل می‌باشد.

(استفتا، ۱۷۷)

۵۲. زینت کردن به طلا، مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مرد حرام و نماز خواندن با آن‌ها باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة الثالثة فی الستر والساتر، ص ۱۳۱، الرابع و

توضیح المسائل، م ۸۳۲)

آویختن زنجیر طلا و دست کردن انگشتر طلا و بستن ساعت مچی طلا برای مردان حرام است و بنا بر احتیاط واجب نماز با آن باطل است.

(استفتا، ۱۹۰)

۵۳. س: در توضیح المسائل از مسأله ۸۳۱ تا ۸۸۳ در مورد لباس نمازگزار مرد، توضیح داده شده که از طلا نباشد؛ آیا منظور طلای زرد است یا طلای سرخ و سفید هم شاملش می‌شود، (چون حضرت تعالی



زینت کردن به پلاتین را اجازه داده‌اید). لذا بفرمایید
 که: آیا رنگ طلا شرط است یا ذات طلا؟
 ج: طلای سفید (پلاتین) اشکال ندارد ولی اگر همان
 طلای متعارف باشد، جایز نیست، هرچند رنگ آن
 تغییر کرده باشد.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۱۴۱، س ۵۰)

س: استفاده مردان از انگشتری که از جنس
 طلای سفید است، چه حکمی دارد؟
 ج: اگر همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط
 کردن ماده‌ای رنگ آن سفید شده، حرام است ولی
 اگر عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به
 آن طلا نمی‌گویند مانع ندارد و پلاتین نیز اشکال
 ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۴۴۳)

۵۴. لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد
 و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است و
 چیزی که نماز در آن تمام نمی‌شود، مانند بند شلوار
 و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص
 باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة الثالثة فی الستر والساتر، ص ۱۳۱،

الخامس وتوضیح المسائل، م ۸۳۴)

س: لباس مرد نمازگزار حتی چیزهایی مانند
 عرقچین و جوراب و آستر لباس و امثال آن باید از
 ابریشم خالص نباشد. در غیر نماز هم پوشیدن آن

آیت‌الله العظمی
 خامنه‌ای

برای مرد حرام است، ولی دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی‌کند.

(استفتا، ۱۹۱)

۴۵

فتاوی

راهنمای فتاوا

۵۵. اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است. بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال دارد ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود و از بین برود نماز صحیح است.

(توضیح المسائل، م ۸۵۸)

خونی که کمتر از بند انگشت سبّابه است اگر رطوبتی به آن برسد در صورتی که رطوبت با خون مخلوط و در آن مستهلك شود و مجموع آن‌ها هم بیش از اندازه‌ی مجاز (بند انگشت) نشود، نماز با آن صحیح است، و در غیر این صورت نماز با آن بنا بر احتیاط واجب اشکال دارد.

(استفتا، ۱۹۵)

۵۶. اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است و بنا بر احتیاط واجب باید خون استحاضه، در بدن یا لباس نمازگزار نباشد، ولی خون‌های دیگر مثل خون بدن



انسان یا خون حیوان حلال گوشت و خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت اگرچه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد، (که تقریباً به اندازه يك اشرفی می‌شود) نماز خواندن با آن اشکال ندارد. ولی احتیاط آن است که از خون سگ [و خوک] و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت اجتناب کند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فیما یغنی عنه فی الصلاة، ص ۱۱۲، م ۱، الثانی و توضیح المسائل، م ۸۵۵)

اگر اندکی از خون حیض هم بر بدن یا لباس نمازگزار باشد نمازش باطل است؛ و بنا بر احتیاط واجب، خون نفاس و استحاضه و نیز خون حیوان‌های نجس‌العین و حرام گوشت و مردار نیز همین حکم را دارد، بلکه حکم در غیر از نفاس و استحاضه، خالی از قوّت نیست.

(استفتا، ۱۹۴)

مکان نمازگزار

۵۷. اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است و همچنین اگر در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است مگر آن که خودش غصب کرده باشد که در این صورت به احتیاط واجب نمازش باطل است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة الرابعة فی المكان، ص ۱۳۳، م ۱)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
اگر در جایی که نمی‌داند یا فراموش کرده
که غصبی است، نماز بخواند، نماز او صحیح است.

(استفتا، ۲۰۱)

۵۸. اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده
ملکی بخرد، تصرف او در آن ملك حرام و نمازش هم
در آن باطل است، و همچنین است اگر به ذمه بخرد
و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که
خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

(توضیح المسائل، م ۸۷۳)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را
نداده است، ملکی بخرد، نماز در آن باطل است.

(استفتا، ۲۰۳)

۵۹. شرط پنجم [از شرایط مکان نمازگزار] آن که
جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای او، بیش
از چهار انگشت بسته، پست‌تر یا بلندتر نباشد و
احتیاط واجب آن است که از سر انگشتان پا هم
بیشتر از این پست‌تر و بلندتر نباشد.

(توضیح المسائل، شرط پنجم از شرایط مکان نمازگزار)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
لازم است که جای پیشانی نمازگزار از جای
زانوها و سر انگشتان پای او بیش از چهار انگشت
بسته، بلندتر یا پست‌تر نباشد.

(استفتا، ۲۰۹)

۶۰. بنا بر احتیاط مستحب باید زن عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد، کمی عقب‌تر باشد.

(تحریر الوسیله ج ۱، المقدمة الرابعة فی المكان، ص ۱۳۵، م ۸ و توضیح

المسائل، م ۸۸۶)

لازم است میان زن و مرد در حال نماز حداقل یک وجب فاصله باشد و در این صورت اگر زن و مرد مُحاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستند، نماز هر دو صحیح است. این حکم بنا بر احتیاط واجب است.

(استفتا، ۲۰۸)

۶۱. در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب خواندن مکروه است ولی در حال ناچاری مانع ندارد.

(توضیح المسائل، م ۸۹۱)

به جا آوردن نماز واجب در داخل خانه کعبه مکروه است ولی احتیاط واجب آن است که بر بام کعبه نماز نخواند.

(استفتا، ۲۱۰)

۶۲. انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و امام (علیه السلام) نماز نخواند. چنانچه نماز خواندن بی احترامی باشد، حرام است ولی نماز باطل نیست.

(توضیح المسائل، م ۸۸۴)

نماز گزار باید در هنگام نماز جلوتر از قبر پیغمبر و امام علیهما السلام نایستد، ولی مساوی قبر اشکال ندارد.

(استفتا، ۲۰۶)



(احکام مسجد)

۶۳. اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن خانه و مانند آن بسازند، که دیگر به آن مسجد نگویند باز هم [بنا بر احتیاط واجب] نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.

(توضیح المسائل، م ۹۰۳ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۰۸، م ۳)

مسجدی که غصب و خراب و متروک شده و به جای آن بنای دیگری ساخته شده یا به خاطر متروک ماندن، آثار مسجدی از آن محو شده و امیدی هم به دوباره سازی آن نیست، مثل این که آن آبادی تغییر جا یافته باشد، معلوم نیست نجس کردن آن حرام باشد. اگرچه احتیاط آن است که نجس نکنند.

(استفتا، ۲۱۲)

۶۴. نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است باید فوراً نجاست آن را برطرف کند. و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند، و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند، مگر آن که واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.

(توضیح المسائل، م ۹۰۰)



نجس کردن زمین و سقف و دیوار و بام مسجد حرام است، و اگر نجس شد واجب است فوراً آن را تطهیر کنند.

(استفتا، ۲۱۱)

۶۵. بنا بر احتیاط واجب مسجد را به طلا نباید زینت نمایند و همچنین نباید صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد در مسجد نقش کنند. و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است.

(توضیح المسائل، م ۹۰۸)

زینت کردن مسجد به طلا اگر اسراف محسوب شود حرام است، و در غیر آن صورت هم مکروه است.

(استفتا، ۲۱۳)



واجبات نماز (قیام)

۶۶. اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند می تواند اول وقت نماز بخواند اگرچه احتیاط آن است که نماز را تأخیر بیندازد.

(توضیح المسائل، م ۹۷۶)

کسی که احتمال می دهد در آخر وقت بتواند نماز خود را ایستاده بخواند بنا بر احتیاط باید تا آن

آیت الله العظمی
خامنه‌ای

هنگام صبر کند، ولی اگر در اول وقت به خاطر عذری نماز خود را نشسته خواند و سپس تا آخر وقت عذر او بر طرف نشد، نمازی که خوانده صحیح است و اعاده لازم نیست. و اگر در اول وقت قادر بر نماز ایستاده نبود و یقین داشت که ناتوانی او از نماز ایستاده، تا آخر وقت ادامه خواهد یافت، ولی قبل از آخر وقت توانست ایستاده نماز بخواند، باید نماز را به طور ایستاده اعاده کند

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۴۵۷)

۶۷. کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند باید در حال نماز به پهلوی راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد، و اگر ممکن نیست باید به پهلوی چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر این را هم نتواند باید به پشت بخوابد به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القیام، ص ۱۴۸، م ۵ و توضیح المسائل،

م ۷۷۹)

کسی که قادر بر نماز نشسته نیز نیست، باید خوابیده نماز بخواند. و بنا بر احتیاط واجب باید اگر می تواند به پهلوی راست بخوابد و صورت و بدن او رو به قبله باشد، و گرنه به پهلوی چپ بخوابد، و اگر این گونه هم نمی تواند، به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

(استفتا، ۲۳۵)



(قرائت)

۶۸. در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول حمد و بعد از آن يك سوره تمام بخواند.

(توضیح المسائل، م ۹۷۸)

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید سوره حمد را بخواند و پس از آن بنا بر احتیاط واجب، يك سوره کامل قرائت کند.

(استفتا، ۲۴۲)

۶۹. اگر وقت نماز تنگ باشد، یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند، دزد یا درنده، یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند و اگر در کاری عجله داشته باشد می تواند سوره را نخواند.

(توضیح المسائل، م ۹۷۹)

اگر وقت نماز تنگ باشد یا انسان بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده یا چیز دیگر به او صدمه میزند، نباید سوره را بخواند.

(استفتا، ۲۴۳)

۷۰. اگر اشتباهاً مشغول خواندن سوره‌ای شود که سجده واجب دارد، چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، باید آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند و اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد

باید در بین نماز با اشاره، سجده آن را به جا آورد و به همان سوره که خوانده اکتفا نماید.

(توضیح المسائل، م ۹۸۴)

در نماز واجب خواندن سوره‌های سجده جایز نیست و اگر عمداً یا سهواً یکی از آن سوره‌ها را بخواند تا به آیه سجده برسد باید بنا بر احتیاط واجب سجده تلاوت را به جا آورد و برخیزد و اگر سوره تمام نشده آن را تمام کند و نماز را به آخر برساند و سپس نماز را اعاده کند. و اگر قبل از رسیدن به آیه سجده ملتفت شد احتیاط واجب آن است که سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند و نماز را تمام کند و سپس نماز را اعاده نماید.

(استفتا، ۲۴۷)

۷۱. اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره «قل هو الله احد» یا سوره «قل یا ایها الکافرون» شود، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره جمعه و منافقین، یکی از این دو سوره را بخواند، تا به نصف نرسیده، می‌تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند.

(توضیح المسائل، م ۹۸۸)

اگر بعد از حمد شروع کند به خواندن سوره‌ی «قل هو الله احد» یا سوره‌ی «قل یا ایها الکافرون»، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره‌ی دیگری را بخواند. ولی در نماز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره‌ی جمعه و منافقین، یکی از آن دو سوره را

بخواند، می‌تواند آن را رها کند و سوره‌ی جمعه و منافقین را بخواند.

(استفتا، ۲۵۰)

۷۲. وقتی می‌خواهد برای خواندن سوره، «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» بگوید، باید سوره را معین کند و بسم‌الله را به قصد آن سوره بگوید و اگر سوره‌ای را تعیین کرد، سپس آن سوره را رها کرد، باید برای سوره دیگری که می‌خواهد بخواند، به قصد همان سوره مجدداً «بسم‌الله...» را بگوید.

(تحریرالوسیله ج ۱، القول فی القراءة والذکر، ص ۱۵۰، م ۷)

س: کسی که از ابتدا یا بر حسب عادت قصد خواندن سوره فاتحه و اخلاص را داشت و «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» را گفت ولی سهواً سوره را تعیین نکرد، آیا باید از اول، سوره معینی را قصد نماید و بعد «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» را قرائت کند؟ ج: اعاده «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» واجب نیست، بلکه می‌تواند برای خواندن هر سوره‌ای به آن اکتفا کند.

(اجوبة الاستفتائات، س ۴۶۶)

۷۳. زن می‌تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

(توضیح المسائل، م ۹۹۴)

آیت‌الله العظمی
 خامنه‌ای
 زن می‌تواند حمد و سوره نمازهای صبح و
 مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم
 صدای او را می‌شنود بهتر است آهسته بخواند.
 (اجوبة الاستفتاءات، س ۴۷۱)

۷۴. اگر در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند، بنا
 بر احتیاط واجب باید «بسم الله» آن را هم آهسته
 بگوید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۰۸)

آیت‌الله العظمی
 خامنه‌ای
 بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و
 چهارم نمازها، تسبیحات یا حمد را آهسته بخوانند،
 ولی در صورتی که حمد بخواند می‌تواند در نماز
 فردای «بسم الله الرحمن الرحيم» را در آن بلند
 بگوید. اگرچه احتیاط در آن است که «بسم الله»
 را هم آهسته بگوید، و در نماز جماعت این احتیاط،
 واجب است.

(استفتا، ۲۶۳)

۷۵. احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به
 حرکت و وصل به سکون ننماید و معنی وقف به
 حرکت آن است که زیر یا زبر یا پیش آخر کلمه‌ای
 را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد.
 مثلاً بگوید «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرَّحِيمِ» را زیر
 بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید «مَالِكِ يَوْمِ
 الدِّينِ». و معنی وصل به سکون آن است که زیر یا
 زبر یا پیش کلمه‌ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه

بعد بچسباند مثل آن که بگوید «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرَّحِيمِ» را زیر نهد و فوراً «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را بگوید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۰۴)

در قرائت نماز لازم نیست که اگر آیه‌ای را به آیه‌ی بعدی وصل کرد، حرکت آخر آیه را ظاهر کند، مثلاً اگر بگوید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، و نون آخر آیه را ساکن کند و بلافاصله بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اشکال ندارد. این کار را «وصل به سکون» می‌نامند. و همین‌طور است در مورد کلماتی که آیه از آن‌ها تشکیل شده است. اگرچه در مورد اخیر احتیاط آن است که وصل به سکون نکند.

(استفتا، ۲۶۱)

۷۶. اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم یا در حال رفتن به رکوع شك کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۱۵)

اگر در رکوع رکعت سوم و چهارم شك کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند. ولی اگر در هنگام رفتن به رکوع در حالی که هنوز به حد رکوع نرسیده است شك کند، بنا بر احتیاط واجب باید برگردد و حمد یا تسبیحات را بخواند.

(استفتا، ۲۶۷)

۷۷. هرگاه شك کند که آیه یا کلمه‌ای را درست گفته یا نه، اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده، باید آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید و اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول شده، چنانچه آن چیز رکن باشد مثل آن که در رکوع شك کند که فلان کلمه از سوره را درست گفته یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند، و اگر رکن نباشد، مثلاً موقع گفتن «اللَّهُ الصَّمَد» شك کند که «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را درست گفته یا نه، باز هم می‌تواند به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید اشکال ندارد، و اگر چند مرتبه هم شك کند، می‌تواند چند بار بگوید اما اگر به وسواس برسد و باز هم بگوید، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۱۶)

اگر پس از آن که آیه‌ای را تمام کرد شك کند که آن را درست خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند. و همین طور است اگر جمله‌ای از آیه را تمام کرد و پس از آن شك در درست خواندن آن کرد، مثل این که پس از «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» شك کرد که آیا آن را درست ادا کرده است یا نه. البته در همه این صورت‌ها اگر آن چه را که در صحیح ادا کردن آن شك دارد، احتیاطاً دوباره بخواند اشکال ندارد.

(استفتا، ۲۶۸)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای

رکوع

۷۸. اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دست‌ها را به زانو نگذارد اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۲۳)

احتیاط آن است که در حال رکوع دست‌ها را بر زانو بگذارد.

(استفتا، ۲۷۲)

۷۹. انسان هر ذکری در رکوع بگوید کافی است، ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا يَك مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۲۸)

ذکر واجب در رکوع عبارت است از يَك بار گفتن: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن: «سُبْحَانَ اللَّهِ». و اگر به جای آن ذکر دیگری از قبیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگوید نیز کافی است.

(استفتا، ۲۷۵)

۸۰. اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگوید یا اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

(توضیح المسائل، م ۱۰۳۲ و م ۱۰۳۳)

کسی که می‌داند طمأنینه در حال ذکر رکوع واجب است، اگر پیش از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، عمداً ذکر رکوع را شروع کند یا اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

(استفتا، ۲۷۸ و ۲۷۹)

۵۹

فتاوی

راهنمای فتاوا

۸۱. اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می‌گویید، بی‌اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود باید بعد از آرام گرفتن بدن، بنا بر احتیاط واجب دوباره ذکر را بگوید، ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود یا انگشتان را حرکت دهد اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۳۱)

اگر در حالی که ذکر واجب رکوع را می‌گویید، بدن او بی‌اختیار حرکت کند و حال طمأنینه واجب را برهم بزند، باید پس از آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید. حرکت اندک بدن یا حرکت انگشتان و امثال آن اشکال ندارد.

(استفتا، ۲۷۷)

۸۲. اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند، در صورتی که بتواند پیش از آن که از حد رکوع بیرون رود ذکر را بگوید، باید در آن حال تمام کند و اگر نتواند در حال برخاستن ذکر را به قصد رجا بگوید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۳۴)

اگر به واسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد نماز صحیح است ولی باید پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب یعنی «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» یا سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» را بگوید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۳۵)

کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی تواند به اندازه گفتن سه «سُبْحَانَ اللَّهِ» در حال رکوع بماند، کافی است که يك مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، و اگر فقط يك لحظه می تواند در حال رکوع باشد، احتیاط واجب آن است که ذکر را در همان لحظه شروع کند و در حال سر برداشتن تمام نماید.

(استفتا، ۲۸۰)

۸۳. اگر بعد از آن که پیشانی به زمین برسد، یادش بیاید که رکوع نکرده، بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۴۲)

اگر در حال سجده اول یا بعد از آن و پیش از آن که وارد سجده دوم شود یادش بیاید که رکوع نکرده است، باید برخیزد و بایستد و رکوع کند و پس از آن دو سجده را به جا آورد و نماز را تمام کند و بعد از نماز احتیاطاً دو سجده سهو برای سجده زیادی بگذارد.

(استفتا، ۲۸۴)

سجده

۸۴. در سجده هر ذکرى بگوید کافى است ولى احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا يک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّىَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۴۹)

آیت الله العظمی
خامنه‌ای
ذکر واجب در سجده عبارت است از يک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّىَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» یا سه مرتبه گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جای آن ذکرهای دیگر مانند «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگوید کافى است.

(استفتا، ۲۹۳)

۸۵. اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد عمداً ذکر سجده را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.

(توضیح المسائل، ۱۰۵۱)

آیت الله العظمی
خامنه‌ای
کسى که مى داند آرام بودن بدن در حال ذکر سجود واجب است اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد، عمداً ذکر را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.

(استفتا، ۲۹۵)

۸۶. اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای



سجده برسد، و این يك سجده حساب می‌شود، چه ذكر سجده را گفته باشد یا نه، و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد، روی هم يك سجده حساب می‌شود و اگر ذكر گفته باشد باید بگوید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۷۱)

اگر در هنگام سجده، پیشانی به محل سجده بخورد و بی اختیار از زمین بلند شود، باید دوباره پیشانی را بر زمین بگذارد و ذكر سجده را بگوید، و يك سجده به حساب می‌آید.

(استفتا، ۳۰۱)

۸۷. اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخواند، باید در حالی که ایستاده است، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۶، م ۱۲)

هرگاه در زمین گل آلود نماز می‌خواند، اگر آلوده شدن بدن و لباس برای او موجب مشقت است، می‌تواند در حالی که ایستاده، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

(استفتا، ۳۰۹)

۸۸. ... سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه باطل است اما سجده کردن بر سنگ‌های معدنی مانند مرمر و سنگ‌های سیاه اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۷۶)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
سجده بر سنگ مرمر و دیگر سنگ‌هایی که
در ساخت یا زینت بنا به کار می‌رود صحیح است،
همچنین سجده بر عقیق و فیروزه و دُرّ و امثال آن؛
هرچند احتیاط آن است که بر این دسته آخری
سجده نکند.

(استفتا، ۳۱۲)

۶۳

فتاوی

راهنمای فتاوا

۸۹. سجده کردن بر برگ چای و نیز بر قهوه جایز نیست.

(العروة الوثقی، جلد ۱، فی مسجد الجبّه من مکان المصلی، م ۶)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
سجده کردن بر برگ چای بنا بر احتیاط
واجب صحیح نیست، ولی سجده بر برگ درخت
قهوه که خود برگ، استفاده خوراکی ندارد، صحیح
است.

(استفتا، ۳۱۴)

۹۰. سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند، صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید، مانند گل بنفشه و گل گاوزبان صحیح نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۰۷۹)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند و نیز
داروهای گیاهی که از زمین می‌روید و فقط برای
معالجه بیماری‌ها به کار می‌آید مانند گل ختمی و
گل بنفشه صحیح است، ولی بر گیاهانی که در
موارد غیر معالجه نیز برای خواص طبّی که در آن

است به مصرف خوراکی می‌رسد، مانند خاکشیر و امثال آن، سجده درست نیست.

(استفتا، ۳۱۵)

۹۱. اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از کاه ساخته باشند، می‌شود بر آن سجده کرد و سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۸۲)

سجده بر کاغذی که از چوب و گیاهان غیر از کتان و پنبه ساخته می‌شود درست است.

(استفتا، ۳۱۸)

۹۲. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا اگر دارد به واسطه سرما یا گرمای زیاد [یا تقیه] و مانند این‌ها نمی‌تواند بر آن سجده کند، باید به لباسش اگر از کتان یا پنبه است، سجده کند و اگر از چیز دیگر است بر همان لباس سجده کند و اگر آن هم نیست باید بر پشت دست و چنانچه آن هم ممکن نیست به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

(توضیح المسائل، م ۱۰۸۴ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۷، م ۱۳)

اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا به واسطه سرما یا گرما و مانند این‌ها نمی‌تواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از جنس پنبه یا کتان است یا چیزی از جنس پنبه

یا کتان دارد باید بر آن سجده کند و احتیاط آن است که تا سجده بر لباسی که از پنبه و کتان باشد ممکن است، بر غیر آن (یعنی غیر لباسی که از این جنس باشد) سجده نکند و اگر ندارد، بنا بر احتیاط واجب بر پشت دست خود سجده کند.

(استفتا، ۳۲۰)

۹۳. اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مهر را بردارد دوباره به سجده رود اشکال دارد، بلکه نماز باطل است و باید اعاده کند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۸۶)

اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد باید برای سجده دوم مهر را از پیشانی بردارد، و اگر مهر را از پیشانی جدا نکند و به همان حال به سجده دوم برود اشکال دارد.

(استفتا، ۳۲۱)

سجده واجب قرآن

۹۴. اگر از مثل گرامافون آیه سجده را بشنود لازم نیست سجده نماید. ولی اگر از آلتی که صدای خود انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند.

(توضیح المسائل، م ۱۰۹۶)

اگر به آیه سجده‌ای که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و امثال آن پخش می‌شود گوش دهد، سجده واجب است.

(استفتا، ۳۲۶ و اجوبة الاستفتائات، س ۵۰۰)



۹۵. در سجده واجب قرآن نمی‌شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد.

(توضیح المسائل، م ۱۰۹۷)

در سجده‌ی واجب قرآن باید بر چیزهایی سجده کند که در نماز می‌تواند بر آنها سجده کند.

(استفتا، ۳۲۷)

تشهد

۹۶. اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند، و بنا بر احتیاط واجب برای تشهد فراموش شده، دو سجده سهو به جا آورد.

(توضیح المسائل، م ۱۱۰۲)

اگر تشهد را فراموش کند و در هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد. و احتیاط آن است که پیش از سجده سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند.

(استفتا، ۳۳۲)

نماز جماعت

۹۷. اگر مأموم مرد است، امام [جماعت] او هم باید مرد باشد... و احتیاط واجب آن است که امام زن نیز مرد باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرائط امام الجماعة، ص ۲۴۹ و توضیح المسائل، م ۱۴۵۳)

امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است.

(اجوبة الاستفتائات، س ۵۹۶)

۹۸. اگر امام یا مأموم بخواند نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۴۰۴)

نمازی را که فرادا خوانده، می تواند با اقتدا به امام جماعتی اعاده نماید، و نمازی را که برای جماعتی امامت کرده، می تواند یک بار دیگر برای جماعت دیگر امامت کند، در غیر این دو صورت اعاده وجهی ندارد هرچند جماعت دوم دارای رجحانی باشد.

(استفتا، ۶۹۹۰)

نماز جمعه

۹۹. خواندن خطبه‌های نماز جمعه قبل از ظهر به‌طوری که هنگام تمام شدن خطبه‌ها ظهر شده باشد جایز است و احتیاط آن است که خطبه‌ها پس از زوال ایراد شود.

(تحریر الوسیله، القول فی شرائط صلاة الجمعة، ج ۱، ص ۲۱۲، م ۱۰)

خطبه‌های نماز جمعه را می‌توانند قبل از ظهر ایراد کنند. اگرچه احتیاط آن است که قسمتی از آن در وقت ظهر باشد و احوط آن است که تماماً بعد از دخول وقت ایراد شود.

(استفتا، ۱۶۰)

۱۰۰. احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفاً اول ظهر می‌گویند، تأخیر نیندازد و اگر از این وقت تأخیر افتاد به جای نماز جمعه نماز ظهر بخواند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی وقتها، ص ۲۱۶، م ۱ و توضیح المسائل،

م ۷۳۴)

وقت نماز جمعه از اول ظهر است، و احوط آن است که آن را از اوایل عرفی وقت نماز ظهر - در حدود یکی دو ساعت - عقب نیندازند.

(استفتا، ۱۵۹ و اجوبة الاستفتائات، س ۶۳۰)

نماز مسافر

۱۰۱. مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط، شکسته به جا آورد یعنی دو رکعت بخواند: ... شرط هفتم: آن که شعل او مسافرت نباشد، بنابراین شتردار و راننده و چوپدار و کشتیبان و مانند این ها، اگرچه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند، در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند. ولی در سفر اول اگرچه طول بکشد، نمازشان شکسته است.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی صلاه المسافر، ص ۲۳۰، سابعها و توضیح

المسائل، نماز مسافر، شرط هفتم)

س: شرایط وجوب قصر بر مسافر در نمازهای چهار رکعتی کدام است؟

ج: امور هشتگانه ذیل است: ...

۷. مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد مانند باربر و راننده و ملوان و غیره؛ و کسی که شغل او در سفر است، ملحق به این هاست.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۴۰)

۱۰۲. س: شخصی در يك شرکت، ناظر خرید است چند سال است که هر روز صبح از وطن خود به محل کار که بیش از حدّ شرعی فاصله دارد می رود و غروب بر می گردد و گاهی شخصاً رانندگی می کند، آیا این شخص مسافر است یا دائم السفر؟

ج: در محل کار و بین راه حکم مسافر دارد.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۲۴۶، س ۳۷۹)



س: کسی که سفر شغلی حداقل هر ده روز یک بار انجام می دهد، تا چه مدت آن را ادامه دهد حکم سفر شغلی بر آن مترتب می شود؟

ج: میزان، صدق تکرر سفر برای شغل است، همین که کاری که برای آن سفر می کند شغل او محسوب باشد ولو شغل دو سه ماهه، و برای آن بدون تخلل اقامت ده روز در یک جا مکرراً مسافرت می کند، در سفر سوم نمازش تمام است.

(استفتا، ۶۲۵۰۵)

س: کسی که سفر مقدمه شغل اوست [مانند کارمندی که به محل خدمت خود مسافرت می کند] آیا در سفر نمازش تمام و روزه اش صحیح است یا آن که این حکم اختصاص به کسی دارد که شغل او حتماً مسافرت باشد [مانند راننده و ملوان]؟

ج: کسی که سفر مقدمه کار او است، اگر در خلال هر ده روز حداقل يك بار برای کار به محل کارش رفت و آمد نماید، نمازش تمام و روزه اش صحیح است.

(اجوبة الاستفتائات، س ۶۴۱)

۱۰۳. کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود یا غیر وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد، چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، نماز را شکسته بخواند.

(توضیح المسائل، م ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳)

س: شخصی که مکرّر برای شغلش مسافرت می‌کند اگر ده روز در وطن و یا جای دیگر اقامت کند آیا در این مورد هم در سفر سوم نمازش تمام است و یا این که پس از اقامه ده روز فقط در سفر اول نمازش قصر می‌باشد؟

ج: در صورت اقامت ده روز در یک محل در بین سفرهای شغلی، فقط در سفر اول بعد از اقامت ده روز نمازش قصر است.

۷۱

فتاوی

راهنمای فتاوا

(استفتا)

توضیح:

به فتوای حضرت امام خمینی (قدس سرّه) تنها کسانی که شغل آن‌ها مسافرت می‌باشد، یعنی قوام کارشان به سفر است که در غیر سفر و در محل ثابت انجام نمی‌پذیرد مانند: راننده‌های برون شهری، خلبانان و ملوانان نمازشان در سفرهای شغلی تمام و روزه صحیح است. ولی کسانی که شغل آن‌ها مسافرت نیست، هر چند، هر روز برای کارشان به مسافرت می‌روند نمازشان در سفر شکسته است، مانند معلّمی که هر روز یا هر هفته برای تدریس به سفر می‌رود.

به يك مسأله و يك استفتا توجه كنيد:

مسأله: کسی که شغلش مسافرت نیست، اگر مثلاً در شهری یا در دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرت‌های پی‌درپی می‌کند، باید نماز را شکسته بخواند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی صلاة المسافر، ص ۲۳۱، م ۲۴ و توضیح

المسائل، م ۱۳۱۶)

س: سپاه، عده‌ای را برای امور روستاها استخدام می‌کند و مقرّ سپاه هم وطنشان نیست و هر روز یا هر سه روز به ناچار به اطراف آن شهر مسافرت می‌کنند تکلیف نماز و روزه آن‌ها چیست؟ و خلاصه، لازمه کارشان مسافرت است.

ج: در غیر وطن بدون قصد اقامه ده روز در محل واحد، نماز شکسته و روزه صحیح نیست.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۲۴۶، س ۳۷۶)

به فتوای رهبر معظم انقلاب (دام‌الله)، کسانی که شغلشان در سفر است یا برای کارشان حداقل در کمتر از ده روز به محل کار سفر می‌کنند، مانند کسانی هستند که شغلشان مسافرت است، یعنی باید نمازهای چهار رکعتی را در این‌گونه مسافرت‌ها تمام بخوانند و روزه صحیح است، مانند معلمانی که برای تدریس یا کارمندانی که برای انجام وظیفه یا کارگرانی که برای کار؛ مثلاً هر هفته یک بار به محل کارشان می‌روند و برمی‌گردند، نمازشان در سفر برای کار تمام است. ولی اگر سفر برای تحصیل باشد، نظر مبارک ایشان مبنی بر احتیاط است، مگر آن‌که تحصیل در حکم کار و شغل آن‌ها باشد، مانند افرادی که در سپاه و ارتش برای تحصیل مأموریت دارند. به دو استفتاء توجه کنید:

س: دانشجویانی که هر هفته برای تحصیل مسافرت می‌کنند، چه حکمی دارند؟
ج: در فرض سؤال حکم نماز در سفر تحصیلی مبنی بر احتیاط است.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۶۵۲)

س: دبیر شاغل در شهرستان رفسنجان می‌باشم با توجه به پذیرفته شدن در مرکز عالی ضمن خدمت و مأموریت به تحصیلی آموزش و پرورش، سه روز ابتدای هفته را در شهرستان کرمان اشتغال به تحصیل دارم و بقیه ایام هفته را در شهرستان خود به خدمت مشغولم، نظر حضرت عالی در مورد احکام نماز و روزه اینجانب چه می‌باشد آیا حکم دانشجوی بودن به ما جاری است یا خیر؟
ج: اگر مأمور به تحصیل هستید نماز شما تمام است و می‌توانید روزه بگیرید.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۶۵۳)

۱۰۴. س: فتوای حضرت امام را در مورد بلاد کبیره مفصلاً بیان نمایید.

ج: در شهرهای بزرگ خارق العاده که تشخیص آن موکول به نظر عرف است، میزان در مبدأ و منتهای مسافت، منزل است و در قصد اقامت ده روز باید نیت اقامت ده روز در يك محلّه را داشته باشد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی صلاة المسافر، ص ۲۲۵، م ۴ و

استفتاءات، ج ۱، ص ۲۰۷، س ۲۷۷)

س: نظر جناب عالی درباره شهرهای بزرگ از جهت قصد توطن یا اقامت ده روز در آن‌ها چیست؟
ج: در احکام مسافر و قصد توطن و قصد اقامت ده روز فرقی بین شهرهای بزرگ و معمولی نیست و حتی با قصد توطن در يك شهر بزرگ و مدتی در آن جا ماندن، بدون معین کردن محله‌ی خاصی از آن، تمام آن شهر حکم وطن را درباره او پیدا خواهد



کرد. همچنین اگر قصد اقامت ده روز در مانند این شهر نماید، بدون این که محله‌ی خاصی از آن را قصد نماید، حکم تمام بودن نماز و صحت روزه در مورد او در تمام محله‌های آن شهر جاری خواهد بود.
(اجوبة الاستفتاءات، ص ۷۰۷)

۱۰۵. مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آن جا برود، چنانچه جایی که می‌خواهد برود از حصار و دیوار شهر بیرون نباشد، یا از مزارع و باغات اطراف آن باشد به مقداری که رفتن به آن جا منافی با صدق اقامه در آن محل نباشد [یعنی عرفاً بگویند که ده روز در يك محل مانده است] باید نماز را تمام بخواند ولی چنانچه بخواند تا کمتر از چهار فرسخ برود، چنانچه در نیت او باشد که در بین ده روز، فقط يك مرتبه برود و بیش از دو ساعت، رفتن و برگشتن را طول ندهد، در همه ده روز باید نمازش را تمام بخواند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی قواطع السفر، ص ۲۳۵، م ۷ و توضیح المسائل، م ۱۳۳۸)

س: آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری را که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد بنمائیم؟
ج: قصد خروج از محل اقامت به اندازه کمتر از مسافت شرعی اگر به صدق اقامت ده روز ضرر نزند مثل بیرون رفتن از آن جا به مدت چند ساعت از روز یا شب برای يك بار یا چند بار به شرطی که مجموع

ساعات خروج از شش، هفت ساعت بیشتر نشود، در این صورت، قصد خروج به قصد اقامت لطمه نمی‌زند.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۶۶۵)

۷۵

فتاوی

راهنمای فتاوا

۱۰۶. تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه، اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست، بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است، هرچند احتیاط، اقتضای بر مسجد اصلی است، پس در تمام مسجد فعلی، مسافر می‌تواند نماز را تمام بخواند، همان طور که می‌تواند شکسته بخواند.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام المسافر، ص ۲۴۰، م ۸ و مناسک

حج، م ۱۳۱۶)

مسافر می‌تواند در تمام دو شهر مکه و مدینه حتی محله‌های جدید نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی (صلی الله علیه وآله) ندارد، هر چند احتیاط در اختصاص به محله‌های قدیمی این دو شهر بلکه تنها به دو مسجد مقدّس است.

(مناسک حج، م ۱۱۵۳)

۱۰۷. تا انسان قصد ماندن همیشگی در جایی که غیر وطن اصلی خودش است نداشته باشد وطن او حساب نمی‌شود مگر آن که بدون قصد ماندن، آن قدر بماند که مردم بگویند این جا وطن اوست.

(توضیح المسائل، م ۱۳۳۱)



آیت‌الله العظمی خاتمی‌س: کسی که می‌خواهد سالیانی در مکانی بماند، تا چه مدتی بنای ماندن آن جا را داشته باشد، حکم وطن را دارد، و آیا بین ماندن در آن جا صرفاً به قصد زندگی یا برای کار یا هر دو، تفاوتی وجود دارد؟

ج: اگر بنای زندگی در آن جا را به مدّت هفت، هشت سال داشته باشد برای ترتّب حکم وطن کافی است. ولی اگر برای کار یا امر دیگری غیر از زندگی در آن جا، مدتی بخواهد بماند، حکم وطن مترتّب نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۶۸۴)

نماز آیات

۱۰۸. در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های يك سوره را پنج قسمت کند و يك آیه [یا کمتر] یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون این که حمد بخواند، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید، مثلاً به قصد سوره قل هو الله احد، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید و به رکوع رود، بعد بایستد و بگوید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید: «اللَّهُ الصَّمَدُ» باز به رکوع رود و بایستد و بگوید: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» و برود به رکوع باز هم سر بردارد و بگوید: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و بعد از آن به رکوع پنجم

رود و بعد از سر برداشتن، دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از سجده دوم تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

(توضیح المسائل، م ۱۵۰۸ و تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۱۷۴، م ۹)

س: نماز آیات چگونه باید خوانده شود؟

ج: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و یک آیه یا کمتر (البته احتساب بسم الله به عنوان یک آیه خلاف احتیاط است) از سوره ای را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود، و بعد سر از رکوع برداشته و آیه دیگری از همان سوره را قرائت نماید و همین طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره ای که پیش از هر رکوع، یک آیه از آن را قرائت کرده، قبل از رکوع آخر تمام شود. سپس رکوع پنجم را به جا آورد و به سجده رود، و پس از اتمام دو سجده، برای رکعت دوم قیام نماید و حمد و آیه ای از یک سوره را بخواند و به رکوع برود و همین طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه بخواهد برای هر رکوعی به یک آیه از سوره ای اکتفا کند، نباید سوره حمد را بیش از یک مرتبه در اول آن رکعت بخواند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۲)

نماز قضا

۱۰۹. پنجم از نمازهای واجب، نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است.

(توضیح المسائل، نمازهای واجب)

نمازهای قضای پدر و مادر بر پسر بزرگ آنان واجب است.

(استفتا، ۱۵۰)

نافله نماز

۱۱۰. نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند، ولی نافله عشا را به نیت این که شاید مطلوب باشد می تواند به جا آورد.

(توضیح المسائل، م ۷۶۷)

در سفر، نافله های ظهر و عصر و عشا ساقط است و نباید خوانده شود.

(استفتا، ۱۶۷)



روزه

۱۱۱. اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر مُلتفت نشود، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است. و اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است روزه او باطل می باشد، ولی باید

تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد
و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید.

(توضیح المسائل، م ۱۵۶)

کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی یا بی‌اطلاعی، نیت روزه نکرده و در اثنای روز ملتفت شد، در صورتی که کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، روزه‌ی آن روز باطل است ولی تا غروب از کارهای باطل کننده‌ی روزه خودداری کند. اما چنانچه تا هنگامی که ملتفت روزه می‌شود، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد اگر بعد از ظهر است روزه باطل است، و اگر پیش از ظهر است، بنا بر احتیاط واجب باید نیت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزه‌ی آن روز را قضا کند.

(استفتا، روزه، ۷)

۱۱۲. کسی که برای به‌جا آوردن روزه میّتی اجیر شده، اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد. ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد، و چنانچه فراموش کند و روزه مستحب بگیرد، در صورتی که پیش از ظهر یادش بیاید، روزه مستحبی او به‌هم می‌خورد و می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر ملتفت شود، روزه او باطل است و اگر بعد از مغرب یادش بیاید، روزه‌اش صحیح است گرچه بی‌اشکال نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۵۶۳)

کسی که روزه‌ی قضای ماه رمضان بر او واجب است، نمی‌تواند روزه‌ی مستحبی بگیرد. و چنانچه فراموش کند و روزه‌ی مستحبی بگیرد در صورتی که در اثنای روز یادش بیاید روزه‌ی مستحبی او باطل می‌شود. حال اگر پیش از ظهر باشد می‌تواند نیت روزه‌ی قضای ماه رمضان کند و روزه‌اش درست است.

(استفتا، روزه، ۱۰)



۱۱۳. وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه‌ی نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد، که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه‌ی مستحبی کند، روزه او صحیح است.

(توضیح المسائل، م ۱۵۵۳)

در روزه‌های مستحب و نیز روزه‌های واجب غیر معین که وجوب آن مخصوص به روز معینی نیست اگر تصمیم بر قطع روزه بگیرد ولی کاری که روزه را باطل می‌کند از او سرزنند و بعداً دوباره تا پیش از ظهر - و در مستحب تا غروب - نیت روزه کند، روزه او صحیح است.

(استفتا، روزه، ۱۵)

۱۱۴. اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود،

روزه آن روز بر او واجب نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۵۶۷)

اگر مریض در اثنای روز ماه رمضان خوب شود، واجب نیست که نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر پیش از ظهر باشد و کاری که روزه را باطل می کند از او سر نزده باشد احتیاطاً مستحب آن است که نیت روزه کند و روزه بگیرد و پس از ماه رمضان باید آن روز را قضا کند.

(استفتا، روزه، ۱۱)

۱۱۵. اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد روزه اش باطل است، هر چند پیش از ظهر دوباره قصد روزه کند، و نیز اگر نسبت به ادامه روزه دچار تردید شود. ولی چنانچه نیت کند که چیزی را که روزه را باطل می کند به جا آورد در صورتی که آن را انجام ندهد روزه اش باطل نمی شود.

(تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، القول فی النية، ص ۲۵۵، م ۸ و

توضیح المسائل، م ۱۵۷۰)

در روزهی ماه رمضان اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن برگردد به طوری که قصد ادامه ی روزه نداشته باشد، روزه اش باطل می شود و قصد دوباره ی او برای ادامه ی روزه فایده ندارد. اما اگر دچار تردید شود به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را باطل کند، یا تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت



دهد و هنوز آن را انجام نداده است، در این دو صورت، صحت روزهی او محل اشکال است. و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید. هر روزهی واجب معین دیگر - مانند نذر معین و امثال آن - نیز دارای همین حکم است.

(اجوبة استفتائات، س ۷۵۸)

۱۱۶. کسی که خودش روزه قضای ماه رمضان دارد، جایز نیست بعد از زوال افطار کند ... اما افطار کردن قبل از زوال - هرچند روزه قضای ماه رمضان از خودش باشد - مانع ندارد؛ مگر آن که با نذر یا اجاره و مانند آن متعین شده باشد یا وقت روزهی قضا تا ماه رمضان تنگ باشد، اگر قائل به عدم جواز تأخیر انداختن تا ماه رمضان باشیم همان گونه که مشهور و منصور است.

(العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فی أحكام القضاء، م ۲۷)

کسی که قضای روزهی ماه رمضان را می گیرد در صورتی که وقت قضای او تنگ نباشد می تواند پیش از ظهر روزهی خود را باطل کند، و اگر وقت تنگ است یعنی فقط به عدد روزههای قضا تا ماه رمضان آینده وقت دارد، احتیاط آن است که روزه را در پیش از ظهر هم باطل نکند.

(استفتا، روزه، ۸۷)

آیت الله العظمی
حاج آقا محمد تقی



رؤیت هلال

۱۱۷. رؤیت هلال با وسایل مستحدثه اعتبار ندارد؛ پس اگر با بعضی از وسایل بزرگ‌کننده یا نزدیک‌آورنده مانند تلسکوپ مثلاً ببیند، ولی بدون وسیله، هلال، قابل رؤیت نباشد، حکم به اول ماه نمی‌شود. پس معیار رؤیت با چشم، بدون وسیله نزدیک‌آورنده یا بزرگ‌کننده است. البته اگر با وسیله‌ای آن را ببیند و جای آن را بداند سپس با چشم بدون وسیله آن را رؤیت نماید، حکم به اول ماه می‌شود.

(تحریرالوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثة، مسائل الصلاة و الصوم،

ص ۵۷۴، م ۱۸)

س: آیا رؤیت تصویر هلال ماه با استفاده از دوربین CCD و انعکاس نور و بازخوانی اطلاعات ضبط شده توسط رایانه، برای اثبات اول ماه کفایت می‌کند؟

ج. رؤیت با وسیله، فرقی با رؤیت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رؤیت محفوظ باشد. پس رؤیت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. اما در مورد انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رؤیت معلوم نیست، محل اشکال است.

(اجوبه استفتائات، ص ۸۳۵)

مبطلات روزه

۱۱۸. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضورابی حس می‌کند یا به جای دوا استعمال می‌شود اشکال ندارد.

(توضیح المسائل، م ۱۵۷۶)

احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپول‌های مقوی یا مغذی، و هر آمپولی که در رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سِرُم‌ها خودداری کند، لکن آمپول‌های دارویی که در عضله تزریق می‌شود و نیز آمپول‌هایی که برای بی‌حس کردن به کار می‌رود، مانعی ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۶۷)

۱۱۹. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار دود سیگار و تنباکو و مانند این‌ها را هم به حلق نرساند. ولی بخار غلیظ، روزه را باطل نمی‌کند، مگر این که در دهان به صورت آب درآید و فرو دهد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۰۵)

احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از دودهای آیت‌الله العظمی خاتمی انواع دخانیات و نیز مواد مخدّری که از راه بینی یا زیرزبان جذب می‌شود خودداری کند.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۷۶۰)

۱۲۰. رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می‌کند چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است.

(توضیح المسائل، م ۱۶۰۳)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
روزه‌دار بنا بر احتیاط واجب باید غبار غلیظ را - مانند غباری که از جارو کردن زمین خاکی بر می‌خیزد - فرو ندهد، همچنین دود سیگار و دیگر دخانیات بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

(استفتا، روزه، ۳۲)

۱۲۱. اگر روزه‌دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند این‌ها به خدا و پیغمبر (صلی‌الله علیه وآله وسلم) و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد اگرچه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا (علیها السلام) و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند.

(توضیح المسائل، م ۱۵۹۶)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (علیهم السلام) بنا بر احتیاط، موجب باطل شدن روزه می‌شود، هرچند بعداً توبه کند و بگوید که دروغ بسته است.

(استفتا، روزه، ۳۰)

۱۲۲. اگر بخواهد خبری را که نمی‌داند راست است یا دروغ نقل کند بنا بر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته، یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نماید لکن اگر خودش هم خبر بدهد روزه‌اش باطل نمی‌شود.

(توضیح المسائل، م ۱۵۹۷)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای نقل روایاتی که در کتب آمده است و انسان نمی‌داند که دروغ باشد، اشکال ندارد. هرچند احتیاط آن است که آن‌ها را با نسبت به آن کتاب نقل کند.

(استفتا، روزه، ۳۱)

۱۲۳. اگر در روزه رمضان عمداً قی کند، فقط باید قضای آن روز را بگیرد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۵۸)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای قی موجب کفاره است.

(مستفاد از استفتا، روزه، ۵۳)



مسافرت در ماه رمضان

۱۲۴. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد. ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.

(توضیح المسائل، م ۱۷۱۵)

آیت‌الله العظمیٰ
 خامنه‌ای
 مسافرت در ماه رمضان هرچند برای فرار از
 روزه باشد جایز است. البته بهتر است به سفر نرود
 مگر این که سفر برای کارِ نیکو یا لازمی باشد.
 (استفتا، روزه، ۹۶)



قضا و کفاره روزه

۱۲۵. کسی که کفاره روزه رمضان بر او واجب است باید يك بنده آزاد کند یا دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام يك مُدّ. که تقریباً ده سیر است. طعام یعنی گندم یا جو و مانند این‌ها بدهد، و چنانچه این‌ها برایش ممکن نباشد، هرچند مُدّ که می‌تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگرچه مثلاً يك مرتبه بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، و احتیاط واجب در فرض اخیر آن است که هر وقت بتواند، کفاره را بدهد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۶۰)

آیت‌الله العظمیٰ
 خامنه‌ای
 کفاره افطار عمدی روزه عبارت است از شصت روز روزه یا اطعام شصت فقیر یا دادن شصت مُدّ طعام به شصت مسکین که سهم هر کدام یک مُدّ است و چنانچه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است، غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند. و اگر به هیچ وجه

قادر بر دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند، یعنی با دل و زبان بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (از خداوند بخشایش می طلبم).

کسی که به خاطر عدم توانایی بر روزه و غذا دادن به فقیر، وظیفه اش استغفار است، اگر بعدها تمکّن پیدا کرد که روزه بگیرد یا به فقرا غذا دهد، انجام کفّاره لازم نیست گرچه احتیاط مستحب آن است که انجام داده شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۴)

۱۲۶. کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام يك مدّ - که تقریباً ده سیر است - طعام بدهد و اگر نمی تواند بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۸۷)

کسی که برای قضای ماه رمضان روزه گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً روزه ی خود را باطل کند باید ده فقیر را غذا بدهد و اگر نمی تواند سه روز روزه بگیرد.

(استفتا، روزه، ۷۲)

۱۲۷. در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است، و کفّاره واجب نیست: ...

پنجم: آن که در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، و نیز اگر

بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده قضای آن روزه بر او واجب است، ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست بلکه اگر بعد از تحقیق شك کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا واجب نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۶۸۸)

اگر در سحر ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، سپس معلوم شود که در آن هنگام صبح شده بوده است، باید قضای آن روز را بگیرد. ولی اگر تحقیق کند و بداند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود که صبح بوده است، قضای آن روز بر او واجب نیست.

(استفتا، روزه، ۷۵)

۱۲۸. اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن چیز اصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به جهتی حرام شده باشد، مثل نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض، بنا بر احتیاط کفاره جمع بر او واجب می شود یعنی باید يك بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام آن ها يك مدّ - که تقریباً ده سیر است - گندم یا جو

یا نان و مانند این‌ها بدهد، و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هرکدام آن‌ها که ممکن است باید انجام دهد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۶۵)

اگر کسی با آمیزش جنسی حرام یا خوردن و نوشیدن حرام، روزه خود را در ماه رمضان بشکند، بنا بر احتیاط هر سه کفّاره (آزاد کردن برده، شصت روز روزه، غذا دادن به شصت فقیر) با هم بر او واجب می‌شود. و اگر هر سه برایش ممکن نباشد هرکدام را که ممکن است باید ادا کند. اگرچه واجب نبودن این احتیاط بعید نیست.

(استفتا، روزه، ۶۳)

۱۲۹. اگر روزه‌دار در يك روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند، يك کفّاره بر او واجب است ولی اگر جماع او حرام باشد يك کفّاره جمع واجب می‌شود. اگر روزه‌دار در يك روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، برای همه آن‌ها يك کفّاره کافی است.

(توضیح المسائل، م ۱۶۶۷ و ۱۶۶۸)

اگر روزه‌دار، کاری را که باطل کننده روزه است، در يك روز بیش از يك بار انجام دهد، فقط يك کفّاره بر او واجب می‌شود، بلی اگر این کار آمیزش جنسی یا استمنا باشد احتیاط واجب آن است که به عدد دفعات آمیزش جنسی یا استمنا کفّاره بدهد.

(اجوبة الاستفتائات، س ۷۹۴)

۱۳۰. کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفّاره سفر نماید، کفّاره از او ساقط نمی شود، بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، بنا بر احتیاط کفّاره بر او واجب است.

(توضیح المسائل، م ۱۶۷۴)

کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده اگر پس از آن به سفر برود، کفّاره از او ساقط نمی شود.

(استفتا، روزه، ۶۸)

۱۳۱. اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شك کند که چه وقت عذر او برطرف شده می تواند مقدار کمتر را که احتمال می دهد روزه نگرفته، قضا نماید. مثلاً کسی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی داند پنجم رمضان از سفر برگشته یا ششم، می تواند پنج روز روزه بگیرد و نیز کسی هم که نمی داند چه وقت عذر برایش پیدا شده، می تواند مقدار کمتر را قضا نماید، مثلاً اگر در آخرهای ماه رمضان مسافرت کند و بعد از رمضان برگردد و نداند که بیست و پنجم مسافرت کرده یا بیست و ششم، می تواند مقدار کمتر یعنی پنج روز را قضا کند.

(توضیح المسائل، م ۱۶۹۷)

کسی که چند روز از ماه رمضان را به خاطر عذری روزه نگرفته، و تعداد آن روزها را نمی داند مثلاً نمی داند که آیا در روز بیست و پنجم ماه رمضان به



سفر رفته تا روزهایی که از او فوت شده مثلاً شش روز باشد یا در روز بیست و ششم رفته که پنج روز باشد، می تواند مقدار کمتر را قضا کند و اما در صورتی که هنگام شروع عذر (مثلاً سفر) را می داند، مثلاً می داند که در روز پنجم ماه به سفر رفته ولی نمی داند که در شب دهم برگشته تا پنج روز فوت شده باشد یا شب یازدهم برگشته تا شش روز فوت شده باشد، در این صورت احتیاط آن است که مقدار بیشتر را قضا کند.

(استفتا، روزه، ۸۵)

۱۳۲. اگر به واسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند، چنانچه می توانسته مسأله را یاد بگیرد بنا بر احتیاط واجب کفاره بر او ثابت می شود و اگر نمی توانسته مسأله یاد بگیرد یا اصلاً مُلتفت مسأله نبوده یا یقین داشته که فلان چیز روزه را باطل نمی کند، کفاره بر او واجب نیست.

(توضیح المسائل، م ۱۶۵۹)

آیت الله العظمیٰ خامنه‌ای اگر به سبب بی اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می کند. مثل این که نمی دانست خوردن دارو نیز مانند سایر خوردنی ها روزه را باطل می کند و در روز ماه رمضان دارو خورد. روزه اش باطل است و باید آن را قضا کند ولی کفاره بر او واجب نیست.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۸۱۷)

۱۳۳. اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد. ولی اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد [بنا بر احتیاط واجب] باید اول، قضای رمضان آخر را بگیرد.

(توضیح المسائل، م ۱۶۹۸ و تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۲۷۲، م ۶)

اگر از چند ماه رمضان روزه‌ی قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانع ندارد، ولی اگر وقت قضای آخرین ماه رمضان تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به ماه رمضان باقی مانده باشد در این صورت احتیاط آن است که قضای رمضان آخر را بگیرد.

(استفتا، روزه، ۸۶)



روزه قضای پدر و مادر

۱۳۴. اگر پدر نماز و روزه خود را به‌جا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترك نکرده و می‌توانسته قضا کند، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش به‌جا آورد یا برای او اجیر بگیرد ولی اگر از روی نافرمانی ترك کرده باشد واجب نیست که پسر بزرگتر قضا نماید یا برای او اجیر بگیرد، هرچند احتیاط مستحب مؤکد است که در این فرض نیز

قضا نماید یا برای او اجیر بگیرد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی قضاء صوم شهر رمضان، ص ۲۷۳، م ۱۳)

آیت الله العظمی خاتمی‌ای
اگر پدر و نیز بنا بر احتیاط واجب مادر، روزه خود را به خاطر عذری - غیر از سفر - به جای نیاورده و با این که می توانسته آن را قضا کند، قضا نیز نکرده است بر پسر بزرگتر آنان واجب است که پس از مرگ آنان خودش یا به وسیله اجیر، قضای آن روزه را به جا بیاورد. و اما آن چه به خاطر سفر به جا نیاورده اند واجب است حتی در صورتی که فرصت و امکان قضا را هم نیافته اند، آن را قضا کند.

روزه هایی را که پدر و مادر عمداً به جا نیاورده اند بنا بر احتیاط باید به وسیله پسر بزرگتر - شخصاً یا با گرفتن اجیر - قضا شود.

(استفتا، روزه، ۹۳ و ۹۴)



نذر

۱۳۵. نذر زن بی اجازه شوهرش باطل است.

(توضیح المسائل، م ۲۶۵۴)

آیت الله العظمی خاتمی‌ای
در صحت نذر زوجه در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست. ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی شود.

(مناسک حج، م ۸۱)

۱۳۶. اگر انسان از روی اختیار به نذر خود عمل نکند باید کفّاره بدهد یعنی يك بنده آزاد کند یا به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد.

(تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الایمان والنذور، ص ۱۰۹، م ۲۶ و ۲۸ و

توضیح المسائل ۲۶۵۴)

کفّاره‌ی نذر همان کفّاره‌ی قسم است، یعنی: آزاد کردن بنده‌ای یا به ده فقیر طعام دادن یا پوشاندن آن‌ها و اگر هیچ کدام امکان نداشت سه روز روزه گرفتن.

(استفتا، روزه، ۶۶)



اعتکاف

۱۳۷. اعتکاف تنها در مسجد صحیح است، بنابراین اگر کسی در خانه خود یا در تکیه، یا حسینیه یا در حرم مُعتکف شود صحیح نیست و از مساجد نیز تنها در این مساجد، اعتکاف صحیح است: مسجد الحرام، مسجد النبی (صلی الله علیه وآله)، مسجد جامع کوفه، مسجد بصره. و در مسجد جامع هر شهر به قصد رجاء می‌توان مُعتکف شد و در سایر مساجد جایز نیست.

(تحریر الوسیله، ج ۱، الصوم، خاتمة فی الاعتکاف القول فی شروطه،

ص ۲۷۹، الخامس)

س: خواهشمند است نظر مبارك خود را در خصوص اعتکاف در مساجد (جامع و غیر جامع)

آیت الله العظمی
خامنه‌ای

بیان فرمائید.
ج: رجائاً اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۸۵۰)



خمس

۱۳۸. س: اگر کسی خانه‌اش را بفروشد و خانه‌ای دیگر بخرد یا بسازد آیا پول خانه فروخته شده خمس دارد، اگرچه بر آن پول، سال نگذرد؟
ج: اگر خانه فروخته شده از ارباح مکاسب و حقوق و درآمد بدون دادن خمس تهیه شده، پول فروش آن فوراً خمس دارد.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۳۶۵، س ۶۵)

آیت‌الله العظمیٰ خامنه‌ای
۱۳۹. س: اگر کسی خانه مسکونی خود را بفروشد برای آن که خانه‌ای دیگر بخرد یا بسازد، آیا پول خانه فروخته شده خمس دارد یا نه؟
ج: خانه چون از مؤونه بوده، پول فروش آن خمس ندارد، هرچند تا سر سال باقی بماند.

(منتخبی از استفتاءات، س ۴۶)

۱۳۹. س: اگر کسی خانه مسکونی خود را بفروشد در صورتی که آن را با پول مخمس خریده باشد آیا مازاد قیمت آن خمس دارد یا نه و اگر از ربح سال خریده است چه مقدار و در چه صورتی باید خمس بدهد؟

ج: اگر خانه را با ربح مخمس تهیه کرده است پول فروش آن خمس ندارد هرچند قیمت آن ترقی کرده باشد و چنانچه با درآمد کسب و حقوق بدون پرداخت خمس، تهیه کرده است هرچند از مؤونه بوده تمام پول فروش آن بدون مراعات سر سال خمس دارد.

(استفتائات، ج ۱، ص ۳۶۸، س ۷۲)

س: آیا به خانه‌ای که قبلاً با مالی که خمس آن داده نشده، ساخته شده، خمس تعلق می‌گیرد؟
بر فرض وجوب پرداخت خمس، آیا خمس براساس قیمت فعلی محاسبه می‌شود یا قیمت زمان ساخت آن؟

ج: اگر خانه از درآمد بین سال برای زندگی و سکونت ساخته شده و پس از سکونت در آن به فروش رفته است، پول فروش آن خمس ندارد، ولی اگر از درآمدی که سال بر آن گذشته، ساخته شده است، خمس پولی که در ساخت آن هزینه شده، باید پرداخت شود.

(اجوبة الاستفتائات، س ۸۸۰)

۱۴۰. اگر پول را چند سال نگاه دارد برای آن که خانه بخرد، از مؤونه حساب نمی‌شود و واجب است خمس آن را بپردازد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس القول فیما یجب فیہ الخمس،

ص ۳۲۹، م ۱۷)

س: به پولی که انسان برای ازدواج یا تحصیل کنار می‌گذارد آیا خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟
ج: اگر از درآمد کسب باشد و سال بر آن بگذرد، خمس دارد.

(استفتاءات، ج ۱، ص ۳۵۲، س ۲۴)

س: شخصی خانه‌ای برای سکونت ندارد و برای خرید مسکن یا تهیه مایحتاج زندگی، مالی را پس انداز کرده است، آیا این مبلغ خمس دارد؟
ج: مال پس انداز شده از منفعت کسب اگر برای تأمین هزینه‌های زندگی باشد، سر سال خمسی خمس دارد، مگر این که پس انداز برای تهیه لوازم ضروری زندگی و یا تأمین هزینه‌های لازم باشد که در این صورت اگر بعد از سال خمسی در آینده نزدیک (تا چند روز) در راه‌های مذکور مصرف شود، خمس ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۹۰۹)



چند استفتا از محضر رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) در مورد خمس

س: معمول است که برای اجاره‌ی خانه مقداری پول پیش پرداخت می‌کنند، اگر این پول از منافع کسب باشد و چند سال در نزد صاحب‌خانه بماند، آیا پس از دریافت بلافاصله باید خمس آن پرداخت شود و در صورتی که بخواهد با همان پول در جای دیگر منزل اجاره کند، چه طور؟

ج: خمس تعلّق می‌گیرد ولی اگر به این پول برای اجاره منزل نیاز دارد می‌تواند خمس آن را دست‌گردان کند و پس از رفع نیاز پرداخت نماید.

(اجوبة الاستفتاءات، ص ۸۷۹)

س: این جانب به تازگی از محل کارم بازخرید شده‌ام و برای بازخرید سنوات خدمتم مبلغ هفت میلیون تومان دریافت کرده‌ام و می‌خواهم این مبلغ را به حساب مسکن مهر که قبلاً ثبت‌نام کرده‌ام واریز نمایم، ولی احتمال می‌دهم تا نوبت بنده برسد سال تمام می‌شود و تا آن موقع پول پیش من خواهد ماند. حال با وجود این که بنده به غیر از این پول هیچ امکان دیگری برای واریز حق عضویت خود ندارم، آیا این مبلغ مشمول خمس می‌شود یا خیر؟

ج: مبلغ بازخرید خدمت، خمس ندارد هرچند سال بر آن بگذرد.

(استفتا، ۳۳۶۴)

س: حدود بیست سال قبل یک باب مغازه برای کسب و کارم خریده‌ام و سال خمسی نداشته‌ام. اکنون آیا خمس خرید کافی است یا باید خمس قیمت روز فروش پرداخت شود؟

ج: پرداخت خمس پول خرید مغازه کافی است (البته در مورد تنزّل ارزش پول باید مصالحه شود)، ولی اگر مغازه را با عین پول غیرمخمس خریده باشید، تمام قیمت فعلی آن خمس دارد.

(استفتا، ۵۹۰۳۶)

س: آیا ترقّی قیمت سوقیه که پس از فروش از ربح



سال محسوب می‌شود، شامل اموالی که بدون معاوضه مالک شده از قبیل ارث، مهریه و هبه هم می‌شود یا خیر؟

ج: در مال موروث و موهوب و امثال آن اگر آن را سرمایه قرار داده باشد، ارتفاع قیمت سوبیه‌اش پس از فروش، بنا بر احتیاط واجب باید خمس داده شود.

(استفتا، ۸۹۰۶۰۱)

س: با توجه به اینکه خروج از مؤونه موجب تعلّق خمس نمی‌گردد، آیا ترقّی قیمت سوبیه اموالی را که مؤونه شده و پس از چند سال فروخته می‌شود، شامل می‌شود یا خیر؟

ج: مالی که از مؤونه خارج شده اگر سرمایه‌ی کسب و تجارت شده، ترقّی قیمت آن پس از فروش متعلق خمس است. ولی اگر قصد تجارت با آن ندارد تا وقتی آن را فروخته است، خمس ندارد، و اگر فروخت احتیاط آن است که خمس آن را بدهد، اگرچه عدم وجوب خمس بعید نیست.

(استفتا، ۸۹۰۶۰۱)

س: آیا مقداری که بر اثر تورّم بر قیمت اجناس افزوده می‌شود، جزء ترقّی قیمت سوبیه محسوب می‌شود؟

ج: افزایش قیمت اگر ناشی از تورّم باشد یعنی ارزش پول، کم شده و همه‌ی اجناس با پول بیشتر معامله می‌شوند، ترقّی قیمت سوبیه محسوب نمی‌شود و احکام آن بر آن جاری نیست.

(استفتا، ۸۹۰۶۰۱)

س: اخیراً طی توافقی که سازمان حج و زیارت با بانک ملی ایران به عمل آورده، متقاضیان حج تمتّع با مراجعه به بانک، مبلغ یک میلیون تومان به صورت قرارداد مضاربه‌ای به نام خود به حسابی در بانک ملی واریز نموده، فیش آن را دریافت می‌دارند، این پول تا هنگام تشرّف به نام واریز کننده و در حساب شخصی او باقی می‌ماند و طبق قرارداد مکتوب مبلغی به دارنده حساب در پایان هر سال منفعت مضاربه تعلق می‌گیرد. سازمان حج و زیارت فقط برای کسانی که زودتر ثبت نام کرده‌اند اولویت قائل شده و پس از حدود سه سال نوبت اشخاص را اعلام و در صورت تمایل آن‌ها را به حج اعزام می‌دارد. زمان اعزام که فرا رسید واریز کننده، پولی را که در حساب مضاربه‌ای خود دارد از بانک اخذ و همراه با مانده هزینه‌ها به حساب حج و زیات واریز می‌نماید و سپس به حج مشرف می‌شود. حال خواهشمند است با عنایت به این که قرارداد مذکور به صورت کتبی بوده و شفاهاً گفتگویی بین صاحب پول و بانک رد و بدل نمی‌شود. بفرمایید مبلغ درصدی که صاحب مال به عنوان منفعت مضاربه دریافت می‌کند چه صورتی دارد؟

ج: عملیات بانکی به صورت قرارداد کتبی به نحو فوق‌الاشاره بی‌اشکال است و سود حاصله از معامله‌ی مضاربه‌ای برای سپرده‌گذار حلال است، و اصل سپرده اگر از درآمد کسب غیر مخمّس بوده خمس دارد، و سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده، جزو درآمد سال وصول محسوب است، که اگر در همان سال

هزینه‌ی سفر حج شود خمس ندارد.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۹۷۳)



حجّ

در احکام حج و عمره نیز تفاوت‌هایی بین فتاوای حضرت امام خمینی (قدّس سرّه) و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته) وجود دارد که در «مناسک حج» آمده و جداگانه چاپ و منتشر شده است. از آن‌جا که آن مسائل تنها برای زائران بیت‌الله الحرام مورد نیاز است، در این نوشته به برخی مسائل استطاعت و نیابت بسنده کردیم.



استطاعت

۱۴۱. شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت، یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک؛ مثل باغ و دکان داشته باشد به‌طوری که برای زندگانی به شدّت و حَرَج نیفتد و اگر قدرت برکسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است، و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیّه داشته باشد، کفایت نمی‌کند، بنابراین بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه‌های علمیّه

دارند، حج واجب نیست.

(مناسك حج، م ۴۰)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
طلاب علوم دینی اگر بعد از مراجعت از حج،
زندگی آنان با شهریه حوزه‌های علوم دینی اداره یا
تکمیل می‌شود، کافی است.

(مناسك حج، م ۲۷)

۱۴۲. اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض
کند، مستطیع نمی‌شود هرچند بتواند بعداً به
سهولت قرض را ادا کند و اگر با آن حج به جا آورد از
حَجَّةِ الاسلام کفایت نمی‌کند.

(مناسك حج، م ۲۰)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
کسی که هزینه‌ی رفتن به حج را در اختیار
ندارد، اما می‌تواند قرض بگیرد و سپس به سادگی
قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با
قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر
او واجب می‌شود.

(مناسك حج، م ۱۳)

۱۴۳. کسی که برای حج نیابتی، اجیر شده و بعد
در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده، چنانچه
برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج
نیابتی را به جا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج
خودش را در سال بعد، انجام دهد.

(مناسك حج، م ۵۶)

آیت‌الله العظمی
خامنه‌ای
کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای



نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به واسطه‌ی مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است، و در غیر این صورت، باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد.

(مناسک حج، م ۳۶)

۱۴۴. اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سال‌های دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند، می‌تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید.

(مناسک حج، م ۲۴)

کسی که استطاعت شده، نمی‌تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج صرف کند، خود را از استطاعت خارج نماید. بلکه احتیاط واجب آن است که قبل از آن زمان نیز خود را از استطاعت خارج نکند.

(مناسک حج، م ۳۲)



نیابت

۱۴۵. س: فردی پس از استطاعت مالی، برای حج اسم‌نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش درآمد،

ولی چند ماه قبل از حرکت فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرارداده بود که برای او حج به جا آورد، در حالی که پسر، خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم نویسی مسامحه کرده و ننوشتته است، در صورتی که اگر اسم می نوشت، شاید در همان سال اوّل قرعه به نامش در می آمد و شاید هم سال های بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بلدی از جانب پدر، و هنوز مُحرم نشده، چه وظیفه ای دارد؟

ج: در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست و باید برای خودش حج نماید.

(مناسک حج، م ۱۴۶)

اگر راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و یا این که ورثه فیش را به یکی از فرزندان بدهند آیت الله العظمی خاتمی که به نیابت پدر به حج برود باید حج را به نیابت از پدر به جا آورد و چنانچه وصیتی نبوده و از او خواسته نشده که نیابت کند باید برای خودش حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

(استفتا)

۱۴۶. س: ناییبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از مُحرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود آیا حج او از مَنوب عنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه؟

ج: محل اشکال است.

(مناسك حج، م ۱۵۹)

نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است لکن بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از مُحرم شدن جزء معذورین شده، اگر عذر او منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود، نیابت او صحیح است، مثل این که در ارتکاب بعضی از تروك احرام معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود، بطلان اجاره در این صورت بعید نیست و احوط مصالحه بین نایب و مَنوب عنه در اجرت و اعاده عمره و حج برای مَنوب عنه می باشد.

(مناسك حج، م ۵۷ و ۵۸)



نگاه

۱۴۷. از نگاه و لمس موی جدا شده زن نامحرم بنا بر احتیاط واجب اجتناب شود.

(تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۱۷ و ۲۱۸، م ۲۱ و ۲۰)

ظاهراً اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب است لمس نکنند.

(استفتا، ۸۰۰۹۹)



نکاح

۱۴۸. ازدواج با مجوسیه بنا بر اقوی حرام است.

(تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۵، م ۱)

نکاح انقطاعی با زنان زرتشتی، اشکال

آیت الله العظمی
خامنه‌ای

ندارد.

(استفتا، ۸۴۰۲۰۷)

۱۰۷

فتاوی

راهنمای فتاوا



مجسمه سازی

۱۴۹. س: در مسأله ۲۰۶۹ رساله توضیح المسائل

فرموده‌اید: «خرید و فروش مجسمه و صابون یا

چیزهای دیگری که روی آن مجسمه دارد اشکال

ندارد.» مستدعی است بفرمایید ساختن مجسمه

انسان و حیوانات با مواد پلاستیکی به صورت

کاریکاتوری و غیر واقعی چه صورت دارد؟

ج: ساختن مجسمه ذی روح حرام است.

(استفتاءات، ج ۲، ص ۱۹، س ۵۰)

س: ساخت عروسک و مجسمه و نقاشی

و ترسیم چهره موجودات زنده اعم از گیاهان،

حیوانات و انسان چه حکمی دارد؟ خرید و فروش

و نگهداری و ارائه آن‌ها در نمایشگاه چه حکمی

دارد؟

ج: ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره

موجودات و لو ذی روح اشکال ندارد. همچنین

آیت الله العظمی
خامنه‌ای

خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آن‌ها در نمایشگاه هم اشکال ندارد.

(اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۲۲)



ارث زوجه

۱۵۰. اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، چهاریک مال او را زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند و اگر از آن زن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد، هشتیک مال را زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند، و زن از همه اموال منقول ارث می‌برد ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی‌برد و نیز از خود هوایی ارث نمی‌برد مثل بنا و درخت و فقط از قیمت هوایی ارث می‌برد.

(توضیح المسائل، م ۲۷۷۱)

زوجه خواه دارای فرزند از شوهرش باشد یا نباشد، از قیمت زمین - خواه زمین خانه یا مغازه یا زمین باغ یا مزرعه باشد - ارث می‌برد.

(استفتا، ۶۲۵۳۸)

۱۰۸



راهنمای فتاوا



چند استفتا از محضر مبارك آيت الله العظمى خامنه‌ای (دام ظلّه)

۱. س: اگر چند سگّه بهار آزادی داشته باشم که به حدّ نصاب زکات برسد، آیا پرداخت زکات آن واجب است؟ آیا اصلاً سگّه بهار آزادی زکات دارد یا خیر؟
ج: اگر سگّه بهار آزادی در موقعیت کنونی سگّه‌ی رایج معاملی محسوب نمی‌شود، زکات ندارد.

(استفتا، ۵۵۲۱)

۲. س: منظور از موسیقی لهُوی چیست؟ و راه تشخیص موسیقی لهُوی از غیر آن چیست؟
ج: موسیقی لهُوی آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع عُرف است.

(اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۳۰)

۳. س: غنا چیست؟ آیا غنا فقط شامل صدای انسان است یا این که شامل صداهای حاصل از آلات موسیقی هم می‌شود؟
ج: غنا عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیع همراه بوده و مناسب مجالس لهُو و گناه باشد که خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است.

(اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۳۳)

۴. س: خواهشمند است حکم آوازخوانی زنان در مجالس عروسی (غنا در شب زفاف) را بیان فرمایید.

ج: در غنا و موسیقی حرام (که عبارت است از آواز
لهوی مُضَلَّ عن سبیل الله) فرقی بین عروسی و غیر
آن نیست.
(استفتا، ۸۹۱۰۲۸)

۵. س: رقص زن در میان زنان یا محارم و همچنین
مرد در میان مردان یا محارم در عروسی‌ها چه
حکمی دارد؟

ج: رقص مرد بنا بر احتیاط واجب حرام است و رقص
زن برای زنان اگر عنوان لهو بر آن صدق کند مثل
اینکه جلسه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود
محل اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن است
و در حکم فوق تفاوتی بین مجلس عروسی و غیر
آن نیست.

(استفتا، ۸۹۱۰۲۸)

۶. س: مراجعه مؤمنین به بعضی از کسانی که
از طریق تسخیر ارواح و جن اقدام به معالجه
می‌کنند، با توجه به این که یقین دارند که آن‌ها
فقط کار خیر انجام می‌دهند چه حکمی دارد؟
ج: این کار فی نفسه اشکال ندارد، مشروط بر
این که از راه‌هایی که شرعاً حلال هستند، اقدام
شود.

(اجوبة الاستفتائات، س ۱۲۳۳)

۷. س: آیا هیپنوتیزم جایز است؟
ج: اگر به منظور غرض عقلایی و با رضایت کسی
که می‌خواهد هیپنوتیزم شود صورت بگیرد و همراه
با کار حرامی هم نباشد، اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتائات، س ۱۲۳۵)

۸. س: آیا تلقیح نطفه مردی اجنبی به همسر مردی که بچه دار نمی شود، از طریق قراردادن نطفه در رحم او جایز است؟

ج: تلقیح زن از طریق نطفه مرد اجنبی فی نفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آن ها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی شود بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.

(اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۷۵)

۹. س: اگر جنین تشکیل شده از يك زوج را در رحم زن اجنبی بکارند حکم شرعی آن چه خواهد بود؟ لطفاً احکام وضعی مسأله را هم بیان فرمایید.

ج: این عمل فی نفسه اشکال ندارد هر چند باید از لمس و نظر حرام اجتناب شود و فرزند ملحق به مرد و زن صاحب نطفه است و نسبت به آنان و اقارب آنان محرمیت ثابت می شود و نسبت به زن صاحب رحم هم باید احتیاط شود؛ البته اگر به مقدار مقرر شرعی - با رعایت شرایط آن - به بچه شیر دهد، محرمیت حاصل می شود.

(استفتا، ۵۵۳۴۵)

۱۰. س: انجام عمل جراحی برای الحاق فرد خنثی به زن یا مرد چه حکمی دارد؟

ج: این کار فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است

از مقدمات حرام پرهیز شود.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۸۰)

۱۱. ۱. آیا برای زنی که سالم است، جلوگیری از بارداری به طور موقت از طریق به کارگیری وسایل و موادی که از انعقاد نطفه جلوگیری می کنند، جایز است؟

۲. استفاده از یکی از دستگاه های جلوگیری از بارداری که چگونگی جلوگیری از حاملگی توسط آن تا به امروز معلوم نشده، ولی به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از بارداری شناخته شده است، چه حکمی دارد؟

۳. آیا جلوگیری دائم از حاملگی برای زنی که از خطر بارداری خوف دارد، جایز است؟

۴. آیا جلوگیری دائمی از بارداری برای زنانی که زمینه مساعدی برای به دنیا آوردن فرزندان معیوب یا مبتلا به بیماری های ارثی جسمی و روانی دارند، جایز است؟

ج: ۱. اگر با موافقت شوهر باشد، اشکال ندارد.
۲. اگر موجب از بین رفتن نطفه بعد از استقرار آن در رحم شود و یا مستلزم نگاه و لمس حرام باشد، جایز نیست.

۳. جلوگیری از بارداری در فرض مذکور اشکال ندارد بلکه اگر حاملگی برای حیات مادر خطر داشته باشد، باردار شدن به طور اختیاری جایز نیست.

۴. اگر با یک غرض عقلایی صورت بگیرد و ضرر قابل توجهی هم نداشته باشد و با اجازه شوهر باشد، اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۵۵)

۱۲. س: بستن لوله‌های منی مرد برای جلوگیری از افزایش جمعیت چه حکمی دارد؟
ج: اگر این کار با یک غرض عقلایی صورت بگیرد و ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد.

(اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۵۶)

۱۳. س: در مورد ازدواج دختران باکره که فرموده‌اید اذن پدر لازم است آیا این حکم فتوی است یا احتیاط؟
ج: اذن پدر در ازدواج دختر باکره به احتیاط واجب شرط است.

(استفتا، ۵۵۳۴۹)

۱۴. س: دختر بچه يك ساله‌ای را به فرزندى قبول کردم حال به دنبال راه حلی هستم که آن را مَحْرَم نمایم.
ج: می‌توانید آن دختر را با وجود مصلحت و اذن حاکم شرع به عقد موقت پدر خود درآورید.
(استفتا)

۱۵. س: آیا مهریه زن به نرخ فعلی است؟
ج: موارد مختلف است، اگر تفاوت قدرت خرید پول زیاد باشد باید تفاوت را بپردازد.

(استفتا، ۶۲۴۴۰)

۱۶. س: بعضی از افراد دچار ضایعات مغزی غیر قابل درمان و برگشت می‌شوند که بر اثر آن، همه



فعالیت‌های مغزی آنان از بین رفته و به حالت اغمای کامل فرو می‌روند و همچنین فاقد تنفس و پاسخ به محرکات نوری و فیزیکی می‌شوند، در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت‌های مذکور به وضع طبیعی کاملاً از بین می‌رود و ضربان خودکار قلب مریض باقی می‌ماند که موقت است و به کمک دستگاه تنفس مصنوعی انجام می‌گیرد و این حالت به مدت چند ساعت و یا حداکثر چند روز ادامه پیدا می‌کند. وضعیت مزبور در علم پزشکی «مرگ مغزی» نامیده می‌شود که باعث فقدان و از دست رفتن هر نوع شعور و احساس و حرکت‌های ارادی می‌گردد و از طرفی بیمارانی وجود دارند که نجات جان آنان منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است، بنا بر این آیا استفاده از اعضای مبتلا به مرگ برای نجات جان بیماران دیگر جایز است؟

ج: اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که در سؤال توصیف شده‌اند برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود جایز نیست، در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.

(اجوبۃ الاستفتاءات، س ۱۲۹۲)

۱۷. س: علاقمند هستم اعضای خود را هدیه کرده و از بدن من بعد از مردنم استفاده شود و تمایل خود را هم به اطلاع مسئولین رسانده‌ام. آنان نیز از من خواسته‌اند که آن را در وصیت‌نامه خود نوشته و ورثه را هم از خواست خود آگاه کنم، آیا چنین حقی

را دارم؟

ج: استفاده از اعضای میّت برای پیوند به بدن شخص دیگر برای نجات جان او یا درمان بیماری وی اشکال ندارد و وصیّت به این مطالب هم مانعی ندارد، مگر در اعضایی که برداشتن آن‌ها از بدن میّت، موجب صدق عنوان مُثله باشد و یا عرفاً هتک حرمت میّت محسوب شود.

(اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۹۳)

۱۱۵

فتاوی

راهنمای فتاوا

۱۸. س: آیا می‌توان با تشخیص قطعی بیماری در جنین‌هایی که دچار عیوب ژنتیک بوده یا مادر آن‌ها در طی بارداری بر اثر ابتلا به بعضی بیماری‌های عفونی بیمار شده‌اند قبل از دمیده شدن روح سقط نمود؟

لازم به ذکر است این کودکان از بدو تولد تا پایان عمر دائماً در وضع مشقّت باری به سر خواهند برد و خانواده و جامعه نیز بهای گزافی را از نظر روانی و مادی باید به دوش بکشد؛ و امروزه با روش‌های بسیار جدید پزشکی تشخیص دقیق این بیماری را در ابتدای حاملگی مادر می‌توان داد.

ج: اگر نگهداری و بزرگ کردن طفل معلول و عقب‌مانده و ناقص‌الخلقه برای والدین دارای زحمت و مشقّت بیش از متعارف باشد، به مقداری که در عسر و حرج واقع می‌شود، اسقاط جنین پیش از دمیده شدن روح در او مانعی ندارد.

(استفتا، ۵۹۰۳۴)

۱۹. س: آیا جایز است مؤلفان و مترجمان و صاحبان آثار هنری، مبلغی را در برابر زحماتشان و یا به عنوان



حق تألیف در مقابل تلاش و وقت و مالی که برای انجام آن کار صرف کرده‌اند، تقاضا نمایند؟
ج: آنان حق دارند در برابر واگذاری نسخه اول یا اصلی اثر علمی و هنری خود به ناشر، از وی هر مبلغی می‌خواهند، دریافت نمایند.

(اجوبه الاستفتائات، س ۱۳۳۷)

۲۰. س: تجدید چاپ کتاب‌ها و مقاله‌هایی که از خارج وارد شده و یا در داخل جمهوری اسلامی چاپ می‌شوند، بدون اجازه ناشران آن‌ها چه حکمی دارد؟

ج: مسأله تجدید چاپ کتاب‌هایی که در خارج از جمهوری اسلامی منتشر شده‌اند و یا تصویربرداری به طریق افست از آن‌ها، تابع قراردادهایی است که راجع به آن‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و آن دولت‌ها منعقد گشته است. و اما کتاب‌هایی که در داخل چاپ می‌شوند، احوط این است که حق ناشر با کسب اجازه از او نسبت به تکرار و تجدید چاپ کتاب رعایت شود.

(اجوبه الاستفتائات، س ۱۳۳۶)

۲۱. س: آیا چاپ کتاب بدون اجازه صاحب آن و با وجود عبارت «حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است»، جایز است؟

ج: احوط این است که حقوق مؤلف و ناشر با کسب اجازه از آنان برای تجدید چاپ، رعایت شود.

(اجوبه الاستفتائات، س ۱۳۴۱)

۲۲. س: آیا نسخه برداری از نرم افزارهای کامپیوتری جایز است؟ و بر فرض حرمت، آیا این حکم مختص نرم افزارهایی است که در ایران تولید شده یا شامل نرم افزارهای خارجی هم می شود؟

ج: احوط این است که در نسخه برداری و تکثیر نرم افزارهای کامپیوتری که در داخل تولید شده است، حقوق صاحبانشان از طریق کسب اجازه از آنان رعایت شود و در مورد خارج کشور، تابع قرارداد است.

(اجوبۃ الاستفتائات، س ۱۳۴۳)

۲۳. س: آیا برای مسلمانان خرید کالاهای اسرائیلی که در سرزمین اسلامی به فروش می رسند، جایز است؟

ج: بر آحاد مسلمین واجب است که از خرید و استفاده از کالاهایی که سود تولید و فروش آنها عاید صهیونیست ها که با اسلام و مسلمین در حال جنگ هستند، می شود، اجتناب کنند.

(اجوبۃ الاستفتائات، س ۱۳۴۹)

۲۴. س: آیا در قسامه يك فرد می تواند پنجاه قسم بخورد؟

ج: در موارد قسامه هر جا که عدد سوگندخوردگان کمتر از پنجاه نفر باشد (در طرف مدعی) اجرای حکم به استناد این قسامه محل اشکال جدی است.

(استفتا، ۴۶۲۱۲)



۲۵. س: اگر در قتل عمد، همه اولیای دم مقتول، صغیر یا مجنون باشند، آیا ولی قهری (پدر یا جد پدری) یا قیم انتخابی دادگاه، حق درخواست قصاص یا مطالبه دیه را دارند؟

ج: از مجموع ادله ولایت اولیای صغیر و مجنون چنین استفاده می‌شود که جعل ولایت برای آنان از طرف شارع مقدس به خاطر حفظ مصلحت مولی علیه است. بنابراین در مسأله‌ی مورد بحث که اولیای دم، صغیر و مجنون می‌باشند ولی شرعی آنان باید با ملاحظه غبطه و مصلحت آنان اقدام کند و انتخاب او نسبت به قصاص یا دیه یا عفو مع العوض یا بلاعوض نافذ است. بدیهی است که تشخیص مصلحت صغیر و مجنون باید با ملاحظه همه جوانب و از جمله نزدیک یا دور بودن او از سن بلوغ صورت گیرد.

(استفتا، ۷۶۳۸۵)

۲۶. س: در بین مردم باب شده که تعدادی از افراد (مثلاً بیست نفر) ماهیانه هر کدام ده هزار تومان طبق قراردادی که همه آن را قبول کرده‌اند روی هم می‌گذارند و هر ماه به یکی از افراد به قید قرعه کل مبلغ را برای رفع گرفتاری‌های مالی می‌دهند و فردی که پول را می‌گیرد همراه همان ده هزار تومان را تا تمام شدن قسط می‌دهد و بقیه نیز به قید قرعه و نوبت پول را می‌گیرند و هیچ‌گونه سود و یا کارمزد به هیچ‌کسی تعلق نمی‌گیرد. لطفاً حکم شرعی این مسأله را بفرمایید.

ج: مشارکت در قرض دادن به اعضای صندوق به

شرح فوق الذکر اشکال ندارد.

(استفتا، ۱۳۲۷)



استفتاءات جدید
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای
(مدظله العالی)





احکام طهارت

۱. اینجانب مدتها بود که در هنگام وضو، بعد از انجام مسح سر، با این احساس که دست راستم آب کافی برای انجام عمل مسح ندارد (بدون اینکه آب دستم خشک شده باشد)، دستم را به ریشم کشیده و عمل مسح پای راست را انجام می‌دادم به طوری که تقریباً این به یک عادت تبدیل شده بود. طی مطالعه‌ای که از استفتائات مقام معظم رهبری داشتم، فرموده بودند که «مسح پای راست باید با تری دست راست باشد و در صورت خشک شدن دست راست می‌تواند از آب ریش و یا ابرو جهت مسح استفاده نماید».

خواهشمند است بفرمایید با توجه به این که اینجانب دستم خشک نشده بود و از آب ریش استفاده نمودم، آیا وضوهایی که گرفتم، صحیح بوده است یا خیر؟

بسمه تعالی

وضوها و نمازهای گذشته محکوم به صحت است، ولی بعد از این چنین کاری نکنید.

۲. اگر انسان موقع مسح پا احتمال می‌داده که تری دست برای مسح پا کافی نبوده و از دستهای تری



می‌گرفته، آیا وضوهایی که به این نحو ساخته،
باطل هستند؟

بسمه تعالی

وضوهای سابق اشکال ندارد ولی بعد از این، دقت کنید.

۳. مادر بزرگم تازه در ناحیه کمر عمل کرده و قادر نیست به هیچ وجه خم بشود و حتی نمی‌تواند پایش را خم کند و کسی هم نیست که برای او مسح بکشد. حال، سؤال این است او باید چگونه وضو بگیرد و مسح کند؟

بسمه تعالی

اگر خودش نمی‌تواند پاهایش را مسح کند و کمک گرفتن از دیگری هم برایش میسر نیست، مسح پا ساقط است.

۴. در حدود ۲ سال پیش در رساله چند مرجع، فتوای حضرت آقا در مورد رعایت ترتیب بین راست و چپ در غسل را این گونه یافتیم که این رعایت بنا بر احتیاط واجب است. آن احتیاط را به مرجع دیگری که رعایت ترتیب را احتیاط مستحب می‌دانست، عدول کردم. حالا فهمیدم که فتوای آقا وجوب رعایت ترتیب است، تکلیف من نسبت به نماز و روزه‌هایم در طول این دو سال چگونه است؟

بسمه تعالی

نماز و روزه‌های گذشته محکوم به صحت است.

۵. در اثناء غسل حدث اصغر سر زده، بعد از آن، غسل را رها کرده و مجدداً سر و گردن و سمت راست و چپ را غسل داده‌ام، بعد با همین غسل نماز خواندم. آیا نماز صحیح بوده است یا باطل؟ در صورت بطلان، آیا باید قضا شود؟

بسمه تعالی

رها کردن غسل و استیناف مجدد در فرض سؤال، صورت شرعی ندارد، بلکه باید همان غسل را تمام کند لکن به جهت حدوث حدث اصغر در اثناء برای نماز باید وضو بگیرد و اگر غیر از این عمل کرده باید نمازهایی که بدون وضو خوانده، اعاده یا قضا کند.

۶. در انجام تیمم بعد از مس پیشانی، یک بار دست‌ها بر خاک زده شده و دست راست مسح شده و بار دیگر دست‌ها بر خاک زده شده و دست چپ مسح شده، در واقع در انجام تیمم پیش از هر مسح، یک بار دست‌ها بر زمین زده شده‌اند. انجام چنین تیممی و نمازهایی که با آن خوانده شده، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی

در فرض مذکور، نمازهایی که خوانده، قضا ندارد ولی بعد از این، این گونه تیمم نکند.

۷. إذا استيقظت المرأة من النوم بعد طلوع الشمس و رأت دم الحيض و لم تعلم أنه نزل بها قبل الفجر أم بعده، فهل يجب عليها قضاء صلاة الفجر لذلك اليوم؟

بسمه تعالی

فی فرض السؤال، يجب علیها قضاء صلاة الفجر من ذلك اليوم.

۸. اگر نام خداوند و ۱۴ معصوم به زبان عربی نباشد و به انگلیسی یا زبانهای دیگر باشد، آیا فرد باید قبل از لمس نامهای خدا و ۱۴ معصوم، وضو بگیرد؟

بسمه تعالی

مسّ لفظ جلاله به هر لسانی باشد، بدون وضو جایز نیست و اما مسّ نام مبارک ائمه معصومین (علیهم السلام) به زبانهای غیر عربی یعنی غیر زبان اصلی اشکال ندارد اگرچه مراعات احتیاط خوب است.

۹. کسی که قادر به مسح کردن پا نیست (به علت میله گذاشتن در پایش) و همیشه هم قادر به گرفتن نایب نیست، چه باید بکند؟ در ضمن به خاطر جهل به مسأله و همچنین دشواری دسترسی به مسائل شما، تیمّم می کرده، تکلیفش چیست؟

بسمه تعالی

اگر توان مسح پا را به هیچ وجه ندارد و نمی تواند نائب هم بگیرد، مسح پا ساقط است، و اگر نمازش را بر خلاف وظیفه ای که داشته، انجام داده است باید قضا کند.

۱۰. خانمی پس از هفت روز خون دیدن و هفت روز پاکی، مجدداً هفت روز دیگر خون می بیند؛ (الف) آیا این شخص می تواند اقلّ طهر را با ۳ روز از خون دوّم که نشانه های حیض را دارد، کامل کند و ما

بقی را با وجود شرایط، حیض قرار دهد؟

ب) در صورتیکه هفت روز دوّم بدون صفات حیض باشد، حکم چگونه است؟

بسمه تعالی

با فرض فاصله شدن کمتر از ده روز بین دو خون، خون دوّم در هر صورت محکوم به استحاضه است.

۱۱. من در غرب زندگی می‌کنم و اشتباهاً دو بسته کیک خریدم که محتوای آن الکل هم است. از آنجا که پول هزینه کردم، آیا جایز است آن را به خانواده‌ام که مسیحی هستند، بدهم که بخورند یا باید آن را دور بریزم؟

بسمه تعالی

خوراندن غذایی که محتوی الکل مست‌کننده و در اصل مایع است، به دیگری هر چند غیر مسلمان باشد، جایز نیست.

۱۲. اگر کسی احتمال بدهد یا یقین داشته باشد که در همراهی با یک گروه کوهنوری، به جایی خواهد رسید که آبی برای حفظ طهارت و وضو پیدا نخواهد کرد و وقت نماز هم می‌گذرد. آیا می‌تواند به این برنامه کوهنوردی برود یا نباید برود؟ ضمناً این موضوع در اکثر برنامه‌های کوهنوردی وجود دارد.

بسمه تعالی

اگر قبل از وقت نماز، عازم کوهنوردی شود اشکال ندارد و چنانچه در وقت نماز، آب برای وضو پیدا نکند و با تیمّم نماز بخواند مانع ندارد.



۱۳. متمتع بها اگر مستقیمة الحیض نباشد و فاصله دو حیض او چندین ماه طول بکشد، آیا در حکم من لا تحیض است که باید ۴۵ روز عده نگهدارد و یا در حکم من حیض است که باید دو حیض ببیند؟

بسمه تعالی

اگر حیض می بیند ولو با فاصله طولانی، باید تا عادت صبر کند.

۱۴. مدتی است در آرایشگاه زنانه روی مژه، ابرو، ناخن و کار می کنند. مثلاً ناخن مصنوعی روی ناخن می چسبانند که حدوداً تا ۶ ماه قابل جدا کردن نیست، یا روی پلک مژه مصنوعی قرار می دهند که قابلیت نصب، گذاشتن و برداشتن را دارد. لطفاً بفرمایید حکم انجام این کار برای زن آرایش شونده و آرایشگر چیست؟

بسمه تعالی

فی نفسه مانع ندارد البته باید از نامحرم پوشانده شود و برای غسل و وضو، اگر رفع حاجب حرجی باشد، حکم جبیره مترتب است.

۱۵. افرادی که صورت و دستهای خود را با روغن چرب می کنند، آیا برای وضو و غسل باید برطرف کنند؟

بسمه تعالی

اگر به نحوی باشد که مانع از وصول آب به بشره گردد، باید آن را برای وضو یا غسل برطرف کند.

۱۶. هل يجوز الوضوء من الماء (ماء زمزم) الذي تمّ إعداده مسبقاً لشرب الزوّار و الحجاج أم لا؟ أم ان هناك تفصيلاً في الأمر؟

بسمه تعالی

لابأس بالوضوء بماء زمزم الذي تمّ اعداده في المسجد الحرام لاستفادة الحجاج و أما ماء زمزم المسبّل لشرب الحجاج الذي یصبّونه فی الثلاثات المحطوطة فی اطراف المسجد فيشكل الوضوء منه.

۱۷. اگر خمر و یا الکل به وسیلهٔ علاجی تبدیل به سرکه شود، آیا آن سرکه پاک و حلال است یا نه؟

بسمه تعالی

میزان تحقّق تبدّل به سرکه است خواه خود به خود تبدّل پیدا کند یا با علاج شیمیایی و مانند آن. همین که حقیقت سرکه تحقّق پیدا کند، پاک و حلال است.

۱۸. اینجانب در سن ۵۱ سالگی هستم. بعد از امام خمینی (رحمه الله علیه) جنابعالی را به عنوان مرجع خود انتخاب کرده‌ام. بعد از ۵۰ سالگی به وظیفهٔ استحاضه عمل می‌کنم ولی برای من از نظر جسمی مشکل ایجاد می‌کند. آیا می‌توانم فقط در همین مسأله به مرجع دیگری رجوع کنم که ایشان در مسائل یائسگی، بعد از ۵۰ سال را حیض حساب می‌کند؟

بسمه تعالی

ما در تعیین حدّ دقیق سنّ یائسگی بانوان تأمل داریم و احتیاط در این باره را لازم می بینیم. بانوان می توانند در این مسأله به مجتهد جامع الشرایطی که فتوای مشخصی در این باره دارد مراجعه نمایند.

۱۹. اگر نصف صورت میّت کنده شده باشد و نصف پیشانی مانده باشد و خون صورت بعد صبر هم بند نیاید، در این حالت لطفاً کاملاً نحوه غسل میّت را توضیح دهید. اگر همین حالت کنده شدن صورت با بندنیامدن خون باشد ولی کلّ پیشانی موجود باشد، چطور؟

ما این میّت را این طور غسل دادیم که به کلّ سرش تا گردن پلاستیک وارد کردیم و از روی همان پلاستیک غسلش دادیم. آیا باطل است و باید نبش قبر کرد؟ در ضمن شک داشتیم که کلّ پیشانی مانده یا نه، چون یکبار نگاه کردیم و نتوانستیم دقیق نگاه کنیم، تکلیفمان چیست؟

بسمه تعالی

غسل جبیره ای درباره میّت مورد ندارد. در مثل مورد سؤال باید میّت را به جای غسل تیمّم دهند. اگر میّت را دفن کردند و نبش قبر موجب هتک حرمت میّت یا اذیت زنده ها در اثر بوبرداشتن جنازه است، در این صورت تکلیف به نبش قبر و تدارک تیمّم ندارند.

۲۰. برای مسح پاها رطوبت کافی در کف دستانم

نمی‌ماند، لذا از دست‌ها رطوبت می‌گیرم تا اینکه فهمیدم نظر آقا این است که باید از ابرو یا ریش رطوبت بگیرم. حال، آیا چنین وضویی صحیح است؟ و آیا وضوهای قبلی من باطل بوده؟

بسمه تعالی

وضوهایی که تا قبل از فهمیدن مسأله انجام داده‌اید، محکوم به صحت است ولی بعد از فهمیدن مسأله باید طبق فتوا عمل نمائید.

۲۱. آیا می‌توان برای اجساد مسلمانان مالیتی قائل شد؟ در غیر اینصورت دریافت مبالغی توسط ورثه میت پس از فروش یا اهدای اعضای میت چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی

اجساد مسلمانان مالیت ندارد و قابل خرید و فروش نیست ولی اگر خود شخص در حال حیات بخواهد در برابر دریافت پولی، بعضی از اجزاء بدن خود را واگذار کند، اشکال ندارد.

۲۲. در شب اول قبر، ماندن در کنار قبر و خواندن قرآن و نماز چه حکمی دارد؟ آیا اثر و اهمیت کمک و حمایت از میت به منظور آرامش و دوری از تنهایی در شب اول قبر را دارد؟

بسمه تعالی

خیرات، از نماز و قرائت قرآن برای میت سودبخش است اما ماندن در کنار قبر و خواندن نماز و قرآن در آنجا وجهی ندارد.



احکام نماز

۲۳. ۱. آیا در نماز نافله در حال استقرار و اختیار

می‌توان رکوع و سجود را با ایما و اشاره انجام داد؟

بسمه تعالی

در حال استقرار در مکانی باید هم قبله را مراعات

کند و هم رکوع و سجود را به نحو صحیح انجام

دهد ولی مانع ندارد نافله را در حال اختیار هم

نشسته بخواند.

۱۳۲



راهنمای فتاوا

۲۴. ۲. هل المناطق فی السفر الشغلی أن یسافر

إلی عمله مرة کل عشرة أيام أو المناطق أن لا یشقی

فی مکان واحد عشرة أيام حتی وإن کان یسافر

الی عمله مرة کل ۱۵ يوماً أو عشرين يوماً أو شهراً أو

شهرین؟

بسمه تعالی

المناطق ان لا یقیم فی مکان واحد عشرة ايام بین

سفرتین للشغل و ان کان سفره للشغل یفصل عن

سفره السابق للشغل بأزید من عشرة ايام.

۲۵. ۳. اخیراً شنیده شد که نظر مبارک در باب کسی

که نمازش را به جماعت خوانده است، این است

که اعاده آن نماز به جماعت دیگر اماماً و مأموماً

وجهی ندارد. خواهشمند است در این خصوص

و اینکه اگر جماعت دوم از جهاتی رجحان داشته

باشد، آیا حکم همین است یا خیر؟ نظر مبارک را امر

به ابلاغ فرمایید.

بسمه تعالی

نمازی که فرادا خوانده، می تواند با اقتداء به امام جماعتی اعاده نماید، و نمازی را که برای جماعتی امامت کرده، می تواند یک بار دیگر برای جماعت دیگر امامت کند، در غیر این دو صورت اعاده وجهی ندارد هر چند جماعت دوّم دارای رجحانی باشد.

۱۳۳

فتاویٰ

راهنمای فتاوا

۲۶. ۴. مقدار فاصله زن با مرد از طرف جلو با فرض

تقدّم زن برای نماز چه مقدار است؟

بسمه تعالی

با فاصله ولو به مقدار حداقل یک وجب، نماز صحیح است هر چند زن مقدّم باشد. این حکم مبنی بر احتیاط واجب است و رعایت آن در مسجدالحرام لازم نیست.

۲۷. ۵. لطفاً شرایط و حکم تشخیص کثیر السفر

را بیان فرمایید.

بسمه تعالی

مجرّد کثرت سفر، موضوع حکم شرعی نیست. اگر برای شغل خود بین محل سکونت و محل کار تردد می نماید، در صورتی که اینچنین سفر مکرّر شود و ده روز در یک جا نماند، نماز و روزه اش در محل کار و بین راه و محل سکونت تمام است.

۲۸. ۶. گاهاً ما نظامیان برای مدّت طولانی بنا به

دستورات نظامی می بایست در محلی خارج از وطن



خود اقامت کنیم که این مدّت در برخی موارد به کلّ ۳۰ سال خدمت موظّفی نیز به طول می‌انجامد، و در ابتدای امر نیز تشخیص اینکه چندین سال در آن مکان به جهت شغل خود، حضور خواهیم داشت نامعین و نامشخص است. حال، آیا این گروه نظامیان با شرح فوق در محل اشتغال به کارشان نیازمند قصد اقامت هستند؟

بسمه تعالی

ماندن در محل کار ولو به مدّت طولانی موجب ترتّب حکم وطن نیست بلکه در صورت سفر از محل کار، در برگشت نیاز به قصد اقامت دارند.

۲۹. ۷. در فرض سؤال قبل، گروهی از همکاران محل اقامتشان در شهری واقع شده است که با شهر محل کارشان بیش از مسافت شرعی فاصله است و هر روز جهت کار بین دو شهر که هیچکدام آن دو شهر نیز وطن او نمی‌باشد، تردد می‌نماید. حکم نماز و روزه این گروه در شهر محل کار، شهرستان محل سکونت و بین آن دو شهر چیست؟

بسمه تعالی

با فرض اینکه بین محل کار و محل سکونت تردد مکرّر دارند و ده روز در یک جا نمی‌مانند، نماز و روزه‌شان در محل کار و بین راه و محل سکونت تمام است.

۸.۳۰. آیا وطن زن، تابع شوهر است؟

بسمه تعالی

اگر مستقل در تصمیم‌گیری در زندگی باشد، تابع نیست.

۹.۳۱. کسی که سفر شغلی حداقل هر ده روز یک

بار انجام می‌دهد، تا چه مدّت آن را ادامه دهد تا

حکم سفر شغلی بر آن مترتب شود؟

بسمه تعالی

میزان، صدق تکرّر سفر برای شغل است. همین که کاری که برای آن سفر می‌کند، شغل او محسوب باشد ولو شغل دو سه ماهه، و برای آن بدون تخلّل اقامت ده روز در یکجا مکرراً مسافرت می‌کند، در سفر سوّم نمازش تمام است.

۱۰.۳۲. کسی که جایی را به عنوان وطن انتخاب

کرده، چه مدّت زمانی در آنجا بماند حکم وطن بر

آن مترتب است؟

بسمه تعالی

به مقداری که عرفاً صدق کند آنجا را وطن اتخاذ نموده، مثل دو سه ماه یا حتی کمتر به نحوی که عرفاً اهل آنجا محسوب شود.

۱۱.۳۳. کسی که می‌خواهد سالیانی در مکانی

بماند، تا چه مدتی بنای ماندن آنجا را داشته باشد،

حکم وطن را دارد؟ و آیا بین ماندن در آنجا برای

زندگی یا برای کار یا هر دو، تفاوتی وجود دارد؟



بسمه تعالی

اگر بنای زندگی در آنجا را به مدّت هفت، هشت سال داشته باشد، برای حکم ترتّب وطن کافیهست. ولی اگر برای کاریا امر دیگری غیر از زندگی در آنجا، مدّتی بخواهد بماند، حکم وطن مترتّب نیست.

۱۲. ۳۴. خواهشمند است در مورد سفر برای شغل

که فرمودید «در سفر سوّم، نماز تمام است»،

بفرمایید:

شخصی که مکرّر برای شغلش مسافرت می‌کند،

اگر ۱۰ روز در وطن و یا در جای دیگر اقامت کند، آیا

در این مورد هم در سفر سوّم نمازش تمام است و یا

اینکه پس از اقامه ۱۰ روز، فقط در سفر اوّل نمازش

قصر می‌باشد؟

بسمه تعالی

در صورت اقامت ده روز در یک محل در بین

سفرهای شغلی، فقط در سفر اوّل بعد از اقامت ده

روز، نمازش قصر است.

۱۳. ۳۵. اگر دو محل اقامه نماز جمعه دارای دو

طریق تردد عابرین باشد که فاصله در یک طریق

کمتر از یک فرسخ شرعی باشد، آیا اقامه نماز جمعه

در هر دو محل صحیح است؟

بسمه تعالی

با فرض فاصله بین دو محل اقامه نماز جمعه به

کمتر از یک فرسخ شرعی ولو از یکی از دو طریق

متعارف تردد بین دو محل، بیش از یک نماز جمعه

صحیح نیست.

۳۶. ۱۴. هل يجب على المقلّدت السيد القائد اللواتي كنّ لا يأتين بالصلاة الزلزلة التي حصلت وقت الحدث بعد الطهر على اعتقاد عدم الوجوب ان يتداركنها الآن فيحسبن ما فاتهن سابقاً ويأتين به؟
بسمه تعالى

لا تجب عليهن صلاة الزلزلة في مفروض السؤال و ان كان الاحوط اتيانها بعد الطهر و الطهارة.

۳۷. ۱۵. آیا می توان در قرائت سوره حمد نماز و یا در سایر بخش های نماز، قصد انشاء داشت؟
بسمه تعالى
با قصد قرآنیت، قصد انشاء مانع ندارد.

۳۸. ۱۶. آیا در نمازهای مستحبی (نوافل و ...) جلوس بین سجدتین هم شرط است؟
بسمه تعالى
به مقدار حصول فصل بین سجدتین لازم است.

۳۹. ۱۷. اگر کسی به نمازگزاری به زبانی غیر عربی سلام بگوید، مثلاً به انگلیسی سلام بگوید، وظیفه نمازگزار چیست؟
بسمه تعالى
احتیاط در ترک جواب چنین سلامی است.

۴۰. ۱۸. آیا کسی که به علت عارضه بیماری نمازش را نشسته می خواند، می تواند نمازهای قضای پدرش را که از دنیا رفته با همین حالت بخواند یا

باید اجیر بگیرد؟

بسمه تعالی

اگر مأیوس از خوب شدن باشد، مانع ندارد.

۴۱. ۱۹. کسانی که بین محل کارشان و محل سکونتشان کمتر از مسافت شرعی است، مثلاً کسی که اهل تهران است و برای مدتی در ارتباط با شغلش، برای کار در بوشهر منزل گرفته است و در ۱۵ کیلومتری آن، محل کارش است و هر روز این مسافت را تردد دارد، حکم نماز آنان چگونه است؟

بسمه تعالی

در غیر سفر اول (و دوم در ابتدای کار) سفر شغلی محسوب می شود و در محل سکونت، محل کار و بین آن دو، نماز تمام است.

۴۲. ۲۰. اگر پس از بازگشت به وطن یا شهر دیگر (بدون ماندن ده روز) که به بوشهر برمی گردد، یکی دو روز زودتر می رود به محل سکونت خود، حکم چگونه است؟

بسمه تعالی

آن هم سفر شغلی محسوب می شود.

۴۳. ۲۱. آیا نافله عشاء (وتیره) را می شود در سفر خواند؟

بسمه تعالی

احتیاط در ترک آن است.

۴۴. ۲۲. می‌خواستم نظر آقا را در مورد خرید و فروش در هنگام نماز جمعه بدانم، آیا حرام است؟
بسمه تعالی
در زمان حاضر حرمت شرعی ندارد.

۴۵. ۲۳. شخصی نماز ظهر و عصرش را نخوانده است، اگر یقین کند که فقط به اندازه چهار رکعت تا غروب وقت دارد و نماز عصرش را بخواند ولی پس از نماز متوجه شود که هنوز وقت دارد؛
صورت اول این که به اندازه هشت رکعت وقت داشته باشد.

صورت دوم این که فقط به اندازه چهار رکعت فرصت باقی باشد.
بسمه تعالی

در هر دو فرض، نماز ظهر را بخواند و چیزی بر او نیست.

۴۶. ۲۴. آیا می‌توان برای چند بار خواندن یک سوره فقط یک «بسم الله الرحمن الرحيم» گفت، یا باید برای هر بار خواندن سوره، یک «بسم الله» جدید گفته شود؟

به عنوان مثال: در نماز حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که ۵۰ بار سوره توحید باید خواند، آیا می‌توان فقط برای اولین باری که سوره توحید خوانده می‌شود، «بسم الله» گفت و مابقی را بدون آن خواند، یا برای هر ۵۰ بار باید «بسم الله» گفت؟

بسمه تعالی

باید برای هر بار، «بسم الله...» را تجدید کند.

۲۵. ۴۷. در قنوت نمازها بدون علم به حکم، قبلاً

به اُبی عبدالله (علیه السلام) سلام می‌دادم، حکم

نمازهای گذشته چیست؟

بسمه تعالی

نمازهای گذشته محکوم به صحت است.

۲۶. ۴۸. آیا بستن چشم برای نمازگزار در حال

رکوع کراهت دارد؟

بسمه تعالی

بستن چشم در رکوع کراهت ندارد و در رعایت

استحباب، نمازگزار مختیر است بین نگاه کردن به

بین القدمین یا بستن چشم.

۲۷. ۴۹. برخی افراد در نماز جماعت ظهر و عصر

هنگامی که امام جماعت برای شروع سوره،

بسم الله را بلند می‌گوید، می‌گویند الحمد لله ربّ

العالمین. این عمل چه صورت دارد؟

بسمه تعالی

استحباب گفتن «الحمد لله» در پایان سوره

حمد، مختصّ به کسی است که سوره حمد را

قرائت نموده. خواه امام باشد در جماعت و یا فرادا

می‌خواند. و یا اینکه آن را شنیده است (مأموم).

۲۸. ۵۰. اگر کسی ندانسته بعد از سجده سهو

فقط سلام بدهد و تشهد را نخواند، آیا نمازش باطل

است یا نه؟

بسمه تعالی
نمازش باطل نیست، ولی سجده‌های سهو گذشته
را باید قضا کند.

۵۱. ۲۹. شنیده‌ام مقام معظم رهبری در مسأله سفر
تحصیلی احتیاط دارند. بفرمایید تکلیف مقلّدين
ایشان در این مسأله چیست؟

بسمه تعالی
مقلّدين معظم له می‌توانند در این مسأله، با رعایت
شرائط، به مجتهد دیگر رجوع نمایند.

۵۲. ۳۰. هل يستطيع المكلف ان يتخذ موطنين
اتخاذيين عدا الموطن الأصلي وما حكم الأكثر؟

بسمه تعالی
يمكن أن يكون للإنسان وطنان فعليّان اتّخاذيان،
و لو شاء ان يتخذ الوطن الثالث بحيث يعيش في
كلّ واحدٍ من الثلاثة أربعة أشهر في كلّ سنةٍ فهو
منوط بالصدق العرفي والآ فمحل اشكالٍ.

۵۳. ۳۱. آیا نماز قضای پدر و مادر را می‌توان به
صورت نشسته خواند؟

بسمه تعالی
نماز قضای پدر و مادر را نمی‌شود نشسته خواند
ولی کسی که شرعاً تکلیف قضای آن را دارد، اگر
ایستاده نمی‌تواند و از خوب شدن هم مایوس باشد،
نشسته خواندن از او صحیح است.



۵۴. ۳۲. یکی از برادران دینی در خارج از کشور در اداره دولتی کار می‌کند (وزارت کشور) و در این اداره به او اجازه نماز خواندن نمی‌دهند و اگر ببینند نماز می‌خواند، از کار اخراجش می‌کنند. وظیفه این شخص چیست؟

بسمه تعالی

اگر به هیچ وجه اجازه نماز نمی‌دهند، باید برای حفظ نماز کار را ترک کند.

۵۵. ۳۳. کسی که در سجده دوم نماز جماعت شک کند که آیا هنگامی که امام از سجده اول بلند شد و دوباره به سجده رفت، تبعیت کرده یا هنوز در سجده اول باقی مانده، تکلیفش چیست؟

بسمه تعالی

در فرض مرقوم، تبعیت از امام را ادامه دهد و تکلیف دیگری ندارد.

۵۶. ۳۴. اگر فردی در نماز جماعت موقعی که یک رکعت عقب افتاده، اگر حالت تجافی را عمداً یا سهواً رعایت نکند، آیا نمازش باطل است؟

بسمه تعالی

با ترک تجافی، نماز باطل نمی‌شود.

۵۷. ۳۵. در نماز جماعت همانند حرم مطهر رضوی و یا نماز جمعه که گاهی اتفاق می‌افتد که اتصال آقایان به جماعت توسط بانوان انجام می‌گیرد، چه صورت دارد؟

بسمه تعالی
اشکال ندارد.



احکام روزه

۵۸. ۱. بیماری تالاسمی دارم و مجبورم که خون بزنم، روزه‌ام را گرفته‌ام. آیا روزه‌ام درست است یا این که باید قضای آن را بجا بیاورم؟

بسمه تعالی

تزریق خون به احتیاط واجب موجب بطلان روزه است.

۵۹. ۱. ۲. لو انه اراد الصوم المستحب و قد طلعت الشمس و يعلم انه يسافر بعد قليل و قبل الزوال هل يمكنه ان ينذر للصوم في وقته و يصوم و لا يضّر السفر بصومه؟

۲. لو كان في سفر و كان نهراً و يريد الصوم المستحب فهل يكفيه ان ينذر بالصوم و هو في النهار و مسافر و يصوم مباشرة و يصح منه الصوم؟
۳. هل يشترط في الصوم النذري (لله على ان أصوم هذا اليوم) ان يكون النذر قبل الفجر ام يجزى حتى لو حصل بعد طلوع الفجر و اى وقت مطلقاً قبل الغروب؟

بسمه تعالی

لابدّ في نذر الصوم ان يكون النذر قبل طلوع فجر



یوم الصوم و فی الحضر علی الاحوط، فلا یصحّ النذر
فی النهار بالنسبة لصوم ذلک الیوم، و لانذر الصوم
فی السفر فی حال السفر علی الاحوط الوجوبی.

۳.۶۰. در ماه مبارک رمضان، روزه یک روز من باطل
شد که باید به جای آن ۶۱ روز کفاره آن را بگیرم که
۳۰ روز آن پشت سر هم باشد. من همه روزه‌های
کفاره را گرفته‌ام اما مطمئن نیستم که ۳۰ روز
پشت سر هم گرفته‌ام یا ۳۱ روز. اکنون تکلیف من
چیست؟

بسمه تعالی

اگر روزه‌های کفاره را گرفته‌اید، و در وقت
روزه گرفتن متوجه بودید که ۳۱ روز آن باید پشت
سر هم باشد، شک و تردید فعلی اعتبار ندارد.

۴.۶۱. هل یصحّ الصوم بالنذر و انا عندی قضاء؟
مثلاً ان انذر ان اصوم فی یوم عرفة اذا الله یسرّها
لی و کنت عند السیدة الزینب (سلام الله علیها) لاننی
اکون بحکم مسافر، و انا کما ذکرتم عندی قضاء
فرجاء توضیح الامر و لکم الاجر انشاء الله.

بسمه تعالی

لو نذرت و انت فی الحضر ان تصوم فی یوم معین
فی السفر، صحّ نذرك و صومک النذری، و ان کان
علیک قضاء صوم الواجب.

۵.۶۲. شخصی که مفطری انجام نداده، در سفر در
ساعت ده مثلاً نذر می‌کند که امروز را روزه می‌گیرم.

آیا نذر او صحیح است یا باید نذر قبل از سفر و قبل از
طلوع فجر باشد؟

بسمه تعالی

در روزه مستحبی در سفر که با نذر، صحیح است،
مشروط است به این که نذر در حَضَر منعقد شده
باشد، علی الاحوط الوجوبی.

۶۳. ۶. هل الحامل، و كذلك المرضع سواء خافتا
على انفسهما أو ولدهما و تركا الصيام و لم يزل
عذرهما (حتى رمضان الثاني)، و جب عليهما اعطاء
فديتين على كلّ يوم: فدية للرخصة في الافطار، و
فدية لاستمرار العذر و عدم التمكن من القضاء؟

بسمه تعالی

مع فرض بقاء عذرهما الى رمضان القادم ليست
عليهما الا فدية واحدة.

۶۴. ۷. في حالة تعدد الآفاق فإذا صام الشخص
بداية شهر رمضان في المنطقة التي ثبت فيها شهر
رمضان أولاً ولكن قبل نهاية شهر رمضان سافر الى
المنطقة التي تأخر فيها شهر رمضان بيوم حسب
أفقه، وقضى بقية الشهر في المنطقة الثانية وصادف
في تلك السنة ان شهر رمضان هو اكمال عدة ۳۰
يوماً ففي هذه الحالة يكون اليوم الاخير من رمضان
بالنسبة له هو ۳۱. فهل سيصوم أم يفطر؟

بسمه تعالی

لو وصل الى بلد بقي فيه من شهر رمضان يوم و جب
عليه ان يصوم و إن صار شهر رمضان بالنسبة لليوم



الذی صام فیه فی بلده واحداً و ثلاثین یوماً.

۸.۶۵. روزه مسافری که صبح به مقدار بیشتر از حد شرعی (سی کیلومتر) از وطن خود دور می شود، اگر قبل از ظهر برگشت ولی شک دارد که به اذان ظهر رسیده یا نه، حکمش چیست؟

بسمه تعالی

در صورت شک، روزه صحیح است.

۹.۶۶. اگر روزه در ماه رمضان برای خود زن حامل یا شیرده ضرر دارد و این ضرر داشتن تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند، آیا این هم حکم بیمار را دارد و قضا ساقط است و پرداخت فدیة کفایت می کند؟

بسمه تعالی

حکم بیمار را دارد.

۱۰.۶۷. با توجه به اینکه امروزه برای تنظیم کارهای روزانه از ساعت استفاده می شود و در شهرها معمولاً به دلیل ساختمانهای بلند، دیدن طلوع فجر امکان ندارد، در صورتی که فردی با اعتماد به ساعتش که ساعت چهار را نشان می داده است مشغول خوردن سحری شود و بعد معلوم شود که باطری ساعت تمام شده و در واقع ساعت چهار و ربع بوده است. آیا روزه چنین فردی صحیح است؟ همچنین اگر فردی در اثر خطای چشم ساعت پنج را تصور کرده که ساعت چهار صبح است و مشغول خوردن

سحری می شود و بعد متوجّه اشتباهش می شود و
می فهمد بعد از طلوع فجر خورده است؟

بسمه تعالی

در هر دو صورت، اگر با اعتماد بر ساعت، اطمینان
به بقاء شب داشته است و بعداً کشف خلاف شده
است، روزه اش در ماه مبارک رمضان صحیح است.

۶۸. ۱۱. اشخاصی که به جهت کارشان ناچار به
افطار روزه هستند، آیا از اوّل صبح می توانند افطار
کنند یا از اوّل روز باید امساک کنند و هر وقت حرجی
شد، می توانند افطار نمایند؟

بسمه تعالی

تا روزه حرجی نشده نمی توانند افطار کنند و باید
عنوان حرج حاصل شود تا مجوّز افطار داشته باشد.

۶۹، ۱۲. شخصی که روزه معینی بر عهده او می باشد
و یا اینکه چند روز قضا دارد و وقت آن ضیق شده
است، می تواند به سفر برود؟ و اگر در سفر است، آیا
لازم است قبل از ماه رمضان از سفر مراجعت کند و
روزه هایش را بگیرد؟

بسمه تعالی

رفتن به سفر برای او اشکال ندارد و اگر در سفر است
لازم نیست مراجعت کند که آن روز یا چند روز را
روزه بگیرد؛ چون کسی که در سفر است، روزه از او
برداشته شده است همانند ماه مبارک، و تفاوتی هم
بین اقسام روزه نیست.



۷۰. ۱۳. آیا پسر ارشدی که پدرش فوت نموده و روزه قضا داشته، می تواند روزه مستحبی بگیرد؟
بسمه تعالی
مانع ندارد.

۷۱. ۱۴. در اقسام روزه های حرام می فرمایند: روزه زوجه اگر مزاحم حق زوج باشد، و روزه فرزند اگر موجب اذیت ورنج پدر و مادر گردد؛
حال، سؤال این است که این روزه فقط شامل روزه مستحبی است یا شامل روزه واجب موسّع هم می شود؟
بسمه تعالی
شامل روزه واجب نمی شود.



احکام خمس

۷۲. ۱. اگر شخصی مغازه یا کامیون یا زمین کشاورزی و امثال آن داشته است و در اولین سال خمسی یا بعد از چند سال خمس آن را پرداخت نموده است و در ابتدای خرید هم قصد فروش نداشته است بلکه قصد او از خرید استفاده از منافع آنها بوده ولی پس از چند سال آن ملک را فروخته است. حال، سؤال این است که آیا ترقی قیمت آن در فرض فروش متعلق خمس است و یا اینکه مسأله صورت دیگری دارد؟

بسمه تعالی

در فرض سؤال تفاوت قیمت خرید و فروش، جزو درآمد سال فروش محسوب می‌شود که اگر تا سر سالِ خمس، صرف در مؤونه نشود، متعلق خمس است.

۲۷۳. با توجه به نظر مبارک حضرتعالی در مورد خمس ترقی قیمت سوقیه، سؤالات ذیل مطرح است. لذا خواهشمند است پاسخ را امر به ابلاغ فرمایید و یا اگر مقدور است امر فرمایید وقتی جهت دریافت جواب در نظر گرفته شود:

۱. آیا ترقی قیمت سوقیه که پس از فروش از ربح سال محسوب می‌شود، شامل اموالی که بدون معاوضه مالک شده از قبیل ارث، مهریه و هبه هم می‌شود یا خیر؟

بسمه تعالی

در مال موروث و موهوب و امثال آن، اگر آن را سرمایه قرار داده باشد، ارتفاع قیمت سوقیه‌اش پس از فروش بنا بر احتیاط واجب باید خمس داده شود.

۲. با توجه به اینکه خروج از مؤونه موجب تعلق خمس نمی‌گردد، آیا ترقی قیمت سوقیه، اموالی را که مؤونه شده و پس از چند سال فروخته می‌شود، شامل می‌شود یا خیر؟ و آیا فرقی بین افزایش قیمتی که در سالهای قبل حاصل شده و افزایش قیمتی که در آخرین سال بوجود آمده، هست یا خیر؟

بسمه تعالی

مالی که از مؤونه خارج شده، اگر سرمایه کسب و



تجارت شود، ترقی قیمت آن پس از فروش متعلق خمس است. ولی اگر قصد تجارت با آن ندارد تا وقتی آن را نفروخته است خمس ندارد، و اگر فروخت احتیاط آن است که خمس آن را بدهد اگرچه بعید نیست عدم وجوب خمس.

۳. آیا مقداری که بر اثر تورّم بر قیمت اجناس افزوده می‌شود، جزء ترقی قیمت سوقیه محسوب می‌شود؟

بسمه تعالی

افزایش قیمت اگر ناشی از تورّم باشد، یعنی ارزش پول کم شده و همه اجناس با پول بیشتر معامله می‌شوند، ترقی قیمت محسوب نمی‌شود و احکام آن برآن جاری نیست.

۳. ۷۴. در خصوص حکم خمس پولی که به عنوان پس‌انداز به صورت اختیاری توسط سازمان از حقوق کارکنان کسر می‌گردد، دو فتوا به شرح ذیل آمده است که جمع آنها به ظاهر دشوار است:
الف) هر مقدار از حقوق آنها که پس‌انداز شده، از درآمد سال وصول محسوب می‌شود.

ب) اگر ذخیره مذکور با اجازه خود شما از حقوقتان کسر شده، همان مبلغ کسر شده حکم پس‌انداز دارد که باید سر سال خمسی محاسبه و خمس آن پرداخت شود.

استدعا دارد نسبت به تکلیف شرعی کارکنان سازمان در این خصوص که مبتلابه آنان می‌باشد،

به طور واضح تعیین تکلیف فرمایید.

بسمه تعالی

ذخیره مذکور که با اجازه شما از حقوقتان کسر شده، چنانچه در سر سال خمسی قابل استرداد باشد، خمس آن باید پرداخت شود و گرنه احتیاط در این است که در سال وصول بمجرد دریافت تخمیس گردد.

۱۵۱

فتاوی

راهنمای فتاوا

۴.۷۵. مستبصرینی که سنی بوده و شیعه شده‌اند، آیا به درآمد کسب و اموالی که قبل از استبصار (ایام سنی بودن) جمع کرده‌اند (چه اموال مذکور، الآن موجود باشد یا نباشد) خمس تعلق می‌گیرد؟

بسمه تعالی

اموالی را که قبل از استبصار به دست آورده‌اند، چنانچه بعد از استبصار عین آن اموال موجود باشد، و طبق مذهب شیعه متعلق خمس باشد، باید خمس آن را بپردازند.

۵.۷۶. اینجانب به تازگی از محل کارم بازخرید خدمت شده‌ام و برای بازخرید سنوات خدمتم مبلغ ۷ میلیون تومان دریافت کرده‌ام و می‌خواهم این مبلغ را به حساب مسکن مهر که قبلاً ثبت‌نام کرده‌ام واریز نمایم، ولی نکته اینجاست که من احتمال می‌دهم تا نوبت بنده برسد، سال تمام می‌شود و تا آن موقع پول پیش من خواهد ماند. حال، با وجود اینکه بنده به غیر از این پول هیچ امکان دیگری برای واریز حق عضویت خود ندارم،



آیا این مبلغ مشمول خمس می شود یا خیر؟

بسمه تعالی

مبلغ بازخرید خدمت خمس ندارد هر چند سال بر آن بگذرد.

۶. ۷۷. اگر چند سکه بهار آزادی داشته باشیم که به

حدّ نصاب زکات برسد، آیا پرداخت زکات آن واجب

است؟ آیا اصلاً سکه بهار آزادی زکات دارد یا خیر؟

بسمه تعالی

سکه بهار آزادی در موقعیت کنونی سکه رایج

معاملی محسوب نمی شود و زکات ندارد.

۷. ۷۸. افرادی که حساب سال ندارند و کاسب

هستند، آیا باید سرقفلی مغازه و ابزار و آلات و اجناس

مغازه را به نرخ روزی که خریده اند، محاسبه کنند یا

نرخ فعلی؟

بسمه تعالی

به قیمت خرید محاسبه می شود ولی نسبت به تنزل

ارزش پول، احتیاط در مصالحه است.

۸. ۷۹. کسی که حساب سال ندارد، الآن که

می خواهد محاسبه کند، آیا پول بازنشستگی

مشمول خمس می شود؟

بسمه تعالی

پول بازنشستگی از درآمد سال دریافت، محسوب

است و در زائد بر مؤونه آن سال، خمس دارد.

۸۰. ۹. کسی که حساب سال ندارد، الآن که می‌خواهد محاسبه کند حقوقش را گرفته، آیا موجب خمس است؟

بسمه تعالی

خمس دارد، مگر آن که با محاسبه معلوم شود که حقوق بین سال همان سال دریافت است.

۸۱. ۱۰. آیا سرمایه، خمس دارد؟

بسمه تعالی

اگر به مقداری باشد که با پرداخت خمس آن، درآمد کسب با بقیه وافی به هزینه زندگی او نیست، خمس ندارد. و همچنین اگر کسب با بقیه، کسب مناسب با شأن عرفی او نباشد.

۸۲. ۱۱. آیا پس‌انداز درآمد کسب برای تهیه ضروریات زندگی به مجرّد رسیدن سال خمسی متعلق خمس است یا پس از گذشت مدّتی؟ در فرض دوّم، میزان مدّت چقدر است؟ مشخص فرمایید.

بسمه تعالی

پس‌انداز درآمد سال برای صرف در مؤونه در سال بعد، اگر در آستانه صرف در مؤونه تا چند روز آینده باشد، خمس ندارد و گرنه باید خمس آن را بپردازد.

۸۳، ۱۲. شخصی خانه‌ای برای سکونت از درآمد سال خریداری نموده و چند سالی در آن منزل سکونت نموده سپس به علّت کوچک‌بودن منزل مذکور و نیاز این شخص به خانه بزرگتر، خانه



دیگری از درآمد سال خریده و در آن ساکن شده است. بعد از سکونت در خانه دوم به مدت چند سال، مجدداً به علت کثرت عیالات و رفت و آمد، خانه سوومی به متراژ بیشتر، از درآمد سال خریده و فعلاً به آن خانه منتقل شده است. حال، آیا دو خانه قبل مشمول خمس می شود (به علت اینکه فعلاً مورد نیاز برای سکونت نیست) و یا چون قبلاً مؤونه شده، دیگر خمس ندارد؟

بسمه تعالی

در فرض سؤال، آن دو منزل مسکونی سابق خمس ندارد.

۸۴. ۱۳. اینجانب دندانپزشک می باشم. چند سال قبل با پول مخمس مقداری لوازم دندانپزشکی به مبلغ ۵ میلیون تومان خریدم. در سال جاری آنها را به مبلغ ۲ میلیون تومان فروخته و ۴ میلیون تومان هم به آن اضافه نموده و لوازم دندانپزشکی جدیدی به مبلغ ۶ میلیون تومان خریدم. حال، آیا این لوازم جدید خمس دارد یا نه؟

در صورت وجوب خمس، آیا به تمام مبلغ اضافه شده خمس تعلق می گیرد یا مقدار استهلاکی (۳ میلیون) استثناء بوده و بقیه خمس دارد؟

بسمه تعالی

وسائل و ابزار کار، حکم سرمایه دارد که باید تخمیس شود و استهلاک سالانه آن به مقدار هر سال از درآمد همان سال کسر می شود و در فرض

سؤال که با پول فروش وسائل سابق و اضافه کردن ۴ میلیون تومان بر آن، وسائل جدید خریدید، آن ۴ میلیون اضافی خمس دارد.

۸۵. ۱۴. چنانچه انسان درآمد سال خمس را در پایان سال خمس تبدیل به کالا و یا سکه نماید تا آن را در آینده جهت صرف در مؤونه بفروشد. آیا وجوب تخمیس از او ساقط می شود یا نه؟

بسمه تعالی

تبدیل درآمد سال در پایان سال خمس به سکه یا کالای دیگر جهت فروش آن در آینده برای صرف پول آن در مؤونه، موجب سقوط وجوب خمس نمی شود.

۸۶. ۱۵. لطفاً بفرمایید در صورتیکه شخصی خمس اضافه در سال مالی پرداخت کرده است، آیا می تواند در سالهای بعد آن مبلغ را بابت خمس حساب نماید؟

بسمه تعالی

اگر پول پرداختی بابت خمس اضافی در دست گیرنده در سال بعد موجود نباشد، نمی تواند آن را بابت بدهی خمس سال آینده حساب نماید.

۸۷. ۱۶. کسی که سال خمس اش نزدیک است و یکباره پول هنگفتی که مورد نیاز است به دست می آورد (از محل بیمه و رهن منزل)، آیا برای این پول می تواند یک سال خمس جدا در نظر بگیرد یا باید



در همان سال خمسی که نزدیک است، خمسش را بدهد؟

بسمه تعالی

با مجموع درآمد همان سال خمسی روی هم حساب می‌شود و زائد بر مؤونه خمس دارد ولی پول بابت رهن منزل اگر منزل خود را اجاره داده و از مستأجر پولی به اسم رهن گرفته، آن پول در واقع قرض است و خمس ندارد.

۸۸. ۱۷. شخصی مغازه‌ای را ۱۰ سال قبل خریده است و خمس آن را هم پرداخت نموده است و آن مغازه ترقی قیمت پیدا کرده است. وضعیت خمس ترقی قیمت سوقیه آن چگونه است؟

بسمه تعالی

تا نفروخته است، ترقی قیمت مشمول خمس نیست. ولی پس از فروش صدق ربح می‌کند و اگر تا سر سال خمسی، صرف در مؤونه نشود علی القاعده متعلق خمس است.

۸۹. ۱۸. به اعتبار باقیمانده کارتهای تلفن و شارژ موبایل اعتباری خمس تعلق می‌گیرد؟

بسمه تعالی

شارژ موبایل را اگر با درآمد بین سال پرداخته است، اعتبار باقیمانده در کارت، سر سال خمسی خمس دارد.

۹۰. ۱۹. اگر شخصی هریکی دو سال خانه جدیدی در حد شأن عرفی اش از درآمد بین سال تهیه کند و به خانه جدید منتقل شود و خانه قبلی را، که یک

سال کامل در آن زندگی کرده. اجازه دهد و به مرور در چند سال چندین خانه به این روش تهیه کند، تکلیف خمس خانه‌ها چیست؟

بسمه تعالی

اگر برای فرار از خمس باشد، خمس ساقط نمی‌شود، و بیش از یک خانه مسکونی مورد لزوم، بقیه خمس دارد.

۲۰.۹۱. لطفاً بفرمایید بر اساس نظر امام خمینی (ره) هر گاه پولی که خمس آن داده نشده با پولی که به آن خمس تعلق نمی‌گیرد در یک حساب بانکی مخلوط شود، حکم آن چگونه است؟

بسمه تعالی

می‌تواند در موقع برداشت، قصد برداشت از درآمد کند و اگر قصد برداشت از مختلط نماید، به نسبت غیر مخمس باید خمس آن را بپردازد.



احکام حج

۹۲.۱. در بین مردم متعارف است که عمل مستحبی همانند زیارت و یا طواف و یا عمره مفرده را برای خود و دیگران بجا می‌آورند، آیا چنین عمل واحدی که اصالتاً از ناحیه خود و نیابتاً از طرف دیگران می‌باشد، صحیح است؟

بسمه تعالی

شریک کردن دیگران در حج یا عمره مستحب خود، جایز است.



۹۳،۲. اگر شخصی در یکی از اشهر حجّ مثل شوال عمره تمتّع خود را انجام دهد و سپس در ماه بعد از مکه خارج شود، لازم است عمره تمتّع خود را مجدداً بجا آورد. حال، مسائل زیر مورد سؤال است: الف) در صورت انجام عمره تمتّع جدید، آیا لازم است برای عمره سابق طواف نساء بجا آورد؟

بسمه تعالی

انقلاب عمره سابق به مفرده، ثابت نیست و بنابراین وجوب طواف نساء وجهی ندارد، ولکن احتیاط به اتیان آن ترک نشود.

ب) اگر مجدداً عمره تمتّع را بجا نیاورد، آیا عمره تمتّع قبل باطل شده و نمی تواند حجّ تمتّع بجا آورد؟

بسمه تعالی

ظاهر از عبارت «الأخيرة هي عمرته» در روایت حماد این است که عمره قبلی، متعه لازم در حج تمتّع محسوب نمی شود پس حج تمتّع صحیح نیست.

ج) آیا میقات احرام عمره تمتّع جدید نیز همانطور که از مسأله ۷۴ مناسک عربی استفاده می شود، یکی از مواقیت خمسّه می باشد و یا می توان از ادنی الحّل محرم شد؟

بسمه تعالی

علی الظاهر باید از یکی از مواقیت خمسّه محرم شود. و الله العالم.

۳.۹۴. آیا عبور از میقات با هواپیما بدون احرام جایز

است یا نه؟

بسمه تعالی

عبور از فضای میقات، و یا از فضای محاذی میقات حکم عبور از میقات را ندارد بلکه میزان، عبور زمینی از میقات یا از محاذی آن است.

۴.۹۵. شخصی که در مکه معظمه اعتکاف دارد و

قبل از سفر نذر روزه ننموده، آیا در همان جا می تواند نذر کند و روزه بگیرد یا حتماً باید نذر، قبل از سفر

باشد؟

بسمه تعالی

بنا بر احتیاط باید نذر قبل از سفر انجام گیرد.

۵.۹۶. کسی که عمره تمتع استحبابی بجا آورده،

آیا می تواند بدون عذر به دلخواه خود، آن را رها کرده

و حج تمتع بجا نیاورد؟ و در فرض جواز، آیا انجام

طواف نساء نیز لازم است یا نه؟

بسمه تعالی

می تواند رها کند و چیزی بر او نیست و احتیاط آن

است که طواف نساء را هم انجام دهد.

۶.۹۷. در مواردی که استحباب عمره مفرده قطعی

نیست بلکه رجاء به جا می آورد، آیا می تواند در حین

اعمال آن را رها کند؟

بسمه تعالی

نمی تواند.



۷.۹۸. معلولی که تنها یک دست یا یک پا ندارد و به جز نقص در مواضع سجده، مشکلی از نظر اعمال اختیاری عمره و حج ندارد، آیا نیابت او برای حج کفایت می‌کند؟

بسمه تعالی

چنین شخصی نمی‌تواند نیابت کند.

۸.۹۹. استفاده از ماسک‌هایی که جهت جلوگیری از تنفس هوای آلوده به دهان می‌زنند و بند آن را پشت سر می‌اندازند که بخش کوچکی از سر را می‌پوشاند، برای مردان و زنان مُحرم چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی

استفاده از ماسک برای زنان اگر در حد متعارف باشد، مانعی ندارد و انداختن بند آن بر سر برای مردان جایز است.

۹.۱۰۰. معیار کثیرالشک در تعداد دورهای طواف و تعداد ریگ‌های رمی چیست؟ و عدم اعتناء به چنین شکی به چه معناست؟ آیا بنا بر اقل بگذارد یا اکثر؟

بسمه تعالی

معیار کثیرالشک در طواف عرفی است و به همان معنایی است که برای کثیرالشک در نماز بیان شده است. و اما کثیرالشک در رمی حکم خاصی ندارد و در صورت شک در عدد انداختن، باید آنقدر بیندازد تا علم پیدا کند.

۱۰۱.۱۰ در موارد زیر، به جا آوردن طوافِ مستحبی به نیابت از دیگری و نیابت کردن در طواف کسی که او نیز اعمال به جامی آورد، چه حکمی دارد؟

الف) پس از احرام عمره مفرده یا تمتع، پیش از طواف و بقیه اعمال.

ب) پس از احرام حج، قبل از رفتن به عرفات.

ج) پس از اعمال منا، پیش از اعمال مکه.

بسمه تعالی

الف و ب: نیابت برای معذورین مانع ندارد لکن احوط، ترک نیابت در طواف مستحبی است ولی به حج و عمره ضرر نمی زند.

ج: احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند.

۱۱.۱۰۲. یکی از مستحبات مکه، تلاوت قرآن و ختم آن است. آیا برای کسی که اعمال حج را بجای آورد و در روز عرفه و ایام تشریق، تلاوت قرآن را در عرفات و مشعر و منا ادامه می دهد، همان استحباب وجود دارد یا خصوص شهر مکه است؟

بسمه تعالی

اختصاص به شهر مکه دارد.

۱۲.۱۰۳. آیا برای صحت اعمال عمره و حج برای کسی که حسابرسی خمسی ندارد، پرداخت خمس لباس احرام و لباسی که در طواف و نماز طواف می پوشد، کفایت می کند یا باید حسابرسی

تمام اموال صورت گیرد؟

بسمه تعالی

در فرض سؤال، پرداخت خمس برای اموال مذکور و همچنین برای پولی که برای قربانی می‌پردازد، کفایت می‌کند.

۱۰۴. ۱۳. تحیت مسجد الحرام، نماز است یا طواف

کعبه؟

بسمه تعالی

طواف است.

۱۶۲



راهنمای فتاوا

۱۰۵. ۱۴. کسی که قادر بر سجده معمول و متعارف

نیست، اگر در نماز مسجد النبی و مسجد الحرام شرکت کند، چگونه باید سجده بگذارد (با توجه به اینکه مَهر یا چیز دیگری نمی‌تواند به پیشانی

بگذارد)؟

بسمه تعالی

اگر چیزی که روی آن سجده کند، وجود ندارد، باید اشاره نماید.

۱۰۶. ۱۵. موالات میان اشواط طواف و سعی،

چگونه به هم می‌خورد؟ آیا با خواندن دو رکعت نماز مستحبی یا فعلِ منافی با طواف، به هم می‌خورد یا نه؟

بسمه تعالی

از بین رفتن موالات، موکول به نظر عرف است و در سعی، موالات معتبر نیست مگر آن که شوط اول تمام نشده باشد که در صورت از بین رفتن موالات، احتیاطاً از سر بگیرد.

۱۰۷. ۱۶. در فتوای فقهاء، استحباب سعی وارد نشده است. آیا سعی استحبابِ نفسی دارد یا نه؟ و در موردی که سهواً سعی را اضافه بجا آورد، فتوا به استحباب هفت شوط دوّم داده‌اند. آیا از این مورد می‌توان استحباب سعی را استفاده کرد؟

بسمه تعالی

سعی، استحباب نفسی ندارد.

۱۰۸. ۱۷. بالنسبة للمعذورین فمن یجوز لهم تقدیم اعمال علی الوقوفین، هل تجب علیهم اعادة تلك الاعمال بعد الوقوفین اذا زال عنه العذر فیما بعد ام لا؟

بسمه تعالی

من قدّم اعمال مكة لخوف طرّو الحيض او النفاس، او قدّمها الشيخ او الشیخة لخوفهما العجز عن الطواف بعد الرجوع من منی لاجل كثرة الزحام، او قدّمها المريض الذی خاف لمرضه من ان یعجز عن الطواف بعد الرجوع من منی لاجل الزحام، لاتجب الاعادة علیه فیما لو انكشف الخلاف، واما من قدّمها بتوهم عدم تمكّنه منها لمانع فانكشف الخلاف، فهو یجب علیه الاعادة.

۱۰۹. ۱۸. کسی که در ماه جدید بعد از آنکه در ماه قبلی عمره مفرده انجام داده است، می‌خواهد وارد مکه شود، در صورتی که قسمتی از اعمال عمره مفرده ماه قبل را انجام داده و فقط طواف نساء و نماز طواف نساء باقی مانده، آیا می‌تواند بدون احرام وارد

مگه شود یا نه؟

بسمه تعالی

در فرض سؤال باید با احرام جدید وارد مگه شود.

۱۹.۱۱۰. لو قَصَرَ الْمُحْرَمُ عَالِماً أَوْ جَاهِلاً أَوْ نَاسِئاً لْغَيْرِهِ

قبل ان يقَصِّرَ لنفسه، فما هو الحكم؟ و هل هذا

التقصير مجزئ؟

بسمه تعالی

لو كان المحرم حين مباشرته لتقصير غيره عالماً بالحرمة وجبت عليه كفارة التقصير، ولكن هذا التقصير يجزئ لمن قصَّره اذا كان هو ناوياً.

۲۰.۱۱۱.

۱. آیا استعمال و آراستن به زیوراتی که برای مردم

حرام است هنگام طواف موجب بطلان طواف

است؟

۲. استعمال کرم ضد آفتاب یا نوع دیگری که

چربی نداشته باشد در حال احرام چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی

۱. احتیاط واجب در ترک است.

۲. استعمال کرمی که چربی و بو نداشته باشد

اشکال ندارد.



کسب‌های حرام

۱.۱۱۲. در بحث خارج فقه پیرامون مکاسب محرّمه در مورد ساخت مجسمه ذی روح فرمودید: «دلیلی بر حرمت ساخت مجسمه فی نفسه وجود ندارد». حال، سؤال این است که آیا می‌توان همین مطلب را در پاسخ استفتاء از این موضوع نوشت؟

بسمه تعالی

مجسمه‌سازی فی نفسه منعی ندارد.

۱۱۳. ۲. بنده مالک مغازه بازیهای رایانه‌ای هستم. مدّتی است افرادی اقدام به بازی رایانه‌ای فوتبال کرده و طبق قرارداد خودشان، فرد بازنده هزینه بازی را پرداخت می‌نماید. حال، سؤال بنده این است که: ۱. آیا گرفتن این پول از نظر شرعی برای من به عنوان مالک مغازه دارای اشکال است؟

بسمه تعالی

اگر بازنده از جهت باخت هزینه بازی را می‌پردازد گرفتن آن جایز نیست.

۲. در صورت اشکال داشتن:

الف) مبلغی را که طی این مدّت با جهل به مسأله دریافت کرده‌ایم و با دیگر درآمدها مخلوط شده است، حکم شرعی آن چگونه است؟

بسمه تعالی

نسبت به گذشته که چگونگی آن را نمی‌دانید تکلیفی ندارید.



ب) اگر ما این کار را ممنوع اعلام کنیم ولی باز هم بعضی‌ها بدون توجّه و اطلاع ما این کار را انجام دادند و ما هزینه آن را به عنوان اجاره یارانه و بازی دریافت کردیم، حکم آن چگونه است؟

بسمه تعالی

در فرض مرقوم، چیزی بر شما نیست.

۱۱۴.۳. خواهشمند است نظر مبارک را در مورد حکم رقص، خواه رقص آقایان و خواه رقص بانوان امر به ابلاغ فرمایید.

بسمه تعالی

رقص مرد بنا بر احتیاط واجب حرام است و رقص زن برای زنان اگر عنوان لهو بر آن صدق کند مثل اینکه جلسه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود محلّ اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن است و در حکم فوق تفاوتی بین مجلس عروسی و غیر آن نیست.

۱۱۵.۴. خواهشمند است در مورد آوازخوانی زنان در مجلس عروسی (غناء در شب زفاف) نظر مبارک را ا مر به ابلاغ فرمایید.

بسمه تعالی

در غناء و موسیقی حرام که عبارت است از آواز لهوی مضلّ عن سبیل الله، فرقی بین عروسی و غیر آن نیست.

۱۱۶. ۵. هل يجوز لمس الشعر المنفصل للأجنبية؟

بسمه تعالی

لا اشكال فيه ظاهراً وإن كان الأحوط، الترك.

۱۱۷. ۶. در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

در واحد تشریح، اجساد مرد تشریح می‌شوند.

دانشجوی دختری که در حال تشریح گردن

جسد مرد است، ضرورتی ندارد تنه جسد را هم

ببیند در حالی که به خاطر جهل نسبت به مسأله،

اغلب پوشش جسدها بیشتر از حد ضرورت کنار

زده می‌شود و یا در جایی که ضرورتی برای لمس

نیست، دانشجویان دختر نمی‌دانند که نباید بدن

مرد را لمس کنند. تکلیف خود را در قبال جاهلان

به این حکم که از دفتر مقام رهبری سؤال کردم،

گفتند به استادان بگویید تا آگاهی لازم را به

دانشجویان بدهند (چون جسدها و کلاسه‌ها معمولاً

به صورتی نیست که خودم به همه اطلاع دهم).

اگر لازم می‌دانید تقاضا دارم حکم نگاه به جسد

مرد و لمس آن را که در موارد غیر ضرورت توسط

دانشجویان دختر حرام است، به صورت کتبی

در اختیارم بگذارید تا از طریق نماینده ولی فقیه در

دانشگاه، حکم به استادان مربوطه اعلام گردد.

بسمه تعالی

نظر زن بر بدن مرد نامحرم بجز سرو گردن و دستها

تا جایی که معمولاً نمی‌پوشانند و همچنین لمس

بدن مرد نامحرم بر زن شرعاً حرام است، مگر در

موارد استثنایی ضرورت، آن هم فقط همان مقداری که ضرورت اقتضاء کند.

۱۱۸. ۷. آیا برای زن کارکردن در سالن آرایش زنانه به عنوان آرایشگر جایز است به طوری که او می‌داند که زنان صورتهایشان را در مقابل مردان نامحرم نشان می‌دهند (شاید با حجاب باشند و یا نباشند)؟
بسمه تعالی

اگر می‌داند که زن آرایش شده مواضع آرایش را به نامحرم نشان می‌دهد، باید این کار را ترک کند.

۱۶۸



راهنمای فتاوا



مسائل پزشکی

۱۱۹. ۱. هر گاه زوجه بدون ضرورت پزشکی به قصد زیبایی درخواست عمل جراحی بینی یا گونه، کشیدن پوست صورت، تغییر در ظاهر سینه، درآوردن چربی‌های اضافی و امثال آن را داشته باشد: الف) آیارضایت زوج برای اقدام به عمل یا اعمال جراحی مذکور لازم است؟

بسمه تعالی

رضایت شوهر در اصل عمل جراحی مذکور شرط نیست، ولی خروج زن از منزل شوهر برای عمل مذکور منوط به اذن شوهر است.

ب) در صورت عدم رضایت زوج، مسئولیت پزشکی

اقدام کننده چگونه است؟

بسمه تعالی

گذشت که رضایت شوهر شرط نیست، ولی اقدام پزشک اگر مستلزم ارتکاب عمل محرم باشد، شرعاً جایز نیست.

۱۲۰. ۲. هر گاه زوجه بدون ضرورت پزشکی به قصد جلوگیری از بارداری به طور موقت یا دائم، درخواست عمل جراحی بستن لوله‌های رحم خود را داشته باشد:

الف) آیا رضایت زوج برای اقدام به عمل جراحی مذکور لازم می‌باشد؟

ب) در صورت عدم رضایت زوج، مسئولیت پزشک اقدام کننده چگونه است؟

بسمه تعالی

الف و ب) بستن لوله رحم ولو بطور موقت مشروط به اجازه شوهر است، و اقدام پزشک بدون اجازه شوهر جایز نیست و همچنین اگر مستلزم نظر و لمس محرم شرعی باشد.

۱۲۱. ۳. هر گاه زوجه بدون ضرورت پزشکی به قصد جلوگیری از بارداری به طور دائم درخواست عمل جراحی برداشت رحم خود را داشته باشد:

الف) آیا رضایت زوج برای اقدام به عمل جراحی مذکور لازم می‌باشد؟

ب) در صورت عدم رضایت زوج، مسئولیت پزشک اقدام کننده چگونه است؟

بسمه تعالی

عمل مزبور مشروط به اجازه شوهر است و پزشک بدون اذن شوهر، حقی اقدام ندارد.

۱۲۲. ۴. هر گاه موارد مذکور در سه سؤال سابق و امثال آن به دلیل پزشکی و با قصد درمان ضرورت یابد:

الف) آیا رضایت زوج برای اقدام به عمل یا اعمال جراحی مذکور لازم می باشد؟
ب) در صورت عدم رضایت زوج، مسئولیت پزشک اقدام کننده چگونه است؟

بسمه تعالی

اگر عمل جراحی مذکور برای مداوا ضرورت داشته باشد، اجازه شوهر شرط نیست و اقدام پزشک در حد ضرورت مانع ندارد.

۱۲۳. ۵. هر گاه زوج بدون ضرورت پزشکی به قصد جلوگیری از تولیدمثل به صورت موقت یا دائم درخواست عمل جراحی وازکتومی (بستن لوله منی بر در مرد) را داشته باشد:

الف) آیا رضایت زوجه برای اقدام به عمل جراحی مذکور لازم می باشد؟

ب) در صورت عدم رضایت زوجه، مسئولیت پزشک اقدام کننده چگونه است؟

بسمه تعالی

در فرض سؤال، اجازه و رضایت زوجه شرط نیست، و اقدام پزشک با درخواست مرد اگر مستلزم لمس و

نظر حرام نباشد مانع ندارد.

۱۲۴. ۶. در مواردی پردهٔ بکارت به دلیل ویژگی خاصی که در آن به طور طبیعی ایجاد شده، مانع عمل مجامعت می‌شود و زوج قادر به ازالهٔ بکارت نیست و یا ازالهٔ بکارت موجب تحمّل درد و رنج شدید از ناحیهٔ زوجه می‌شود و از طریق اقدامات پزشکی می‌توان مانع و مشکل را برطرف ساخت:

الف) آیا زوجه می‌تواند از طریق امکانات پزشکی، مانع مذکور را مرتفع سازد؟

ب) آیا در این گونه موارد، رضایت زوج برای اقدام به اعمال پزشکی لازم می‌باشد؟

ج) در صورت عدم رضایت زوجه، مسئولیت پزشک اقدام‌کننده چگونه است؟

بسمه تعالی

عمل مزبور اگر مستلزم لمس و نظر محرم نباشد، اشکال ندارد ولی اجازهٔ شوهر شرط است. و در صورت جواز عمل، اقدام پزشک مانع ندارد.

۱۲۵. ۷. در مادهٔ واحدهٔ سقط جنین درمانی مصوبهٔ ۱۳۸۴/۳/۱۰ مجلس شورای اسلامی آمده است:

«سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علّت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن موجب خرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد، قبل از ولوج روح



(چهار ماه) با رضایت زن مجاز می باشد و مجازات و مسئولیتی متوجّه پزشک مباشر نخواهد بود».

الف) آیا اخذ رضایت زوج جهت سقط جنین درمانی لازم می باشد؟

ب) در صورت عدم رضایت زوج، مسئولیت پزشک اقدام کننده چگونه است؟

بسمه تعالی

با حفظ تمام قیودی که در ماده واحده یاد شده ملحوظ شده، عمل سقط جنین اشکال ندارد و رضایت شوهر شرط نیست. و در صورت جواز عمل، اقدام پزشک مانع ندارد.

۱۲۶. ۸. در مواردی برای درمان بیمار، پزشک ناچار به ایراد لطمه ای دیگر به بیمار می شود. مثلاً برای احیای قلب بیمار سخته کرده، ماساژ می دهد که منجر به شکستن دنده ها می شود یا برای تحریک رفلکس بیمار به او سیلی می زند و پرده گوشش پاره می شود. آیا در موارد فوق، پزشک ضامن است؟

بسمه تعالی

اگر علاج بیمار برای نجات جان وی مستلزم ایراد آسیبی بر بیمار باشد، پزشک ضامن نیست.

۱۲۷. ۹. در مراکز آموزشی که برای آینده، پزشک متخصص تربیت می نمایند و به دلیل کمی مهارت فی نفسه دستیاران و دانشجویان، عوارض و خطراتی متوجّه جان بیماران می گردد. اگر احیاناً نقص عضو و فوتی واقع شود، آیا ضامن، دستیار

مربوطه است یا پزشک مسئول و استادیار مربوطه؟

بسمه تعالی

در فرض مزبور، دستیار یا هر کس که به بیمار آسیب رسانده است، ضامن است.

۱۲۸. ۱۰. پزشک حاذق و ماهر بدون سهل انگاری اقدام به عمل جراحی بیماری نموده است و در حین عمل، آسیبی به بیمار وارد گردیده است. لطفاً موارد ضمان یا عدم ضمان پزشک در صورتهای ذیل را بیان فرمایید:

الف) بدون اذن بیمار یا کسان وی اقدام به عمل نموده باشد؟

ب) غفلت از اذن گرفتن داشته است؟

ج) بیمار در حال اغماء باشد و برای اذن دسترسی به کسان بیمار نداشته و تأخیر هم موجب به خطراتادن جان بیمار می شود؟

بسمه تعالی

جواب الف و ب و ج: به نحو کلی، در موارد ثبوت ضمان، اذن بیمار یا کسان وی رافع ضمان نیست.

د) در مورد فوق، اگر تأخیر موجب نقص عضو و یا از کارافتادن عضوی از بیمار گردد، حکمش چیست؟

بسمه تعالی

اگر در تأخیر، خطر فوت بیمار باشد، تأخیر جایز نیست.



هـ) اگر در موارد فوق باید دیه به بیمار داده شود، آن دیه به عهده کیست؟

بسمه تعالی

در مواردی که پزشک ضامن دیه است، باید از مال خود بپردازد.

۱۲۹. ۱۱. با توجه به اینکه ممکن است جان بیمار به طور اورژانس در خطر باشد و زمان جهت تعیین حساسیت فرد نسبت به دارویی خاص وجود نداشته باشد، اگر با تجویز دارو، بیمار به آن حساسیت پیدا کرده و دچار عوارض شدید و یا مرگ شود، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض، مسئولیتی خواهد داشت؟

بسمه تعالی

کسی که آن دارو را به بیمار خورانده یا تزریق کرده، ضامن است. توضیحاً یادآور می شود: در موارد ثبوت ضمان، گذشت که اذن بیمار یا کسان وی تأثیری در ارتفاع و سقوط ضمان ندارد. ولی کسی که در صورت ایراد آسیب به بیمار ضامن است، اگر پیش از اقدام بر عمل جراحی یا هر عمل دیگر از بیمار یا از اولیای وی برائت از ضمان پیشاپیش بگیرد، در این صورت ضامن نیست.

۱۳۰. ۱۲. آیا می توان با تشخیص قطعی بیماری در جنین هایی که دچار عیوب ژنتیک بوده و یا مادر آنها در طی بارداری بر اثر ابتلا به بعضی بیماریهای عفونی بیمار شده اند، قبل از دمیده شدن روح سقط

نمود؟

لازم به ذکر است این کودکان از بدو تولّد تا پایان عمر دائماً در وضع مشقت باری به سر خواهند برد و خانواده و جامعه نیز بهای گزافی را از نظر روانی، مادی باید به دوش بکشند. (و اخیراً با روشهای بسیار جدید پزشکی، تشخیص قطعی این بیماریها را در ابتدای حاملگی مادر می توان داد). ضمناً بسیار با عزیزی که تلفنی در دفتر استفتائات پاسخگو می باشند تماس گرفته ام و آنها در مورد این مسأله با توجّه به عسر و حرج فرموده اند که قبل از دمیده شدن روح و به شرط پرداخت دیه مانعی ندارد، ولی خواستم یک بار دیگر این سؤال را برای اطمینان خاطر مطرح نمایم.

بسمه تعالی

اگر نگهداری و بزرگ کردن طفل معلول و عقب مانده و ناقص الخلقه برای والدین دارای زحمت و مشقت بیش از متعارف باشد، به مقداری که در عسر و حرج واقع می شود، اسقاط جنین پیش از دمیده شدن روح در او مانع ندارد ولی بنا بر احتیاط دیه آن باید پرداخت شود.

۱۳۱. ۱۳. امرأة لاتنجب اولاد. و فی الطب الحدیث
یمکن بما یلی اخذ بویضة من اختها و نطفة من زوج
الذی لاتنجب اطفال و تلقیحها. و ثم زرعها فی رحم
الزوجة المذكورة. هل هذا العمل یجوز ام لا و علمن
انها حامل من خمسة شهور و ما حکم الولد فهل



یوعد ابنها ام لا؟

بسمه تعالی

لابأس بالعملية المذكورة في نفسها ولكن يجب التحرز عن المقدمات المحرمة كاللمس و النظر المحرمين و اما الولد فيلحق بصاحب النطفة و صاحب البويضة لكّنه يصير محرماً لصاحبة الرحم لو ارضعته بعد الولادة بمقدار يوجب نشر الحرمة.

۱۳۲. ۱۴. اطباء در لوله آزمایش، اسپرم مرد را با

تخمک زن ترکیب کرده و از آن تخم را می سازند:

۱. آیا نطفه رشد یافته را می توان دورافکند یا اینکه

حکم سقط جنین را پیدا می کند و باید تا طفل

کامل (صاحب روح شدن) از وی محافظت نمود؟

۲. اگر دورافکندن آن جایز نباشد و دور ریخته شود،

آیا باید دیه سقط پرداخت شود؟ و به عهده کیست؟

بسمه تعالی

۱ و ۲. محافظت لازم نیست و دورافکندن در فرض

سؤال اشکال ندارد.

۳. آیا این دوران دازی قبل از ولوج روح یا بعد از آن فرق

می کند؟

بسمه تعالی

بعد از ولوج روح، اتلاف جایز نیست.

۴. آیا فرقی بین منی مرد اجنبی با منی زن اجنبیه برای

لقاح و رشد در لوله آزمایشگاهی است؟

بسمه تعالی

فرقی ندارد.

۵. اگر منی مرد و زن اجنبی و اجنبیه باشد، آیا اصل انجام این عمل (تلقیح) جایز است؟

بسمه تعالی

اصل عمل مذکور در صورتی که مستلزم ارتکاب حرام نباشد، اشکال ندارد.



حقوق چاپ و تألیف

۱۳۳۰. ۱. از آنجایی که تهاجم فرهنگی غرب از هر وسیله‌ای برای حمله خود کمک می‌گیرد و امروز با ابزار رایانه، سی‌دی و اینترنت بیشتر این تهاجم را انجام می‌دهد، می‌بینیم که سی‌دی‌های مبتذل و ... به صورت رایج شده و با قیمت خیلی نازل و فراوان در بازار عرضه می‌شود. و این در حالی است که سی‌دی‌های مذهبی‌مان با قیمت‌های گزاف عرضه می‌شود که خرید آن برای خیلی‌ها مشکل است، لذا افرادی قفل این سی‌دی‌ها را شکسته و به صورت رایجی و با قیمت خیلی نازل تر عرضه می‌کنند. حال، با این مقدمه، چند سؤال از محضر شریفان دارم:

الف) استفاده از چنین سی‌دی‌هایی چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی

شکستن قفل سی‌دی و تکثیر آن بدون اجازه ناشر اصلی آن جایز نیست و استفاده و خرید و فروش



سی دی تکثیر شده نیز بدون اجازه ناشر اصلی جایز نیست.

ب) آیا می توان هر سی دی رایتی را رایت کرد و از آن استفاده کرد؟

بسمه تعالی
حکم همان است که در بالا بیان شد.

ج) حکم سی دی رایتی هدیه ای چیست؟

بسمه تعالی
فرقی بین سی دی هدیه ای و ابتیاعی در این باره نیست.

د) سی دی هایی که امانت می دهند (سی دی امانی) در صورتی که سی دی های آنها رایت شده باشد، استفاده از آن چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی
حکم آن از بیان بالا روشن شد.

ه) با توجه به پیشرفت و تکنولوژی، هر ساله برنامه های کامپیوتری پیشرفته تری وارد بازار می شود که نسبت به برنامه های ما قبلشان پیشرفته تر و کامل تر هستند. آیا استفاده از سی دی های رایتی قدیمی تر جایز می باشد؟

بسمه تعالی
بدون اذن ناشر اصلی اولی جایز نیست.

و) آیا در کل مسائل فوق، می توان به مرجع دیگری رجوع کرد؟

بسمه تعالی
مسأله از موارد رجوع به غیر نیست.

تجارت با غیر مسلمان

۱.۱۳۴. اگر از فرد بهایی، خانه‌ای اجاره کرده و در آن زندگی کنیم، چه حکمی دارد؟ آیا چنین معامله‌ای با آنان و زندگی کردن در آن مکان حرام است؟

بسمه تعالی

مؤمنین از هر گونه معامله با بهائی‌ها، لازم است خودداری نمایند.

غیبت و افشاء اسرار

۱.۱۳۵. دو نفر از عیب کسی با خبر هستند. یکی از آنها آن عیب را برای دیگری که با خبر است، نقل می‌کند یا اینکه جمعی از عیب کسی با خبر هستند و آن عیب را برای هم نقل می‌کنند. آیا غیبت است یا نه؟ آیا حرام است یا نه؟

بسمه تعالی

اگر شنونده از آنچه گوینده می‌گوید، آگاهی دارد، عنوان غیبت منطبق نیست.

۱.۱۳۶. ۲. الف) آیا جمعی که محصور نباشند، اگر عیبشان گفته شود، اشکال دارد یا نه؟ مثل اینکه بگوید: فلان طایفه فلان عیب را دارد.

ب) اگر کسی مثلاً بگوید: بعضی از علما این طور



هستند، یا بگوید: بعضی از عربها این طور هستند،
یا بگوید: بعضی از اهل فلان شهر اینطور هستند، آیا
غیبت است یا نه؟

بسمه تعالی
الف) در فرض مثال غیبت همه آن طایفه محسوب
می شود.
ب) عنوان غیبت منطبق نیست.

۱۳۷. ۳. کسی که اصرار بر معصیتی داشته باشد
مثلاً موسیقی حرام
گوش می دهد، آیا اگر این عیب را در پیش کسانی
که اطلاعی از آن عیب ندارند، بگوییم، حرام است یا
نه؟ آیا غیبت است یا نه؟

بسمه تعالی
جایز نیست.

۱۳۸. ۴. اگر عیب کسی را بگوییم ولی او راضی
باشد (مثلاً در بین ما که چند نفر دوست هستیم،
اگر کسی عیب یکی از ما را برای دیگری بگوید،
راضی هستیم و حلال می کنیم)، آیا این غیبت و
حرام است یا نه؟

بسمه تعالی
راضی بودن غیبت شونده موجب حلیت غیبت
نمی شود.

۱۳۹. ۵. هیچکس نیست، خودش غیبت می کند،
مخاطبی ندارد، آیا غیبت محسوب می شود؟

بسمه تعالی
غیبت محسوب نمی شود.

۱۴۰. ۶. هیچکس نیست، دروغ به خدا و پیغمبر (صلوات الله علیه) نسبت می دهد، آیا روزه اش باطل است؟

بسمه تعالی
اگر کسی نیست که خبر دادن به او صدق کند، خبر کذب صدق نمی کند.

۱۴۱. ۷. آیا صحبت کردن درباره عیب شخصی، برای فرد سوّم به طوری که آن فرد سوّم از عیب شخص مورد بحث مطلع است و بلکه در حین ارتکاب آن عیب حاضر بوده، غیبت محسوب می شود؟
بسمه تعالی

هر چند غیبت محسوب نمی شود ولی باید از چنین کاری اجتناب کنید.



احکام خرید و فروش

۱۴۲. ۱. إذا كانت هناك عملتان لدولتين مختلفتين، وغطاءهما (وهو الذي يتم على أساسه إصدار العملة) متماثل تماماً، ولنفرض أنه الدولار مع اختلافهما في القوة الشرائية أو تماثلهما فيها، وكمثال على ذلك الدينار البحريني يساوي تسعة ريالات سعودية مع أن غطاءهما واحد ولكن التفاوت بينهما في القوة



الشرائية، فهل يجوز التفاضل بينهما نقداً ونسيئة؟

بسمه تعالی

لامانع من بيع احدى العملتين بعملة اخرى نقداً ولو مع التفاضل واما نسيئةً فلا يجوز.

۲.۱۴۳. اگر جنسی را به پانصد تومان خریداری کرده و پولش را به فروشنده پرداخت کردم، و فروشنده هزار و پانصد تومان به عنوان الباقی پولم به من پس داد و شک کردم که به فروشنده هزار تومان دادم یا دو هزار تومان، آیا می‌بایست از فروشنده سؤال کنم یا اینکه پولی که فروشنده به من داده را بگیرم و به شک خود اعتنا نکرده و بنا را بر این بگذارم که حتماً دو هزار تومانی به فروشنده داده بودم که هزار و پانصد تومان به من داده است؟

ضمناً با توجه به اینکه اینجانب در امور مالی بسیار شک می‌کنم، آیا در حکم مسأله فوق تفاوتی می‌کند یا نه؟

بسمه تعالی

اگر نمی‌دانید که زیادی به شما پس داده‌اند یا نه، پرس و جو لازم نیست اگرچه بهتر است سؤال کنید.

۳.۱۴۴. در طرحی، تعدادی از افراد دور هم جمع می‌شوند و برای سفر کربلا، هر نفر ۱۰۰۰ تومان پول می‌پردازند و از تمامی افراد شرکت‌کننده در این طرح ثبت‌نام می‌شود. پس از پایان ثبت‌نام، از میان افراد ثبت‌نام‌کننده، قرعه‌کشی به عمل می‌آید و ۳ نفر از کل افراد ثبت‌نام‌کننده با پول جمع‌آوری شده

به کربلا اعزام می‌شوند و اضافه پول جمع شده نیز خرج کمک به نیازمندان می‌گردد.

لطفاً حکم شرعی این عمل را بیان فرمایید.

بسمه تعالی

اگر همه افراد پرداخت کننده پول با اطلاع و آگاهی از چگونگی مصرف پول جمع‌آوری شده، به آن رضایت داشته باشند، اشکال ندارد.

۱۸۳

فتاوی

راهنمای فتاوا

۱۴۵. ۴. در کتاب شریف «اجوبة الاستفتائات» صفحه ۳۴۶ در جواب سؤال شماره ۱۵۳۷ و ۱۵۳۸ آمده است: «در عقد بیع، طرفین می‌توانند در مقابل عدم انجام تعهد از سوی طرف مقابل، مبلغی به عنوان وجه التزام قرار دهند». در این رابطه چند سؤال مطرح است:

۱. آیا وجه التزام فقط در عقد بیع جایز است یا در هر یک از عقود شرعی دیگر نیز می‌شود وجه التزام تعیین و شرط نمایند؟

۲. آیا وجه التزام باید یک مبلغ مشخص و ثابت باشد یا می‌تواند به تناسب مدت زمان تخلف از تعهد، به صورت متفاوت و مختلف تعیین شود؟

بسمه تعالی

۱ و ۲. شرط پرداخت مبلغی در صورت تخلف از قرارداد فی ما بین، اختصاص به عقد بیع ندارد و در همه عقود قابل تسری است ولی مبلغی که تعیین می‌شود باید تا حدودی معین باشد.



۳. آیا وجه التزام باید به صورت مبلغ باشد و یا می‌شود به صورت درصد نیز تعیین گردد؟ مثلاً بگوید: در صورت تخلف از تحویل کالا، معادل ده درصد قیمت آن وجه التزام باشد.

بسمه تعالی

اگر تعیین مبلغ به صورت درصد مشخص باشد، مثل قیمت خاص در زمان معامله، اشکال ندارد ولی تعیین درصد بدون تعیین اصل مقدار قیمت صورت شرعی ندارد.

۵.۱۴۶. حکم اداء دین پس از مدّت طولانی بافرض تحقّق تفاوت قدرت خرید و مطالبه ما به التفاوت از طرف مُقرض چیست؟

بسمه تعالی

اگر دین، پول باشد، در مقدار تفاوت فاحش قدرت خرید، احوط، مصالح است.

۶.۱۴۷. آیا منظور از یک دینار طلا در باب دیات و کفّارات، طلای مسکوک می‌باشد یا اعمّ از مسکوک و غیر مسکوک است؟

بسمه تعالی

میزان درهم و دینار در باب دیات، ارزش معادل روز است که محاکم قضایی عملشان مبتنی بر آن است.

۷.۱۴۸. یک مثقال طلا، چند گرم و یک گرم، چند نخود و چند سوت می‌باشد؟ یک درهم چند گرم نقره است؟

بسمه تعالی

مقدار معادل یک مثقال طلا و یک درهم نقره به گرم و نخود و سوت را از زرگرامین بپرسید.

۱۴۹. ۸. چنانچه مستحضرید، گاهی مردم عادی یا بنگاه‌های اقتصادی برای تهیه کالاهای مورد نیاز خود، به سازنده آن کالا سفارش ساخت می‌دهند. مانند سفارش ساخت در، پنجره، اتومبیل، کشتی، هواپیما، خانه، بیمارستان و... در این موارد سازنده طی قراردادی متعهد می‌شود کالای مورد نظر را با مشخصات معین ساخته در تاریخ مشخص تحویل دهد و سفارش‌دهنده نیز متعهد می‌شود مبلغ معینی را طبق زمانبندی مشخص بپردازد (برای مثال ۲۵٪ پیش پرداخت، ۵۰٪ زمان تحویل و ۲۵٪ بعد از دو ماه پس از تحویل). در این قراردادها به طور معمول مواد اولیه و مصالح به عهده سازنده است.

مستدعی است نسبت به سؤالات زیر راهنمایی فرمایید:

الف) آیا چنین قراردادی صحیح است؟

بسمه تعالی

قرارداد مذکور از مصادیق بیع و شراء است و مشمول ادله صحت و نفوذ بیع است.

ب) آیا این قرارداد که در کشورهای عربی به عقد استصناع معروف است، در قالب یکی از عقود



متعارف قرار می‌گیرد یا عقد مستقلی است؟

بسمه تعالی

عنوان بیع و شراء بر آن منطبق است اگرچه شرایط بیع نسبه و بیع سلف را ندارد، زیرا شرایط مذکوره شرایط حکم است نه قید مقوم موضوع.

ج) در صورتی که عقد استصناع عقد مستقل باشد، آیا عقد لازم است یا عقد جایز؟

بسمه تعالی

عقد لازم است.

د) در صورتی که عقد استصناع عقد مستقل باشد، چه نوع خیاراتی در آن جاری است؟

بسمه تعالی

خیار شرط و خیار غبن در آن جریان دارد.

هـ) در صورتیکه عقد استصناع عقد مستقلاً باشد، شرایط صحت آن چیست؟

بسمه تعالی

همان شرایط عامه صحت بیع است.

و) آیا سازنده می‌تواند ساخت کالای مورد نظر را به دیگری واگذار نماید؟

بسمه تعالی

اگر شرط مباشرت خودش نشده باشد، می‌تواند به دیگری واگذار نماید.

ز) آیا سازنده می‌تواند کالای ساخته شده‌ای را خریداری و به سفارش دهنده تحویل دهد؟

بسمه تعالی

اگر شرط مباشرت شخص خودش در ساخت آن نشده باشد، مانع ندارد ساخته دست دیگری را تهیه نماید و تحویل مشتری دهد.

۹.۱۵۰. گاهاً به خاطر شرایط خاص (همچون دفاع از مرزهای کشور و خصوصاً در مانورهای نظامی و ...) یگانهای نظامی به صورت موقت در املاک اشخاص مستقر می‌گردند و مالکین آن اراضی نیز رضایتی بر این امر ندارند و نظامیان حاضر نیز قانوناً حق خروج از آن مکان را ندارند. خواهشمند است حکم انجام عبادات، از جمله اقامه نماز در این املاک (غصبی) را بیان فرمایید.

بسمه تعالی

مسئولین یگانهای نظامی و انتظامی مکلفند رضایت صاحبان اراضی و املاک متصرفی یگان را تحصیل نمایند، و اگر خسارتی هم بر آنان وارد شده جبران کنند. ولی پرسنل یگانها که نمی‌توانند از آن مکان خارج شوند، عباداتشان در آن اراضی اشکال ندارد.

۱۰.۱۵۱. برخی یگانهای نظامی دولت به دلیل مشکلات مالی، هزینه آب بهای مصرفی خود را به سازمان آب و فاضلاب نمی‌پردازند و حتی گاه آب مصرفی بعضی از یگانها به صورت غیر قانونی به شبکه آب متصل است. خواهشمند است بفرمایید آیا با این آب (که متعلق به دولت است و مانیز جزئی



از دولت محسوب می‌گردیم و در جهت خدمت به مردم تلاش می‌کنیم) می‌توان وضو و غسل انجام داد یا باید تیمم کرد؟ لطفاً پاسخ را واضح مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی

بر مسئولین یگانها لازم است اجازه سازمان آب و فاضلاب را راجع به استفاده از آن آب تحصیل نمایند، ولی پرسنل اگر نمی‌توانند از آب دیگری که مباح باشد، استفاده نمایند مانع ندارد از آن آب برای وضو و غسل و سایر تصرفات استفاده کنند.

۱۱. ۱۵۲. در بین مردم باب شده که تعدادی از افراد مثلاً ۲۰ نفر ماهانه هر کدام ده هزار تومان طبق قراردادی که همه آن را قبول کرده‌اند روی هم می‌گذارند و هر ماه به یکی از افراد به قید قرعه کل مبلغ را برای رفع گرفتاریهای مالی می‌دهند و فردی که پول را می‌گیرد، همه ماهه همان ده هزار تومان را تا تمام شدن قسط می‌دهد و بقیه نیز به قید قرعه و نوبت، پول را می‌گیرند و هیچگونه سود یا کارمزد به هیچ کس تعلق نمی‌گیرد. لطفاً حکم شرعی این مسأله را بفرمایید.

بسمه تعالی

مشارکت در قرض دادن به اعضاء صندوق به شرح فوق الذکر اشکال ندارد.

۱۲. ۱۵۳. احتراماً استدعا دارد نظریه شرعی حضرت مستطاب عالی در خصوص عقد مضاربه با شرایط

ذیل را امر به ابلاغ فرمایند:

قرارداد مضاربه

۱. مبلغ صد میلیون ریال توسط مالک برای انجام مضاربه به مدت یکسال در اختیار عامل قرار داده شده و نحوه تقسیم سود بر مبنای ۸۰ درصد مالک و ۲۰ درصد عامل تعیین گردیده و نظر به اینکه فعالیت اقتصادی عامل سودآور می باشد لذا طرفین قرارداد توافق نمودند که چنانچه سود حاصله در پایان مدت قرارداد (یک ساله) کمتر از ۳۶٪ کل سرمایه (سیصد و شصت میلیون ریال) در سال باشد، ما به التفاوت آن را رأساً به مالک تملیک نماید. ۲. عامل متعهد گردیده چنانچه به هر دلیلی ولو عللی که خارج از اختیار و توانایی وی باشد و یا حتی به علت حوادث و عوامل قهری، سرمایه موضوع قرارداد تلف شود و یا دچار نقصان گردد و یا به آن خسارتی وارد شود، عامل از مال خود مجاناً به میزانی که حداقل معادل سرمایه گذاری مالک به اضافه ۳۶٪ باشد، به مالک تملیک و صلح بلاعوض نماید.

۳. همچنین عامل مکلف است در سررسید تعیین شده، اصل سرمایه و سود متعلقه را بپردازد. به علاوه چنانچه عامل به هر دلیلی تمام یا قسمتی از اصل سرمایه یا سود را در موعد مقرر نپردازد، مالک محق است علاوه بر سود مقرر، ماهانه دو درصد دیگر از کل مبلغ بدهی را از تاریخ سررسید لغایت زمان



بازپرداخت به عنوان جریمه از عامل مطالبه نماید.

بسمه تعالی

قرارداد مضاربه به شرح فوق اشاره اگر حقیقتاً قرارداد مضاربه باشد، و شروط در رابطه با آن به شرح فوق اگر شرط در رابطه با مضاربه و تضمین مال المضاربه و سود تخمینی عادلانه آن باشد نه حيله برای رسیدن به بهره پول و ربا، و شروط در ضمن عقد خارج لازم تحقق پیدا کند، بی اشکال و محکوم به صحت و لزوم است.

۱۳. ۱۵۴. احتراماً به عرض می‌رساند شخصی ملک معینی را از دیگری خریداری می‌کند. برای پرداخت ثمن اجل تعیین می‌شود و برای تسلیم مبیع نیز مدّت معین می‌گردد. آیا این بیع از نوع بیع الدین بالدين (کالی به کالی) است و باطل می‌باشد؟

بسمه تعالی

با فرض این که مبیع، عین شخصی خاص باشد، معامله به نحو مذکور اشکال ندارد.

۱۴. ۱۵۵. اگر شخصی به علت نیاز به پول جهت ساختن ساختمانی و جلوگیری از نزول، تعدادی از واحدهای این ساختمان را در غالب بیع پیش فروش به قیمت متری ۳۰۰ هزار تومان به صورت کتبی تنظیم کرده و معامله کند و در ضمن آن شرط کند پس از مدّتی معین در صورت توانایی فروشنده، همان واحدهای فروخته شده را با محاسبه سود ۳ درصد بنا به آنچه در عرف بازار

است، به قیمت متری ۳۱۰ هزار تومان بخرد و در
غیر این صورت معامله به قوّت خود باقی بماند، آیا
معامله مذکور صحیح است؟

بسمه تعالی

فروش به نحو مذکور با تعیین مشخصات دقیق
واحد‌های مورد فروش و شرط خرید از خریدار به
مبلغ قراردادی در آینده اشکال شرعی ندارد، به
شرط آنکه فروش و خرید جدّی باشد نه فرار از ربای
قرضی که بخواهد پولی از خریدار اسمی بگیرد و
بعداً همان پول را با سود برگرداند.

۱۵۶. ۱۵. آیا مالکیت زمانی صحیح است که مثلاً
یک آپارتمان متعلّق به ۱۲ نفر باشد به این صورت
که هر کدام یک ماه خاص مالک آن باشند؟

بسمه تعالی

واگذاری منفعت ملک به شخص حقیقی یا حقوقی
برای مدّت محدود در یکسال یا برای همان مدّت
محدود در چند سال به صورت اجاره یا صلح منفعت
اشکال شرعی ندارد؛ خواه واگذاری تمام منفعت
به یک شخص و یا واگذاری منفعت به چند نفر به
نحو مشاع که در همان زمان واگذاری، همه افراد
مورد نظر مالک آن منفعت باشند لکن در استفاده،
مشروط به اینکه بین خود توافق کنند که هر فردی
به تنهایی در یک زمان معین از آن استفاده کند.
ولی ملکیت زمانی عین به نحوی که عین را مالک
باشد تا زمان مشخصی، این صورت شرعی ندارد؛
خواه به صورت فردی و خواه به صورت جمعی به

نحو اشاعه، به نحوی که نفر اول فقط در زمان اول و نفر دوم در زمان دوم مالک عین باشد و یا چند نفر مجموعاً به نحو مشاع تا زمان خاصی مالک آن عین باشند این صورت شرعی ندارد.

۱۵۷. ۱۶. در حدود ۴۵ سال قبل، مرحوم پدرم، پسربچه‌ای صغیر و یتیم (حدوداً ۸ یا ۹ ساله) را بنا به درخواست دایی‌اش برای انجام کارهای منزل و خارج منزل پذیرفته است. و علی‌رغم اینکه دایی (به سبب قحطی و فقرات) فقط به تأمین خوراک و پوشاک او راضی بوده، اما پدرم شرط کرده است در صورتی که بدون اطلاع و اجازه پدرم از نزد آنان نرود، در پایان به ازای هر سال مبلغ ۵۰۰ هزار ریال به او بپردازد و در غیر این صورت چیزی (جز خوراک و پوشاک) طلبکار نخواهد بود. اما آن پسربچه بعد از حدود ۷ الی ۸ سال پس از جزو بحث با خواهرم، در غیاب پدرم و بدون اطلاع از آنجا رفته است و در زمان حیات پدرم دو بار برای دریافت اجرت به وی مراجعه کرده که ظاهراً پدرم پرداخت نکرده است. اکنون با توجه به این موضوع، خواهشمند است پاسخ سؤالات ذیل را بیان فرمایید:

۱. با توجه به صغیر و یتیم بودن فرد، آیا این شرط پدرم صحیح بوده یا خیر؟

بسمه تعالی

شرط مزبور صحت شرعی ندارد.

۲. در صورت صحّت شرط باتوجّه به اینکه پسر بچه به شرط عمل نکرده، آیا اکنون چیزی طلبکار است یا نه؟

۳. در صورت عدم صحّت شرط آیا باز هم پسر بچه طلبکار است یا خیر؟

بسمه تعالی

۲ و ۳. پسر بچه در مدّتی که برای پدرتان کار کرده است، اجرت المثل عملش را حق دارد.

۴. در صورتی که طلبکار باشد، آیا مبلغ مورد قرارداد باید پرداخت شود یا بر مبنایی دیگر؟

۵. در صورت طلب مبلغ قرارداد، آیا همان پانصد هزار ریال را طلبکار است یا معادل ارزش فعلی آن مبلغ را؟

بسمه تعالی

۴ و ۵. مبلغ مورد قرارداد میزان نیست، بلکه میزان اجرت المثل خدماتی است که پسر بچه انجام داده است.

۱۵۸. ۱۷. لطفاً بفرمایید در صورتی که از ورثه دستۀ اوّل، فقط فرزندان در حال حیات باشند ولی هیچگونه اطلاعی از آنها در دست نباشد و تقریباً از پیدانمودن آنها ناامید باشیم، باید با ماترک متوفی چه کرد؟

بسمه تعالی

حکم مجهول المالک مترتب است.

۱۵۹۰۱۸. اگر کسی ما را بزند به طوری که دیه واجب نشود، آیا ما هم می‌توانیم او را همان‌طور بزنیم؟
بسمه تعالی
در مورد ضربه زدن قصاص نیست.



احکام بانکها

۱۰۱۶۰. احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب برای خرید خودرو از صندوق انصارالمجاهدین مبلغ پنج میلیون تومان وام درخواست نموده‌ام. صندوق پرداخت مبلغ مذکور را مشروط به باز نمودن حساب با موجودی مبلغ یک میلیون تومان اعلام داشته، ضمن اینکه این مبلغ تا پایان پرداخت اقساط وام (۴۸ ماه) قابل برداشت نبوده و هیچ سودی هم در قبال این مبلغ به دریافت‌کننده وام پرداخت نخواهد شد. با عنایت به مطالب فوق، خواهشمند است بفرمایید وجه شرعی این امر چگونه است؟

بسمه تعالی

اگر پرداخت وام در قرارداد وام مشروط به سپردن مبلغی به صندوق باشد، چنین قراردادی ربوی و حرام است، ولی اصل قرض صحیح و پول قرضی حلال است، و چنانچه از باب تخصیص اعطای وام به کسانی باشد که در صندوق سپرده دارند اشکال ندارد.

۲۰۱۶۱. شخص قصد گرفتن وام از بانک دارد. ضامن، س ندمنزلش را به عنوان ضمانت در اختیار بانک قرار می دهد و با وام گیرنده شرط می کند در قبال ضمانت انجام شده و گذاشتن سند، ماهانه مبلغی را از وام گیرنده دریافت کند. حال؛

۱. آیا این شرط صحیح است؟

۲. آیا پولی که تحت این عنوان دریافت می شود، صحیح و بلا اشکال است؟

۳. آیا اگر در قبال ضمانت و سندی که در اختیار بانک قرار می دهد، از وام گیرنده چک و سفته نیز (برای تضمین بیشتر) دریافت شود، اشکال دارد؟

بسمه تعالی

دریافت مبلغی بابت حق الزحمه از وام گیرنده اشکال ندارد و دریافت چک یا سفته از این بابت بی اشکال است.



احکام هبه

۱۶۲. ۱۰. من می خواهم مبلغی پول به همسر و فرزندانم هبه کنم. آیا باید مستقیماً به دست آنها بدهم یا اگر به حساب بانکی اختصاصی آنها هم واریز کنم، کافی است؟ و در صورت دوّم، آیا گفتن آنها که «به حساب بریز»، شرط است یا خیر؟

بسمه تعالی

به دست شخص آنان دادن شرط نیست، اگر به

حساب آنان بریزید به گونه‌ای که پول در اختیار آنان قرار بگیرد، کفایت می‌کند.

۲.۱۶۳.

۱. آیا مادر هم می‌تواند از طرف کودک یک ساله از

دیگران هدیه قبول کند یا فقط پدر می‌تواند؟

۲. آیا وقتی برای کسی هدیه می‌بریم و آن را در

خانه‌شان می‌گذاریم و آنها تشکر می‌کنند، قبض

صورت گرفته، یا باید ببینیم که آن را در دست

می‌گیرند؟

۳. وسایلی خریدم (مانند کیف و توپ ورزشی و

...) که مورد استفاده همسرم بود و او آنها را هر جا

می‌خواست می‌گذاشت و کامل در اختیارش بود

(حتی من جای دقیق آنها را نمی‌دانم)، ولی هنوز آنها

را به او نبخشیده بودم. اگر روز تولدش به او بگوییم:

آن وسایل را به تو هدیه کردم، کافی است یا او باید

آنها را مجدداً در دست بگیرد تا قبض حاصل شود؟

بسمه تعالی

۱. مادر در قبول هدیه برای طفل ولایت ندارد.

۲. همین که هدیه در اختیار شخص قرار بگیرد و

مطلع شود، کفایت می‌کند.

۳. اگر وسایل یادشده فعلاً موجود است و در دست

ایشان است، می‌تواند آنها را به او ببخشد و کفایت

می‌کند.

۱۶۴. ۱. ۳. آیا می‌شود پول یا اموالی را به کسی هدیه کرد مشروط به این که تا زمان مشخصی سود ناشی از آن مال، متعلق به هدیه‌کننده باشد؟
 ۲. در این صورت، آیا خمسی بر عهده هدیه‌گیرنده. بابت سود آن که در دست هدیه‌دهنده است. قرار می‌گیرد؟

بسمه تعالی

۱. چنین شرطی صورت شرعی ندارد.
۲. خمس درآمد در زائد بر مؤونه سال بر عهده هدیه‌گیرنده است (پس از وصول).



احکام وقف

۱۶۵. ۱. حدود یک صد و پنجاه سال قبل، اجدادم در ماسال گیلان در حضور علمای روز، املاک در خور استفاده فراوان را وقف اولاد ذکور کرده‌اند. اصل وقف‌نامه سنه ۱۲۷۹ قمری موجود است، آنچه در سطر پایانی همین وقف‌نامه آمده این‌طور نوشته‌اند:.... هر گاه خدای نکرده ذکور منقرض شود، اولاد اولاد موقوفه (دنباله جمله متأسفانه محو گردیده) در طول زمان، ذکوران از املاک استفاده کرده‌اند. تا اینکه رسیده به پدربزرگم، او موقع رحلت پسر نداشته، دخترش که مادر من باشد املاک را تصرف کرده و الآن بهره‌برداری می‌کند. بعد از مرگ مادر، املاک به تصرف من

درخواست آمد. حال، سؤال این است که:

هر گاه ملکی وقف اولاد ذکور گردد، در طول زمان نسل ذکور منقرض شود، در وقفنامه تکلیف املاک به شرح یادشده نامعلوم گردد، حکم شرعی چیست؟

بسمه تعالی

با انقراض اولاد ذکور از ذکور، نوبت به اولاد اناث و ذکور اناث می‌رسد.

۱۹۸



راهنمای فتاوا

۱۶۶. ۲. آیا برداشت از ذخایر یا معادن واقع در زمین موقوفه جایز است؟

بسمه تعالی

بهره‌برداری از ذخایر و معادن موجود در زمین موقوفه با رعایت جهت وقف اشکال ندارد، لکن این امر اگر منتهی به افناء عین موقوفه نشود، جزو درآمد موقوفه محسوب و وجه فروش آن پس از کسر هزینه استخراج باید در همان جهت وقف مصرف شود. ولی اگر استخراج معادن از زمین موقوفه منتهی به افناء و انعدام زمین موقوفه شود، باید وجوه حاصله از فروش معادن استخراجی صرف خرید مال مشابهی و وقف آن در همان جهت وقف زمین موقوفه گردد.

۱۶۷. ۳. در وقفنامه متولی منصوص، اکبر اولاد ذکور واقف نسلاً بعد نسل منظور شده است. مقرر فرمایید آیا مقصود از آن اکبر اولاد ذکور، به صورت

عمودی است به طوری که پس از تولیت ولد اکبر ذکور، ولد اکبر ذکور، متولی محسوب می‌شود و پس از او نیز ولد اکبر ذکور او و الخ؟ یا اکبر اولاد ذکور به صورت افقی است؛ یعنی پس از واقف، اکبر اولاد ذکور وی و پس از او، برادر بزرگترش و مادامی که برادران متولّی اوّل زنده هستند فرزندان او متولی نخواهند شد تا آن که نسلی منقضی شود و تولیت به اکبر اولاد نسل بعدی برسد؟

لازم به ذکر است که در ما نحن فیه سیره جاریه این بوده که تولیت با همین شیوه به شکل عمودی اعمال شده و در غالب وقفهای روستا نیز از قدیم اولاد ذکور متولّی منصوص بوده و از پدر به فرزند اکبر ذکور وی منتقل شده است و برادران نقشی نداشته‌اند.

بسمه تعالی

ظاهر تعیین تولیت وقف به نحو مزبور در فوق انتقال تولیت از ولد اکبر به فرزند اکبر وی است.

۱۶۸. ۴. احتراماً به استحضار حضرتعالی می‌رساند پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، قطعه زمینی به مساحت ۴۸۲۵ متر مربع جهت احداث مسجد در اراضی معالی آباد شیراز توسط مرحوم مغفور حضرت آیت الله دستغیب واگذار گردید که در حال حاضر در اجرای طرح تفصیلی بهسازی و نوسازی منطقه معالی آباد، قسمت بزرگی از



ساختمان مسجد در طرح تعریض خیابان قرار گرفته است. اخیراً نیز در اجرای پروژه مشارکتی، مسکونی، تجاری، فرهنگی و خدماتی معالی آباد که در مجاورت مسجد مذکور پیش بینی شده است، احداث یک مسجد با کلیه امکانات لازم از قبیل پارکینگ و وضوخانه و حیاط به عمل آمده که منطبق با اصول معماری و شهرسازی می باشد.

از آنجائیکه به لحاظ اجرای این طرح، توفیق ساخت مسجدی در خورشان نام آن شهید بزرگوار و شهر شیراز حاصل آمده است و از طرفی متولّی وقت مسجد، حضرت حجت الاسلام والمسلمین سیدهاشم دستغیب نیز تغییر مکان و ساخت مسجد دیگری را در نزدیکی همان محل به صرفه و صلاح موقوفه دانسته است و نظر موافق خود را طی مرقومه مورخ ۸۱/۷/۱۷ به شریک پروژه اعلام داشته است. لذا از آن مقام محترم تقاضا دارد مجوّز لازم در خصوص تغییر و جابجایی موضع مسجد به شرح فوق را امر به ابلاغ فرمایید.

بسمه تعالی

مسجد قابل تغییر مکان و جابجایی نیست، و اگر احیاناً در موردی ضرورت غیر قابل چشم پوشی ایجاد کند که قسمتی از مسجد تخریب شود، باقیمانده ساختمان مسجد باید به حال خود باقی بماند و قابل تغییر و تبدیل نیست.

۱۶۹. ۵. قطعه زمینی در جنب مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) واقع در کیلومتر ۴ جاده تهران. ساوه قرار گرفته که بیش از ۳۰ سال قبل مالک آن به عنوان مسجد وقف نموده و اهالی محل هم به عنوان فوق در آن زمین نماز خوانده و عزاداری نموده‌اند، ولی به علت اینکه این زمین در مجاورت مسجد واقع شده و استفاده خاصی از آن نمی‌شود، به صورت مخروبه درآمد و بلااستفاده مانده است. حال، با توجه به اینکه این محل بدون استفاده مانده و هیچگونه دخل و تصرف معقول و منقول و یا حتی عرفی از آن نمی‌گردد، خواهشمند است نظر خویش را در مورد تبدیل این زمین موقوفه برای استفاده اصلح از قبیل حوزه علمیه، حسینیه، کتابخانه، محل انجام فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی، منبع درآمد اقتصادی برای مسجد و یا حداقل طبقه همکف به عنوان مسجد و زیرزمین و طبقات فوقانی آن به صورت یکی از موارد فوق بیان فرمایید.

بسمه تعالی

با فرض اینکه آن قطعه زمین به عنوان مسجد وقف شده و با نماز خواندن اهالی محل در آنجا به عنوان مسجد به قبض مسجد درآمد و عنوان مسجدیت تحقق پیدا کرده، حکم مسجد بر آن مترتب است، و استفاده‌های دیگر از آن شرعاً جایز نیست ولی وصل کردن آن به مسجد جنب آن جهت توسعه مسجد مانع ندارد.

۱۷۰. ۶. شخصی از محل درآمد و عواید موقوفه‌ای و از محل واگذاری حقوق استیجاری املاک موقوفه مبادرت به احداث اعیان بر روی عرصه متعلق به ثالث که وقف نبوده، نموده است و ملک و اعیان مورد بحث را ابتدائاً به تصرف موقوف علیهم نیز داده است. نظر خود را در خصوص اعیان مورد بحث و اینکه متعلق به چه شخصی می‌باشد، بیان فرمایند.

بسمه تعالی

اگر شرعاً مجاز به صرف درآمد موقوفه در احداث بنای اعیانی دیگر بوده، آن اعیان احداثی حکم وقف را دارد که باید درآمد آن در همان جهت وقف موقوفه اول صرف شود.

۱۷۱. ۷. آیا جمع‌آوری مبالغی با هماهنگی سازمانها و افراد خیر برای اهدای جوایز به محققان و نگهداری آن وجوه بصورت وقف در حسابی ویژه برای استفاده از منافع سالانه آن جایز است؟

بسمه تعالی

تطبیق عنوان وقف با این مورد، محل شبهه است لکن دانشگاه می‌تواند با اجازه صاحبان پول یا با اخذ وکالت از آنان، مبالغ مذکور را به شکل مورد نظر خود سپرده‌گذاری کند.

۱۷۲. ۸. در موارد متعددی در رقبات وقفی، موضوع واگذاری سرقفلی به مستأجر در واحدهای تجاری پیش می‌آید و به نوعی واگذاری سرقفلی، انتقال

عمده منافع رقبه در بلندمدت به مستأجر می باشد
که تا حدی شبیه به حق تملک اعیان می باشد، آیا
اخذ اجازه از سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه در
واگذاری حق سرقفلی الزامی است یا خیر؟

بسمه تعالی

احتیاط آن است که اجازه بگیرند.

۲۰۳

فتاوی

راهنمای فتاوا

۱۷۳. ۹. زمینی است که سالیان گذشته در
حوالی شهر بوده و وقف منفعت شده است، حال
در محدوده شهر واقع شده است. اهالی محل
می خواهند در آن مسجد احداث کنند، آیا می شود
این زمین را وقف مسجد کنند؟

بسمه تعالی

وقف مجدّد صحیح نیست لکن اگر زمین را برای
مدّت طولانی اجاره کنند و در آن مسجد احداث
نمایند، حکم مسجد بر آن مترتب است.

۱۷۴. ۱۰. هر گاه در اساسنامه مؤسسه ای که
تأسیس می شود قید شود که مثلاً ۵ نفر به عنوان
هیأت امناء مؤسسه انتخاب می شوند و احیاناً اگر
برخی از آنان از عضویت کناره رفت و یا به دلیل برخی
عوارض کنار گذاشته شد، شخص دیگری را به
جای او انتخاب می کنند. حال، اگر این مؤسسه
دارای مالی باشد و آن را وقف کنند، هیأت امنائی که
بعداً انتخاب می شوند و هنگام انشاء وقف وجود
ندارند، آیا عدم وجود و تعیین آنان مانع صحت
جعل تولیت وقف برای آنها نیست؟

همین سؤال در موردی که تولیت وقفی را برای شخصی قرار دهند و بعد از مرگ او، تولیت را با عالم عادل محل یا شهر و یا روستا قرار دهند، جاری است.

بسمه تعالی

اگر در انشاء وقف به این نحو در نظر گرفته شده باشد، مانع ندارد، ولی اگر بعد از تحقق وقف بخواهند به این نحو عمل کنند صحیح نیست.

۱۷۵. ۱۱. آیا واگذاری زمین برای احداث مسجد و

حسینیه، توسط بنیاد مستضعفان جایز است؟

بسمه تعالی

به نظر می‌رسد که وقف اموال از سوی مالک حقوقی جایز است مثل وقف املاک دولتی بوسیله دولت با لحاظ شرائط لازم. بنابراین، بنیاد می‌تواند در مواردی که لازم است زمینهایی را برای مسجد وقف کند.



احکام وصیت

۱۷۶. ۱. پدر شخصی وصیت می‌کند تا بعد از مرگش از ترکه‌اش زمین مخصوصی را فروخته ثمنش را صرف ساختمان مسجدی نمایند. یکی از ورثه‌اش نسبت به مقدار ثلث ترکه آنرا تنفیذ و مازادش را در سهم خود رد می‌کند و جریان را به وصی پدر و به سایر ورثه اعلام می‌دارد و حکم شرعی آن را نیز متذکر می‌شود اما وصی و سایر ورثه به

گفته‌ی وی اعتنایی نکرده زمین را می‌فروشند و ثمن را به صورت چک در اختیار بعض ورثه که متصدی ساختن مسجد است گذاشته و وارث مزبور ثمن را صرف ساختمان مسجد می‌نماید.

این شخص اصل فروش زمین را امضاء می‌کند ولی هرگز وصیت پدر را نسبت به مازاد بر ثلث در سهم خود تنفیذ نمی‌کند و راضی نیست، به وصی پدر و به متصدی ساختمان هم مراجعه کرده آنان کما کان بی‌اعتنایند و از طرفی مال دیگری هم از مورث در دست نیست تا از آن تقاض نماید. اما یکی از متدینین بدهی به مورث دارد که احتمالاً ورثه از آن بی‌اطلاعند. آیا این شخص بدهکار می‌تواند به اندازه حق وارث مزبور به او بپردازد و آن را از بدهی‌ای که به مورث دارد محسوب دارد؟

بسمه تعالی

اگر همه وراثت در تضييع حق وارث مزبور سهيم بوده‌اند، تقاضا با رعایت شرائط آن مانع ندارد.



احکام نذر

۱.۱۷۷. آیا نذر زن در ازدواج موقت بدون اذن همسر

صحیح است؟

بسمه تعالی

اگر با همسر خود زندگی می‌کند، نذر او بدون اذن شوهر صحیح نیست.



۱۷۸. ۲. اگر زنی بدون اذن شوهرش نذری بکند و بعد شوهر آن نذر را اجازه کند، آیا نذرش صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی
تأثیر اجازه بعدی شوهر در صحت نذر زوجه محل اشکال است، احتیاط ترک نشود.

۱۷۹. ۳. نذرت صیام ثلاثة أيام متتالية غیر معینة فمرضت فی اليوم الثالث بحیث اضطرت للإفطار، فهل أقضى هذا اليوم حين المقدرة، أو وجب استئناف الايام الثلاثة حين المقدرة؟

بسمه تعالی
یکفی قضاء اليوم الذی افطرت فيه للمرض و ان كان الاحوط استئناف تمام ثلاثة ايام.

۱۸۰. ۴. هل يشترط فی متعلّق النذر الرجحان الشرعی، أم یکفی الرجحان العقلانی؟

بسمه تعالی
یکفی الرجحان العقلانی.



احکام اطعمه و اشربه

۱۸۱. ۱. یکی از دوستان در دوران جوانی با عدم آگاهی از حکم و عقاب و طی حیوانات، گاوی را و طی نموده و بعداً خانواده گاو را فروختند و اطلاعی از محلّ و شخصی که گاو را خریده نیست و الآن

که به حکم و عقاب این کار آگاه شده بسیار متألم و درمانده شده است. با توجّه به اینکه توبه نموده و بسیار مؤمن و متشرّع شده، نمی داند این گناه را چگونه جبران نماید؛ لذا از آن مرجع فرزانه استمداد می طلبد تا بتواند از این برزخ اسفبار خلاص شود.

چه باید بکند؟

بسمه تعالی

باید قیمت آن گاو را به صاحبش بپردازد و اگر آن گاو موجود است، به وظیفه شرعی در مورد آن عمل نماید.

۱۸۲. ۲. چون پس از نماز شام، آب خوردن در حال ایستاده مکروه است، آیا این حکم در خصوص چای، شیر و آب میوه نیز جاری است؟

بسمه تعالی

در کراهت شرب مایع در حال ایستاده در شب فرقی بین آب و شیر و آب میوه نیست.

۱۸۳. ۳. در رساله حضرت امام خمینی (ره) نوشته شده است که نان را با کارد پاره کردن مکروه است. سؤال این است که آیا برش زدن با قیچی هم مکروه است؟

بسمه تعالی

در کراهت برش نان با وسیله، فرقی بین کارد و قیچی نیست.

احکام غصب

۱.۱۸۴. یکی از دوستان نخی را از پرده کعبه برای بنده به عنوان سوغات آورده است، آیا استفاده از آن به عنوان تبرک در کفتم اشکال دارد یا غصبی است؟
بسمه تعالی
حکم غصب را دارد.

۲۰۸



راهنمای فتاوا

لقطه. مجهول المالک

۱.۱۸۵. در فرودگاههای ترکیه اشیاء و اجناسی که از مسافرین جا می ماند، پس از مدتی و بعد از آنکه صاحبانش پیدا نمی شود آنها را به یک شرکتی می فروشند و آن شرکت هم آن اجناس را به بازار عرضه می کند. آیا خرید آنها جایز است؟
بسمه تعالی

اشیاء به جا مانده از مسافرین، اگر صاحبان آن شناخته و پیدا نشوند در حکم مجهول المالک است که باید با اجازه حاکم شرع به فقراء صدقه بدهند و خرید آنها از آن شرکت جایز نیست.



احکام نکاح

۱۸۶. ۱. شخصی بدون اذن والدین دختری، او را به عقد خویش درآورده، و این کار را به دلیل اینکه معظم له در این زمینه فتوا نداده و احتیاط واجب نمودید، با رجوع به مرجع دیگری که در این مورد فتوا داده است، انجام داده است. آیا چنین عقدی صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی

اگر مرجع تقلید دیگر واجد تمام شرایط تقلید بوده و فتوای وی جواز ازدواج دختر باکره بدون شرط اذن پدر بوده است، در این صورت ازدواج شما اشکال ندارد.

۱۸۷. ۲. هل تعتبر الفتاة التي زالت بكارتها بالزنا أو بوطى الشبهة أو مطلقاً ثيباً وبالتالي يجوز لها الزواج بدون اذن الأب أم لا؟

بسمه تعالی

من ذهب بكارتها بالزنا أو بوطى الشبهة فلاتلحق بالباكرة فى لزوم الاستئذان فى زواجها من ابيها ولكن لا يترك الاحتياط بالاستئذان. و اذا زالت بغير ذلك، وجب الاستئذان منه على الاحوط.

۱۸۸. ۳. آیا یک شیعه می تواند بایک سنّی عقد متعه انجام بدهد (با توجّه به اینکه برادران اهل سنّت عقد موقت را قبول ندارند)؟

بسمه تعالی

اگر طرفین ازدواج معتقد به صحت شرعی عقد متعه نباشند، و قصد جدی در انشاء عقد نداشته باشند، چنین عقدی محکوم به صحت نیست.

۱۸۹. ۴. هر گاه شخصی به خواستگاری دختری برود و بگوید همسر و فرزندی ندارم، و دختر با این شرط آماده ازدواج با او شود و بعد از عقد معلوم شود که مرد دروغ گفته است، آیا زن حق فسخ دارد؟

بسمه تعالی

اگر عنوان تدلیس پیدا کند به طوری که عقد مبنی بر آن بسته شده باشد، دختر حق فسخ دارد.

۱۹۰. ۵. بما ان نفقة الاقارب حکم و لیست حقاً کما فی نفقة الزوجة، هل یلزم من ذلک ان نفقة الاقارب لا تسقط بالاسقاط ممّن تجب نفقته؟

بسمه تعالی

وجوب الانفاق علی الاقارب الفقراء، لا یسقط عمّن یشترط علیه ذلک باسقاط من یشترط علیه.

۱۹۱. ۶. اذا وطئت امرأة شبهة من شخص ثم بعد ایام وطئت شبهة من آخر، و بعد ایام وطئت کذلک من ثالث، فهل یکیفها عدة واحدة عن الجميع تشرع فیها من حین الوطء الاخیر أم یشترط علیها ان تعدّ لكلّ و طء بعدة مستقلة تشرع فیها بعد الوطء الاخیر أو تبدأ بعدة الوطء الاوّل من حین و بعد الفراغ

منها تشرع فی عدة الوطء الثانی و هكذا...

بسمه تعالی

یجب علیها الاعتداد مستقلاً لكل و طی شبهة.

۱۹۲. ۷. لطفاً به استفتاء اینجانب پاسخ کامل

مرحمت بفرمایید:

پدر من شهید شده‌اند و مادرم بعد از شهادت ایشان، با آقایی ازدواج کرده‌اند که یک پسر داشت. بعد از اینکه ما به سنّ تکلیف رسیدیم، مادرم و همسرشان تصمیم گرفتند مسألهٔ حریمیت را در خانه حل کنند. برای خواهر بزرگ من و پسر پدرخوانده‌ام، صیغهٔ مدّت‌دار حریمیت خوانده‌اند و برای من و ابوی پدرخوانده‌ام همین‌طور، ولی بدون اطلاع دقیق من و خواهرم. پدرخوانده‌ام فقط به ما گفته بودند آیا می‌خواهید در خانه راحت باشید و مشکل حریمیت نداشته باشید؟ و ما اظهار رضایت کردیم، ولی نمی‌دانستیم این حریمیت چگونه حاصل می‌شود؛ یعنی نمی‌دانستیم قرار است با چه کسی برایمان صیغه بخوانند ولی ایشان همین اظهار رضایت برای راحت بودن با پسرشان را به مثابهٔ اظهار رضایت برای صیغه تلقّی کرده بودند و صیغه را جاری کردند. زمانی که من از جریان مطلع شدم، ۱۶ یا ۱۷ سال داشتم و متوجّه شدم که حتّی مادرم هم از عواقب این اتفاق اطلاع دقیقی نداشته است. آن سالها بسیار در این مورد تحقیق کردم و از مراجع سؤال نمودم ولی چون از دقایق ماوقع مطلع نبودم،



پاسخ درستی نگرفتیم. زمانی که دوباره اقدام کردم، متوجه شدم که در رسائل آقایان مراجع آمده است که دختر بالغ را بدون اجازه شرعی خودش نمی‌توان صیغه کرد و برای خواندن صیغه، دختر باید بداند برای چه کسی صیغه می‌شود، در صورتی که من نمی‌دانستم! به علاوه، پدر من که شهید شده‌اند و پدر بزرگم هم سالها پیش از این به رحمت خدا رفته‌اند، از خانواده پدر خود هیچ کس از این ماجرا آگاه نبود. بنابراین، مادر و پدرخوانده‌ام، خودشان تصمیم گرفتند. زمانی که حکم صیغه را پرسیدم، پاسخ دادند که یا ولی شرعی باید اجازه دهد یا مادر باید حکم دادگاه داشته باشد لکن هیچکدام از اینها محقق نشده است و یا اینکه من باید به این صیغه راضی شوم، در صورتی که راضی نیستم. وقتی از دفاتر مراجع پرسیدم، همه متفق القول گفتند صیغه باطل است. مسأله مشکل ساز این است که پیش از اطلاع من از جریان، بنده و یکی از نوه‌های پدرخوانده‌ام قصد ازدواج داشتیم. لطف کنید بفرمایید آن صیغه درست است یا خیر؟ و من برای ازدواج با آن آقا محدودیت شرعی دارم یا خیر؟

بسمه تعالی

اگر شما می‌دانستید آنچه قرار است اجرا شود، صیغه ازدواج موقت شما با یک شخص است ولو شخص را نشناسید، این ازدواج واقع شده و آثار شرعی بر آن مترتب است، و همچنین اگر پس از اطلاع از اجرای صیغه و قبل از انقضای آن، سکوت اختیار نموده

باشید که ناشی از رضایت باشد. و در هر صورت، رعایت احتیاط در این مسأله مطلوب است.

۱۹۳. ۸. من یک زن متأهل هستم که متأسفانه همسر من از من تقاضای عمل غیرانسانی جماع مقعدی دارد، و این در حالی است که هرگز و تحت هیچ شرایطی مانع تمتع جنسی اش از مسیر درست نشده‌ام. تاکنون و به هر قیمتی ممانعت کردم ولی هر بار که به ایام عادت ماهانه‌ام نزدیک می‌شوم، ترس وحشتناکی همه وجودم را فرا می‌گیرد که دوباره چه خواهد شد. بفرمایید، تکلیفم چیست؟ آیا در این صورت، به من عنوان «زن ناشزه» اطلاق می‌شود؟

بسمه تعالی

شوهر شرعاً حق ندارد همسر خود را الزام به آمیزش با وی به نحو فوق‌الاشاره نماید، و زن شرعاً حق دارد از تمکین به آمیزش با وی به نحو فوق‌الذکر امتناع ورزد و امتناع زوجه از چنین عملی موجب نشوز وی نمی‌شود.

۱۹۴. ۹. شخصی مدتی است دختر عموی خویش را به عقد خود درآورده و هنوز دختر در خانه پدری به سر می‌برد. با اینکه در عقدنامه شرطی راجع به کار دختر ذکر نشده است، اکنون مدتی است که بدون اطلاع و رضایت مرد، دختر در نهضت سوادآموزی در یکی از روستاهای دوردست مشغول به کار شده



است. آیا زن می‌تواند بدون رضایت شوهر سرِ کار
برود؟

بسمه تعالی

تا وقتی که دختر در خانه پدر زندگی می‌کند،
خروج او از خانه پدری، منوط به اجازه شوهر نیست.

۱۹۵. ۱۰. مهریه خانمی حال بوده، در قانون هم
آمده که «زن تا مهریه را نگرفته می‌تواند از تمکین
خودداری کند»، اگر کار به دادگاه بکشد و با توافق
طرفین مهریه تقسیط شود، آیا با دریافت اولین
قسط، زوجه باید تمکین کند و یا تا دریافت آخرین
قسط می‌تواند از تمکین خودداری نماید؟

بسمه تعالی

تا دریافت آخرین قسط می‌تواند از تمکین (خاص)
خودداری نماید.

۱۹۶. ۱۱. امرأة تزوجت منذ مدة وجاه أحدهم ليدعى
انها تزوجت حال كونه عاقد عليها بالمنقطع و ان
العقد حدّ بعشر سنوات. المرأة نفت أن يكون العقد
عليها لتلك المدة بل كان لثلاثة أشهر و ان عقد
الثاني وقع خارج العدة فبأى القولين يتم الأخذ؟

بسمه تعالی

يؤخذ بقول المرأة ما لم يعلم خلاف.

۱۹۷. ۱۲. عده برای دختر مسیحی مطلقه چقدر

است؟

بسمه تعالی

اگر طلاق‌دهنده مسیحی باشد و در مذهب خودشان قائل به عده طلاق باشند، باید همان عده را مد نظر بگیرند.

۱۹۸. ۱۳. زنی برابر شرائط ضمن عقد از شوهرش

وکالت بلاعزل با حق توکیل در حین عقد نکاح دارد

که چنانچه شوهرش بدون اذن ایشان مبادرت به

ازدواج مجدد نماید، زن با استفاده از وکالت ضمن

العقد به دادگاه مراجعه و خودش را مطلقه نماید.

حالا زوج بدون اذن و صرفاً با استناد به اجازه دادگاه

و نشوز و عدم تمکین زوجه اقدام به ازدواج مجدد

نموده است و متعاقب آن، زوجه پس از مراجعه به

دادگاه و اثبات ازدواج مجدد از جانب شوهرش

درخواست گواهی عدم امکان سازش و طلاق را

نموده است. آیا اجازه دادگاه مبنی بر ازدواج مجدد

توسط شوهر جایگزین اذن زن می‌گردد یا خیر؟

و اگر جایگزین نمی‌گردد، اجازه طلاق به وسیله

دادگاه به زن شرعاً با توجه به اینکه زن ناشزه

بوده و نیز دادگاه به شوهر اجازه ازدواج مجدد داده

است، صحیح است یا خیر؟ و چنانچه زن در صورت

جدایی، با استفاده از وکالت ضمن العقد شوهر

نماید، ازدواج ایشان شرعاً صحیح است یا خیر؟



بسمه تعالی

در فرض مرقوم احتیاط آن است که دادگاه رضایت مرد بر طلاق را کسب کند و طلاق شرعی جاری شود.

۱۹۹. ۱۴. شخص تزوج امرأة زواجاً مؤقتاً و بعد فترة افترق عنها و لم يهبها ما بقى من مدة و بعد مدة رجع اليها ولكن لم يعرف هل انتهت مدة العقد أم لا، فما وظيفته للرجوع اليها؟

بسمه تعالی

ما لم يحرز بقاء مدة العقد لايجوز الرجوع اليها على الأحوط الا بعقد جديد.

۲۰۰. ۱۵. تزوجت زواج منقطع و كانت صيغة العقد (زوجتك و انكحتك نفسى بمهر قدره ۵۰۰ دينار للعمر كله) و التقيت به و حصل دخول مرتين و لكن بعد سؤالى اخبرونى ان الصيغة خاطئة فيجب تحديد الوقت. بعد هذا انفصلت عنه و علماً اننى لم استلم المهر منه حتى هذه اللحظة. فما حكم هذا الزواج و هل على اثم و هل توجب على كفارة، و هل على عدة، و هل تكون العدة حيضة واحدة لبطلان العقد أم ۳ حيضات؟

بسمه تعالی

العقد المزبور محكوم بالصحة و لكن يترتب عليه حكم العقد الدائم و يكون الانفصال بالطلاق و تكون العدة فى الانفصال بالطلاق ثلاثة اطهار.

بسمه تعالی

در هر صورت هزینة زایمان را شوهر باید بپردازد و اگر

زن ناشزه باشد، سایر هزینه‌ها را استحقاق ندارد.

۲۰۲۰۱۷. آیا در ازدواج موقت می‌توان تمام حقوق

ازدواج دائم را شرط ضمن عقد نمود؟

بسمه تعالی

محل اشکال است.

۲۱۷

فتاوی

راهنمای فتاوا

۲۰۳. ۱۸. بیان شده در ایام عادت زنان، تمتّع

جنسی و لذت بردن از ناحیه ناف تا زانو توسط

همسر مکروه است. آیا این کراهت مختص ناحیه

جلوی بدن آنهاست یا ناحیه پشت بدن را هم (از

راستای ناف تا راستای زانو) شامل می‌شود؟

بسمه تعالی

فرقی بین ناحیه جلوی بدن و ناحیه پشت بدن در

حکم کراهت مزبور نیست.

۲۰۴. ۱۹. اگر پدر و مادر مخالف ازدواج پسر باشند

و اذیت هم می‌شوند اما مخالفتشان غیر منطقی

و بی‌دلیل بوده و ازدواج به مصلحت پسر باشد،

آیا با فرض اذیت شدن والدین (ولو بی‌دلیل و غیر

منطقی)، مرتکب حرامی شده است؟

بسمه تعالی

پدر و مادر در امر ازدواج پسر ولایت ندارند و در فرض

سؤال، حرمت مخالفت والدین معلوم نیست.

احكام طلاق

٢٠٥. ١. امرأة متزوجة لديها فى عقد الزواج الشرط الاتى وكالة مطلقة عن... فلان فى طلاق نفسى. اى الزوجة. وهى وكالة غير قابلة للعزل الزوجة اجرت الطلاق لمرة واحدة، واعادها الزوج اليه غيابياً وبدون رضاها او موافقتها، فالزوج مقيم فى احدى الدول العربية والزوجة مقيمة فى احدى الدول الغربية.

١. فهل يحق للزوجة أولاً اعادة اجراء الطلاق مرة ثانية؟ فان كان الجواب بالنفى، فما هى قائدة هذه الصيغة اى الوكالة المطلقة و الغير قابلة للعزل؟ يعنى اذا كان يحق للزوجة باستعمالها مرة واحدة و ان كان للزوج الحق فى اعادتها غيابياً و حتى بدون رغبتها فى العودة فما هى الفائدة من ان تكون الوكالة مطلقة و غير قابلة للعزل.

٢. يرجى توضيح معنى وكالة مطلقة وايضاً غير قابلة للعزل.

بسمه تعالى

١. بعد رجوع الزوج الى زوجته المطلقة ليس للزوجة اعادة اجراء الطلاق مرة ثانية، استناداً الى الوكالة التى اخذتها فى الزواج الاول.

٢. و معنى الوكالة المطلقة غير القابلة للعزل: هو جواز الاخذ بالوكالة على اى حالٍ بالنسبة للعقد الاول.

۲۰۶. ۲. اگر زن را دو بار طلاق دهد، بعد از طلاق دوّم و انقضاء عده، کسی او را متعه کند، آیا عقد متعه هادم اثر دو طلاق سابق هست که با طلاق سوّم به محلّ محتاج نباشد؟

بسمه تعالی
متعه، هادم نیست علی الاحوط الوجوبی.

۲۰۷. ۳. ثبت طلاقیهای معوّقه بانوانی که طلاق محلّی آنها انجام گرفته ولی به علّت مفقودالاثر بودن شوهر، امکان ثبت آن نیست و زن در بلا تکلیفی بسر می برد که بر اثر این بلا تکلیفی زوجه در عسر و حرج قرار گرفته و فرزندان حاصل از این ازدواج نیز به دلیل عدم حضور پدر از داشتن هر گونه مدرک هویتی ایرانی محروم گردیده اند. به عنوان مثال: زن و شوهر ایرانی که مقیم در کشور آمریکا بوده اند، حدود ۸ سال قبل به دلیل نداشتن توافق در ادامه زندگی به دادگاه عالی ایالت کالیفرنیا شهر لوس آنجلس مراجعه و دادگاه مذکور حکم به فسخ نکاح (طلاق) آنها را صادر می نماید و از آن تاریخ تا کنون بین زوج و زوجه مفارقت حاصل شده و از محل زندگی زوج هم اطلاعی در دست نیست. با توجّه به صورت مسأله فوق، زوجه متقاضی اجرای صیغه طلاق است و از این جهت در عسر و بلا تکلیفی به سر می برد.

آیا حاکم شرع می تواند صیغه طلاق را در چنین شرایطی با مراجعه زوجه و تظلم او جاری نماید؟ در



صورت جواز، نوع طلاق اعم از رجعی، خلع و مبارات را مشخص فرمایید. ضمناً ثمره ازدواج، یک فرزند بوده که در مدت مفارقت، زوج هیچگونه هزینة و نفقه‌ای را پرداخت ننموده است.

بسمه تعالی
وکیل حاکم شرع می‌تواند در این مورد صیغه طلاق را اجرا کند.

۴.۲۰۸. اگر زنی که حکم وجوب عده رانمی دانسته، پس از اطلاع از حکم وجوب عده شک دارد که عقد دوم در زمان عده بوده یا بعد از آن، آیا باز هم بر مرد حرام ابد می‌شود؟

بسمه تعالی
اگر احرار از نکند که عقد دوم بعد از انقضای عده بوده، باید آثار حرمت بر آن بار کند.

۵.۲۰۹. آیا زن می‌تواند در طلاق خلع، حق رجوع به مهریه یا فدیة راز خود ساقط نماید؟

بسمه تعالی
با اسقاط حق رجوع، حق رجوع ساقط نمی‌شود.



احکام زکات

۱.۲۱۰. نحن اعضاء صندوق خیری فی القرية، نقوم

بجمع زکاة الفطرة من المؤمنین و تسليمها للفقراء بالوكالة عن اصحابها، وبالتالي تتجمع لدينا زکوات كثيرة. فهل يجوز خلطها مع بعضها البعض بحيث لا تميز زکاة زيد عن زکاة عمرو من ثم توزيعها على الفقراء بحسب الحاجة ام أنه لا يجوز و يجب مراعاة عدم اختلاطها مع بعضها البعض؟

بسمه تعالى

لا مانع من الخلط، ولكن لابد من اعطاء زکاة الفطرة من شخص واحدٍ لفقيرٍ واحدٍ على الاحوط.



احکام قصاص و دیات

۱. ۲۱۱. شخصی به قتل می‌رسد، ولی دم منحصر است به پدر و مادر مقتول. قبل از قصاص قاتل، مادر مقتول فوت می‌نماید.

۱. آیا ورثه مادر در کنار پدر مقتول، «ولی دم» خواهند بود و حق درخواست قصاص دارند؟

۲. آیا در صورت مصالحه پدر مقتول به وصول دیه، ورثه مادر ملزم به پذیرش قدرالسهم مادر خواهند بود؟

۳. در فرض مذکور، با وجود پدر، آیا حق قصاص به طبقه بعد از وراثت خواهد رسید یا خیر؟

بسمه تعالى

با فوت مادر، ولی دم تنها پدر است و حق مادر به ورثه اش منتقل نمی‌شود و ورثه مادر سهمی در دیه

تصالحی، و یا حق قصاص ندارند.

۲۱۲. ۲. نظر فقهی حضرتعالی درباره محق بودن ولی قهری (پدر یا جد پدری) یا قیم انتخابی دادگاه برای درخواست قصاص یا دیه، در فرضی که اولیای دم مقتول در قتل عمدی جملگی صغیر یا مجنون باشند، مورد نیاز است لطفاً پاسخ فرمایید.

بسمه تعالی

از مجموع ادله ولایت اولیای صغیر و مجنون چنین استفاده می شود که جعل ولایت برای آنان از طرف شارع مقدس به خاطر حفظ مصلحت مولی علیه است. بنابراین، در مسأله مورد بحث که اولیای دم صغیر و مجنون می باشند، ولی شرعی آنان باید با ملاحظه غبطه و مصلحت آنان اقدام کند و انتخاب او نسبت به قصاص یا دیه یا عفو مع العوض یا بلاعوض نافذ است. بدیهی است که تشخیص مصلحت صغیر و مجنون باید با ملاحظه همه جوانب و از جمله نزدیک یا دور بودن او از سن بلوغ و افاقه صورت گیرد.

۲۱۳. ۳. شخصی به قتل رسیده و اولیاء دم او مادر مقتول و یک دختر پانزده ساله و یک دختر هجده ساله می باشند. شخصی که به قصاص محکوم گردیده، رضایت فرزندان مقتول را به عنوان پنج ششم رضایت اخذ نموده است، ولی به علت فوت مادر مقتول موفق به اخذ رضایت از ایشان نگردیده است، آیا پس از فوت مادر مقتول، برادران و خواهران

مقتول که ورثهٔ مادرِ مقتول محسوب می‌شوند،
حق قصاص دارند یا خیر؟

بسمه تعالی

بعد از فوتِ مادرِ مقتول، فرزندان دیگر مادر که
برادران و خواهرانِ مقتول می‌باشند، حق ندارند
بلکه همان دو دخترِ مقتول صاحب دم محسوب
می‌شوند.

۲۱۴. ۴. ۱. آیا در مواردی که تشریح بدن میّت
مسلمان جایز است، دیه به آن تعلق می‌گیرد؟

۲. بر فرض وجوب دیه، مباشر عمل باید پرداخت
کند یا دانشگاهی که میّت در آن تشریح می‌شود؟

بسمه تعالی

جواز تشریح موجب سقوط دیه در موارد ثبوت
آن نیست و دیه بر کسی است که مباشر در عمل
تشریح می‌باشد.



احکام تصرف در اموال

۲۱۵. ۱. آیا بچهٔ غیر بالغ، با رسیدن به سنّ بلوغ
حکم به رشد او هم می‌شود، یا بلوغ علامت رشد
نیست؟

بسمه تعالی

شرط رفع حَجَر از غیر بالغ، علاوه بر بلوغ، رشد او
است و صرف رسیدن به بلوغ شرعی امارهٔ رشد



نیست بلکه ولیّ طفل باید رشد او را نیز احراراز کند، و بر ولیّ لازم است که اختبار از حصول رشد را در وقتی و به نحوی انجام دهد که او بتواند بمجرّد بلوغ و حصول رشد، در مال خود تصرّف کند و به خاطر کوتاهی ولیّ در اختبار، ممنوع از تصرّف در مال خود نگردد.

و ظاهر آن است که در نزد قاضی نیز رسیدن به بلوغ، امارهٔ رشد محسوب نمی‌شود و قاضی برای حکم به عدم حجر در مورد کسی که مسبوق به عدم رشد است، باید به امارات مقررّه شرعیه استناد کند.

۲۱۶. ۲. کسی که به نسیان شدید مبتلا گردیده،

اولاد در تصرّف مال او چه وظیفه‌ای دارند؟

بسمه تعالی

مجرّد نسیان موجب جواز تصرّف دیگران در اموال وی بدون اذن و اجازهٔ او نیست.

۲۱۷. ۳. برای دانستن اینکه فردی از نظر

اقتصادی رشید هست یا نه، نشانه‌هایی ذکر شده است که برای تطبیق نشانه‌ها و احراراز رشیدبودن، مدّت طولانی لازم است و معمولاً برای برخوردهای اقتصادی متعارف چند دقیقه‌ای (خرید و ...) مناسب نیست (به علّت کمبود فرصت). آیا برای معامله و سایر برخوردهای اقتصادی باید احراراز رشیدبودن فرد را کرد یا می‌توان در جای شک، اگر ظنّ به خلاف نباشد (مانند نشانه‌های سفاهت یا جنون) حمل بر رشیدبودن کرد؟

بسمه تعالی

بدون احراز رشد از معذوریت خارج نمی شود.

۲۱۸. ۴. مادری هستم که قانوناً قیّم فرزندان یتیمم می باشم. با توجّه به اینکه ظاهراً تصرف در مستمری بچه ها و دیگر اموالشان تنها بر اساس مصلحت آنها مجاز است، دقت زیادی می کنم و حتی اگر بخواهم کمی مالی به مادرم بکنم، از مال آنها استفاده نمی کنم اگرچه سخت است.

برای این که در زمینه برخی مخارج که در زندگی پیش می آید (مثل همین کمک به مادرم یا کمک به فقراء و ...) اذیت نشوم، لطفاً بفرمایید آیا می توانم برای خدماتی که برای بچه انجام می دهم (شستشو، آشپزی و ...)، برای خودم دستمزدی منصفانه بلکه حداقلی در نظر بگیرم؟

بسمه تعالی

مانع ندارد.

۲۱۹. ۵. چنانچه فردی در زمان سلامت جسمی و عقلی، با عقد صلح خیاری ملکی را به دیگری منتقل کند و در ضمن عقد به لفظ و لسانش شرط کند که فسخ آن تنها با شخص خودش باشد، آیا پس از بروز زوال عقل و سفاقت، قیّم آن شخص می تواند آن عقد را باطل نماید و متصالح علیه را از حقّ خود مرحوم نماید؟ لطفاً حکم شرعی این مسأله را بفرمایید.

بسمه تعالی
با عروض سفاهت و زوال عقل، حق فسخ به قیّم
منتقل نمی شود.

۲۲۰. ۶. اگر ولی طفل، برای صغیر وکیل بگیرد، آیا با
فوت یا جنون ولی یا رشد صغیر، وکالت وکیل برای
صغیر باطل می شود یا خیر؟ خواهشمند است حکم
هر سه مورد را بیان فرمایید.

بسمه تعالی
بلی باطل می شود.



مسائل متفرقه

۲۲۱. ۱. نسبت به شخصی که به گونه ای
می خواهد اقدام به خودکشی نماید، بفرمایید:
الف) آیا جلوگیری از خودکشی وی بر دیگران واجب
است؟

ب) اگر ممانعت از خودکشی آن شخص، مستلزم
مخارجی باشد، آن مخارج را چه کسی و تا چه
مقداری باید پرداخت نماید؟

بسمه تعالی
جواب الف و ب: اگر نفس محترمه باشد، دیگران
تا بتوانند باید از خودکشی وی جلوگیری کنند و
مخارج جلوگیری بر عهده جلوگیری کننده است
مگر آنکه نتواند بپردازد.

ج) اگر بازداری شخص فوق از خودکشی، مستلزم استقبال از خطر جانی یا به خطر افتادن سلامت شخص نجات‌دهنده باشد، تا چه اندازه باید از این خطر استقبال نماید؟

بسمه تعالی

اگر احتمال عقلائی بی تأثیری جلوگیری یا خطر جانی نجات‌دهنده باشد، تکلیف از او ساقط است.

د) آیا در نجات جان چنین فردی، فرق بین مسلمان و یا کافر حربی و یا کافر غیر حربی که می‌خواهد خودکشی نماید، وجود دارد؟ و اگر هست، احکام آن را بفرمایید.

بسمه تعالی

در غیر نفس محترمه مسلمان، جلوگیری واجب نیست اگرچه نجات جان هر انسانی مطلوب است. ه) یا برای ممانعت از خودکشی آن شخص، رضایت یا عدم رضایت وی برای نجات، مداخلیت در تکلیف نجات‌دهنده دارد یا خیر؟

و) در صورت عدم رضایت برای نجات جان خود، اگر کسی اقدامی در جهت نجات جان وی انجام داد که در ضمن، آسیبی هم به شخص خودکشیکننده وارد شده، آیا منجی ضامن است؟

بسمه تعالی

جواب ه، و: رضایت طرف مقابل شرط نیست، ولی اگر در ضمن جلوگیری وی آسیبی به وی رسید که اصل جلوگیری از خودکشی فی نفسه مستلزم آن نبود، جلوگیری‌کننده ضامن است.



۲۰۲۲۲. زنی شوهرش مُرده، آیا می‌تواند با قصد ربیبه به عکس او نگاه کند؟

بسمه تعالی
اشکال ندارد.

۳. ۲۲۳. احتراماً به استحضار می‌رساند چند سالی است در شب اوّل ماه ربیع الاول، حرکتی در بعضی مساجد باب شده است که به نظر می‌رسد نشائبه بدعت و یا ترویج نوعی خرافه باشد. ماجرأ بدین قرار است که در شب اوّل ماه ربیع الاول، از حدود نیمه شب تا اذان صبح، افرادی که غالباً خانم‌ها هستند با در دست داشتن شمع، پشت درب مساجد مراجعه و با کوبیدن به درب مساجد و خواندن اذکاری، توسل جسته و حاجات خود را طلب می‌نمایند. قابل ذکر است از هر کدام که نسبت به علت این کار سؤال می‌شود، آن‌را مستند به شنیده‌های خود از بعضی خانم‌های جلسه‌ای و جهت رفع همّ و غم و برآورده شدن حاجات و تسلی دادن دل حضرت زهرا (علیها السلام) می‌گویند و معتقدند بدین وسیله اتمام ماه صفر و آمدن ماه ربیع الاول را خبر می‌دهند. لذا از حضرتعالی استدعا دارد نظر خود را نسبت به چند سؤال ذیل اعلام فرمایند:

۱. آیا چنین عملی، مستند روایی دارد؟
۲. آیا چنین عملی (که در حال گسترش می‌باشد)، می‌تواند به عنوان یک حرکت شایسته مورد تأسی دیگران قرار گیرد؟

۳. در صورتی که عمل فوق از جمله خرافات و یا خدای نکرده نوعی بدعت باشد، وظیفه ما (ائمه جماعت و متدینین) در این خصوص چیست؟

۴. با توجه به مزاحمتی که اینگونه اعمال برای همسایگان مساجد دارد، آیا ایجاد مزاحمت در نیمه شب برای همسایگان مساجد برای انجام عمل فوق الذکر مجوز شرعی دارد؟

بسمه تعالی

عمل فوق اشاره مستند روائی ندارد، و شیوه قابل تأیید نیست اگرچه اصل اذکار و ادعیه و طلب حاجات از خداوند متعال عمل پسندیده است، لکن اشکال در شیوه عمل به نحو یادشده است. آقایان علماء اعلام (دامت افاضاتهم) و مؤمنین (ایدهم الله تعالی) با پند و اندرز و موعظه و نصیحت از رواج چنین رفتارهایی که چه بسا ممکن است منتهی به وهن مذهب گردد، جلوگیری نمایند.

۴.۲۲۴. آیا دعوت از غیر مسلمانان برای گرویدن به اسلام واجب است؟

بسمه تعالی

اگر تمکن داشته باشد و مفاسدی بر آن مترتب نباشد، واجب است.

۵. ۲۲۵. آیا شرط بندی مجاز در تیراندازی، فقط منحصر به تیر و کمان و سلاح های متعارف است



یا شامل هر نوع وسیله‌ای که موجب تقویت بنیه نظامی باشد، می‌شود؟

بسمه تعالی

شرط‌بندی فقط بین مسابقه‌دهندگان با هر وسیله‌ای که موجب تقویت بنیه دفاعی و نظامی باشد، اشکال ندارد.

۲۲۶. ۶. والدین من هر دو کاتولیک هستند و می‌خواهند که پس از مرگشان سوزانده شوند. من مسلمان هستم و نمی‌خواهم که این کار صورت گیرد، اما وصیت و خواست آنها این است که اجسادشان سوزانده شود. آیا این کار جایز است؟ من باید چه کنم؟

بسمه تعالی

سوزاندن جنازه میّت غیر مسلمان اشکال شرعی ندارد و شما می‌توانید در این باره به وصیت والدینتان عمل کنید.

۲۲۷. ۷. زنی می‌خواهد در کنکور پذیرش کار شرکت کند و برای این امتحان باید عکس بدهد، اما در کشور ما (ترکیه) عکس با حجاب را قبول نمی‌کنند. آیا می‌توانیم روی عکسی که با حجاب گرفته شده، از طریق کامپیوتر موبگذاریم تا این زن بتواند در امتحان شرکت کند؟ در خود امتحان هم می‌توان در مناطق کوچک با حجاب شرکت نمود، اگر هم شرکت در امتحان را با حجاب اجازه ندهند، شرکت نخواهد کرد. ولی آیا فقط در مورد عکس

می‌توان کار مذکور را انجام داد؟

بسمه تعالی

انجام کار مذکور روی عکس اشکال ندارد.

۲۲۸. ۸. از جمهوری آذربایجان هر سال هزاران زائر برای زیارت به ایران مشرف می‌شوند. زنان برای آمدن نیاز به گذرنامه‌ای بین المللی دارند و برای این گذرنامه، عکس بدون حجاب می‌خواهند:

۱. اگر مجبور به آمدن نباشند، آیا می‌توانند عکس بی حجاب داشته باشند و با چنین گذرنامه‌ای به خارج بروند؟ و آیا به زیارت آمدن ضرورت محسوب می‌شود؟

۲. اگر زیارت را نذر کرده باشند، چطور؟

۳. اگر بر زنی حج واجب شود، آیا می‌تواند با چنین گذرنامه‌ای به حج واجب برود؟

بسمه تعالی

اگر عکس را زن بردارد و ظاهر کند، الصاق آن به گذرنامه در هر صورت اشکال ندارد.

۲۲۹. ۹. همانگونه که مستحضریده اموال مجهول المالک (مال غیر منقول) که به قرار اصداری دایره سرپرستی دادسرا تحت سرپرستی امین یا نهادهای خاص قرار می‌گیرد، به حکم قانون امور حسبی غیرقابل فروش می‌باشد. آیا در صورتی که در معرض تضییع باشد، می‌توان بیع نمود و حاصل فروش را پس از کسر مخارج و هزینه‌ها در حساب



دایره سرپرستی دادسرا قرارداد تا پس از حضور مالک
به ایشان پرداخت نمود؟

بسمه تعالی

اگر راه حفظ مال مجهول المالک تا پیداشدن
صاحب واقعی آن موقوف بر تبدیل آن مال باشد، با
اجازه حاکم شرع اشکال ندارد.

۲۳۰. ۱۰. آیا مردان در مقام حلّ منازعه می‌توانند
موضوع را به داور زن مرضی الطرفین ارجاع نمایند و
آیا نظر زن داور برای متنازعین علی‌الخصوص مردان
لازم الاتباع است؟

بسمه تعالی

موقوف به توافق طرفین در حکمیت شخص ثالث
است.

۲۳۱. ۱۱. اگر یکی از والدین، مریض روانی باشد و
به فرزند خود اجازه ندهد کار خیر انجام دهد، آیا اگر
خلاف خواسته چنین پدر یا مادری کار خیری انجام
دهد، مصداق اذیت کردن او است؟ در این صورت
وظیفه فرزند چیست؟

بسمه تعالی

اگر فرزند از مال خودش کار خیر انجام می‌دهد،
اذن والدین شرط نیست و اگر این عمل موجب
اذیت آنها می‌شود، کوشش کند که مطلع نشوند.